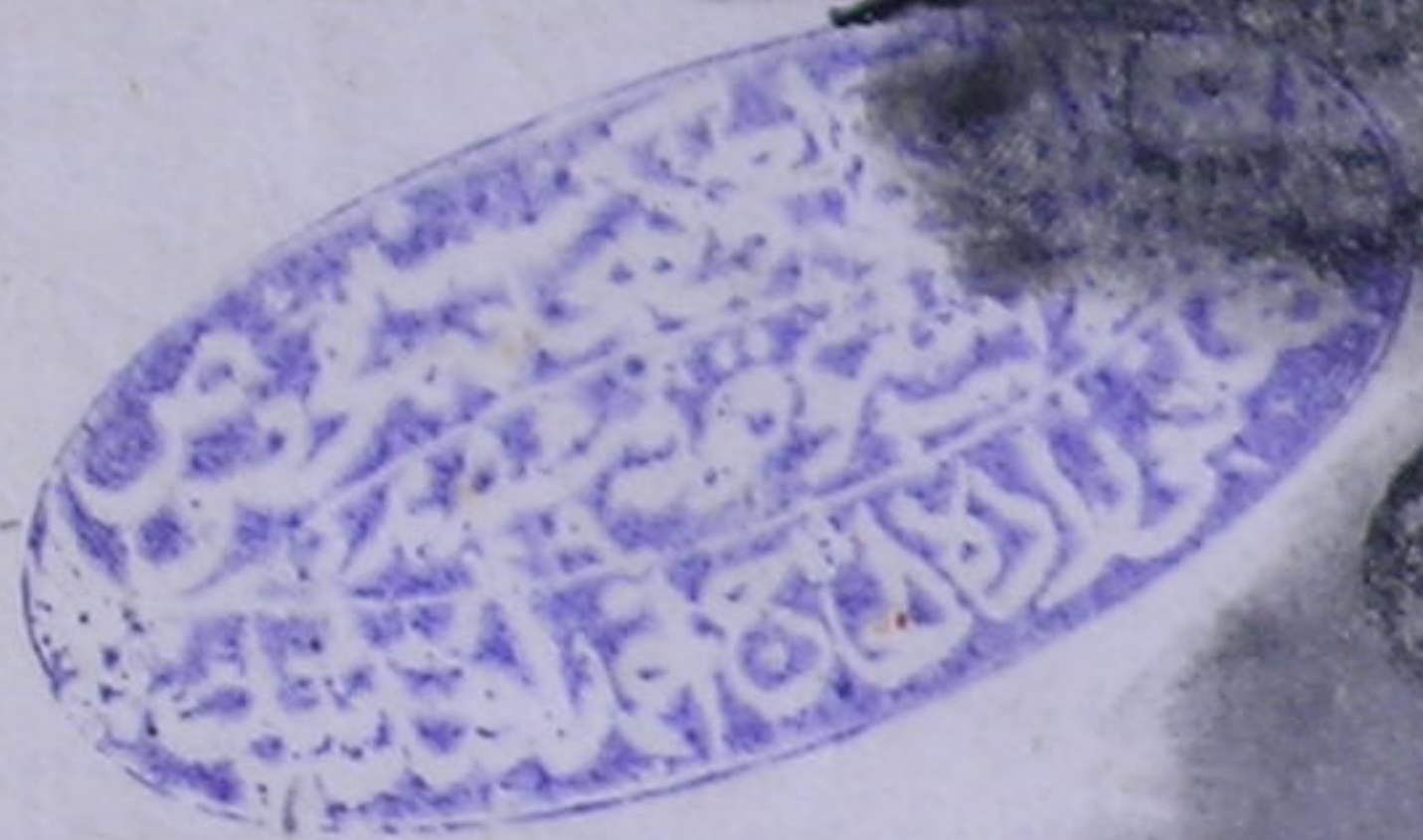






6964

وامن عذرا للشاعر محمد جلي



فهم ما را
البريد
البريد
البريد

Şeyhane-i Kütüphanesi	
Yazma	2
Esas	5625

İzmir



جمله
جانده کی جیم
اوندن انفی قدنها نفعه
نونی و فی غنیرین
قالض اکس نقطه اکس
اعبار ای دور با دوه جانان
من قان اید م ساقی دور این اکندن
قال قلسه تم داد که سلطان
من یکم و تهم داد که سلطان
ای دور دست اوله در کشتی که
اره در یک یکده بین کوه سن صبر اوله در
میرد که کوه سن صبر اوله در
میرد که کوه سن صبر اوله در

ایستاد حفظ شریعت را بر ما حفظ اندازد
 ما عاشق سید عالمیم و عاشق برادر
 قدم در پنج مدار از چهار حاقط
 اگر چه غرق کن باشند ولی صبر و پشنت
 بگویم بیستون فریاد کنم بر در امام
 بدشت هم بخون بیابان کرد امام
 بهر جانب که بنگارم و انکم از بهلولی بایست
 غلام نیست یکی که عیبتن نزد امام
 گفته بود که منم و منم و منم
 و منم از حد و منم و منم
 خوش گذرد با من که سید عالمی
 و منم از حد و منم و منم

خدا عالم را با ما قیاسی بود
 عین کویت و کین را سیاهی
 خدا عالم دن و لایم و دنیا
 ساگر کبریا و کبریا
 خدایا که کبریا و کبریا
 خدایا که کبریا و کبریا
 ان کس حق مان و کس
 که یوسف برادران در چوب
 بنزل خلیفه شد نواد امام
 خدایا که کبریا و کبریا
 از منم عالم را بر امام
 زبیر با کفتم از امام

ایستاد حفظ شریعت را بر ما حفظ اندازد
 ما عاشق سید عالمیم و عاشق برادر
 قدم در پنج مدار از چهار حاقط
 اگر چه غرق کن باشند ولی صبر و پشنت
 بگویم بیستون فریاد کنم بر در امام
 بدشت هم بخون بیابان کرد امام
 بهر جانب که بنگارم و انکم از بهلولی بایست
 غلام نیست یکی که عیبتن نزد امام
 گفته بود که منم و منم و منم
 و منم از حد و منم و منم
 خوش گذرد با من که سید عالمی
 و منم از حد و منم و منم

خدا عالم را با ما قیاسی بود
 عین کویت و کین را سیاهی
 خدا عالم دن و لایم و دنیا
 ساگر کبریا و کبریا
 خدایا که کبریا و کبریا
 خدایا که کبریا و کبریا
 ان کس حق مان و کس
 که یوسف برادران در چوب
 بنزل خلیفه شد نواد امام
 خدایا که کبریا و کبریا
 از منم عالم را بر امام
 زبیر با کفتم از امام



سن بهشت

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله

بسم الله
بنام خداوند جان افروین
از ان افروین

کتابخانه وزارت باطن و طب
بسم

حکیم
خداوند بخشنده و بخشنده

خداوند بزرگوار
که هر خطی باشد

کلمه خطی که در این کتاب
در این کتاب به کلمه خطی

بهدر کند هیچ غرض ندارد

بهر درگاه
سر به پیشانی
مهر نیا

برای سال ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱

نکته: این کتاب در کتابخانه
موزه و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
ثبت شده است.

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the text from the previous page, mentioning "و در این کتاب" (and in this book).

جو با ناسد بر ما و او

هَذَا كِتَابُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

استغفر الله من كيد الرجيم
وز بسم الله و در بر فرد کلید
مکر شیطان ذه سها تقوید و در
جای ایات قرانی و در اول
و من طولی شالی بی مثال
مطلوع و میباید و صفی ال
هر و توفیق رفیع ملک وین
جنت اعجازی و وجه و جیه
نقط سی حال و در اتم الکتاب
بر و در حوضه اکماله و اول
ایک عالم سرور اوله نقطه
قطبی و در نقطه عشی انور کل
اولین و نقطه سید نه جنیر
قره آیین بها ندر بو کهر
سنتو که لمه و غنی اولدر طریق لب
کم بر سر و در سید نقطه حال

در کتب خطی و مخطوطات
در کتب خطی و مخطوطات
در کتب خطی و مخطوطات
در کتب خطی و مخطوطات

[illegible]

کمال حال آفرین بود که عقل و سن
 موقوفه باینده ایار سکر هوس
 میگی کم سرفلقه و در اندر
 چشم بسته چشم جاده بر نور
 اگر کمی نورده رجوب و جاده
 از بخت و ده که در سکر و دم قدم
 بجز از انکشت محمد و ربویم
 آویخته انده صوبه تمام
 بهر الف بر سیر و در طوبه تمام
 استقامت را بهی و در اسلحه و سیر
 اوست جاده لایق و لایق عصا
 ستر و وحدت و در بیانی جانم
 روز ایدر معنی و صورت و طلسم
 زیور و اسلحه و در اول لام
 شکر تشدید و شکلی مگر
 کوز نور که به صاهه آیین لام
 بسته و فکر فکر اول لام
 شخصت عام و در قلوب و در لام
 با سنیو که کم هو باور ما هیتن

در سکر و در سکر و در سکر
 باو سنیو که رفقه و لایم ساکین
 رفقه و در سکر و در سکر
 طلسمه و در سکر و در سکر
 حال صبا کل ناکسن ایار بیا
 هوش و در مکن نظر اندر قدم
 کم قرصینی طلسمه و در سکر
 ناه و تکرید مهری لقسام
 کم ضایع باغنه و در سکر قیام
 نکته سی لانا به نیا و السبیل
 کو ستر فرغونه نفه لژ و با
 ظاهر و باطن بود و آیین
 یکم استا سر و سکر و سکر
 زلف و لایق و لایق و لایق
 ایکه شاک و اتقی و سکر
 لیکه عد و لایق و لایق
 نان جاده و در لایق و لایق
 عقل با سکر و لایق و لایق
 نیم و قفا و رفقه و در سکر

و لیکن خداوند بالا و بالا
 بعضی در سکر و در سکر
 ادیم زمین سکر و در سکر
 برین خوان نیا و در سکر
 چنان بهن خوان کم سکر
 که سیم و در سکر و در سکر
 لایق و لایق و لایق و لایق
 که در سکر و در سکر
 بر و اتش از سکر و در سکر
 غنی و لایق و لایق و لایق
 پستان و سکر و در سکر
 بنی آدم و در سکر و در سکر
 هم و در سکر و در سکر

[illegible][illegible]

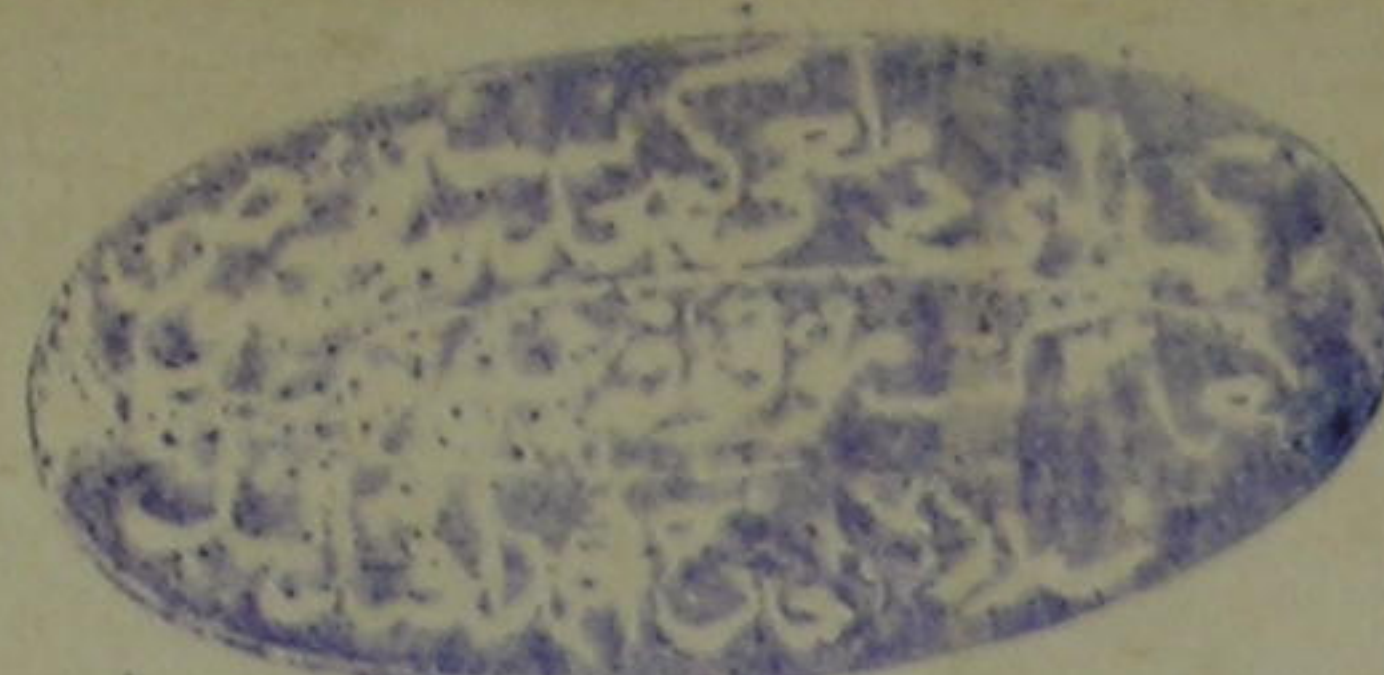
که که دست به ابر صورت
نهد بعد فیروزه در صلبش
کلید در شاخ فیروزه زد
از آن قطره در قطره
و این صورت را که
بر او حکم کرد
سید او را

صدر و رافو

ایضا فکند قطره سونبه
و این قطره و نورانی کند
و این صورت را در چشم
و بر علم یکبار در چشم
سید او نیکوکاران
مهر و افرو

صندک جوہ ویرما است کہ ظهور بجلدک ملقینضامریا ی نور
 کوه که در آن علی رور و در بر صورت انبیاء بر رور و در
 ریلیوب مکتبی که افروز فرات کلدی بوج رور و سراسر کانیات
 هر که جوہ مصلح ظاهر ایلدک بلام زرت آتی مظاہر ایلدک
 جو ظکارت که صحنی بنو ثمال مایه و هر که طلقین کرکوشال
 ایلدک خوش بور و رور و در جارت طاق غفری شش بنج
 کوه ویر که افسر و تیغ و کمر کانی قلدک بنایه و اریسم و زر
 یمن کید رور که جاده حلقه رور ایلدک رینه و فرات و صفات
 رولدی عنولر لرضن تقوی کما کلدی کرتنا یام تکریم رکما
 کورتر ب عفاة یوزنده رک راه خاص اید و قلدک نید بکاه
 از نیشاه و خلیف خیال ایلدک اکا بجلدک کوه طغیا ایلدک رکما
 بو عطا یا فیض فضلک اید بوقیوه ایتد بن سکتی و در
 هر نه کوه مستحق تکریم اید بصفیله شهن و اریسم رکما
 ایلدک فضلک عفو لولدر کما کلدی و طغیا کاه و بوسم حرم
 لطف عامک ایلوب بزم ترین قاعه حاکمید هم نشین
 حوتی اسرار رت جانوم اطلع انوار اریه ارب و کلم
 عقده نظم سجد آت بر رقا نقد شرم کفیه الا و ارفا
 ذکر که هر دم انیس اید کوه فکر و کوه و کوه جلوس اید کوه
 شول نه که نقاشی کوه او از ایزر و غ جانده ساعت پرواز اری

اینک از آن صفات این عالم است



یاد که کلدی رینه که طیر لره اید و غده باجم میو سیرل اید
 کرم جویم در هزار لندر هزار لطف اید و فیض قلم شمسار
 نان رو پوش ایلد و کلدی نور لرت کوه کوه سدر رله
 جو لورب هر که تازدار اید و حق و حق ففکلر بوار اید
 لقیاس اید و ب لور لره لاهی غرقا کور و لاهی
 جانیه الدی خیرت بشو و بی مصطفی نورش قیا فراموش
 هر نفس تلقین فکر یار قیا و شکریم اید و قیاس رتا

در نعت بنی عم

کم و ور و میج لوشاهی شرم کوهی که یکد آنه بکوه قدم
 اطلع و بیاج و مصحف و جوم شمس و لیولر سقف لطف و
 رمیا بهینه طفرای نظام ربنا شمس مهری لرضام
 شمس و در بر توین عفا کاه بر تونده و کوه کاه
 جنبی و جو فیضین طاک و غت سی و هر فضلینا طاک
 بولده لرفاسنده رور و ارف نقاش رولدی لولدر رنده لرفا
 بجم نور که لندک لولک کوه طلع سیم قلدی سیر و کوه اندک روه
 ریلیوب بزم کفیات و سالف رنده لور و لندر کوه شمسار
 کور و یار طایو شرفم یلد زین قیاس قلدی سفا و لولر بوزن
 نورین اید و ب خالق عالم علم رولدی و غت و کوه و کوه و قلم

رشک

حوضه طفیلید که کانونی همگانه
 لاوم بصوس کل رولده او خا
 عطفا ننده رولده کینه بکده باش
 نور قرصین خا بکین قلدیه فاش
 موعنه بولده جنیه شرف
 غظم ورثه لیلده زامو و علف
 قلدیه رولده اطاعت لشکار
 رید بگل رصا به عرض ایضات
 ریلده و شنده بسین مصفا
 حوضه الیه رولده طاهر کوه بحر
 رولده هر بر بر مفری بر شمسار
 حوضه صولوه ریلده رصا به کار
 بگویند رنق رنق
 بنیات ریتی عجز البشر
 شکله اکام عالم رولده حال
 صونما کلک جهاده بوحیداله
 بد قلع لقه نه غم و زار تینه
 رولده و غنوه کوه بهر علویه ترا
 حجت صدری زنا افصح تیر
 ملاح صو بختن قید صو بتر
 حاکم بایه اب روی کانیات
 صودری سر صی و ریح صیات
 مهر و با مهر اضر حاکم و ریک
 عرش و کرسی خوشه جلی کوه بهر
 معتدله و بهر امام قبلین
 منبتی سر جل خلق و من عین
 روز رزم رنق نکرده و مکنز
 فاستقم با غنق قده مستقیم
 بتر بتر سایه سی زفا که هر
 بار صنت بویه خلقنده عیقم
 صطب سینکه ایسی لولا که در
 وصف قلبی رو لسم کلک لایام
 تم فاندزه بویه بولد قدر تام

نور مقدمه در اکام حوضه قضا
 بس ابدیه غنق و رجو آب
 حوضه هر لوط شرف و رله مدی
 حاده و و لهر دم رولده فدی
 نوری ظاهری کوه کبی لنینو کل
 چار بایه چار رکنی و بینو کل
 اول بنوت رل صخره سر و ریک
 مین و و تیا ملکوه خسرو ل
 بحر اصحاب و نفرت بکله
 شت لربا و و ملتر بکله
 آله غیر الاله و صی کوزین
 رفته لاله عالیه ل جعفر

بیا و البی علیهم السلام

بر شرف شب او قلب لایام
 اتماده قصره اتمده مقام
 عالمی طلایه قلوب غیر سرشت
 مهره مشکه زلفه و باغ بهشت
 قلعه طلایه ای شیخ و شهاب
 تحقیق عین الحیات انقاص
 طریقه شیب سبیل خوش بویده
 غم و دلا و صوفی و رولده
 روی بونکه ایچ رفیع قزای
 بویده آنکه نافه و ده لک کلاه
 بو شاعر صنف ایچ ارتقا
 فقیر منزل اید و اول صنف
 قوینده غم و شوق زانو بر سر
 سیر اید و غیب کفر ازین مگر
 لشکر اور میشه نظر رهنیات
 انو کوه بویه و شمس قوا
 بقسمه سونی صو جانشن روم
 رولده سببه قلیوب افاده و
 کل بکاشی لاله و شوق بربادی
 ترک رولده تایدنه بنو رید
 اور میشه بار کاهی صد یوز
 طوشیه شام رله غیب کوز
 اتش امینده یا قوب جورغ
 بویه و صلفه بر اتمده و مانغ

اریکن کوکال بر لقاله و قیال
 اگر سورده کالی کبی ر قیال بر
 کور جاکه میریال کوکال طلده ی تیک
 پس ویرت اوله قاصد و قدسی لکم
 مدیه کم ای حوّه اسرار شوق
 غریبه سن شامیل مقده ی کها
 بر خوس اوب کتورده شاد کام
 و تقی زده سن اکار اوله ی طوفا
 ماه و خورشید بیکر بر قیاب
 به توقف پس اولماه عافین
 کوستوب نور علی نور شکار
 اوجین طاق و سن قدسی بال و پر
 بر ایک کام ایتمدن اوله ی لقا
 صانع و صولت کور ایتیمدن کز لقا
 یوریت جبر نیال اقامت ایلدی
 یق اوله سر بل فیما بینا
 سجدی انصافه ایدین روضه
 اوله ایدوب نغزده جاهه مقام
 مکه ای کجی شکر اوزن علم

ایرمه ناکه ییک مقصرت جبر نیال
 ترکیبن اوله سر و اجوب قلد سر
 طمشته جاذ قلدی اضطراب
 لطفله قلدی لال قلدی لام
 و صلیکوه اندی صی اهل شوق
 اوله ی اوب رصطباله جنتده ی کها
 و قوس خورشید زین و به جام
 و قه میداره بر قدس اوی بر اقا
 لشم کده و نه بیکر بر شمس
 صیوب اوله ایت ویرده زین
 اوله کده و نه و ش اکار اوله ی وار
 اندی اوله شاکل او کجی جلوه
 کده ی بصدی و روح قدسیا
 سجده اقصا قلدی جلوه کاه
 مصطفی کده ی اها به ایلدی
 اوله ایمام وین قلدی اقدل
 و قه جبر نیال ایل اندی عروج
 کوه یوزنه قلدی نقصان تمام
 قلدی نوزده و سنی تیرکه قلم

ارده او جی سرایه بزم است
 اوله منزل حوّه مقام اقباب
 حوّه بشیخ قلدی قلدی مقام
 ایلدی لبتی قصری حوّه یق
 قورده ی بیکر سبهر اوزنه ی کها
 اندی ییک عرتال پس اندی عرو
 اوله شاکل صاحب فر لبتوه بل
 لوقش یازمش و کلکند اوله ایمام
 قرضق نوزده و جهنده ی کها
 حذبتی حوّه بقلبت جوز لکمر
 یوز سر کاه کاه ساک کبی لسه
 اندی قو صیکل جاج غرض یوز
 کفه ی میزل ذنورده قلدی زر
 سماء قوس بر سقالت ایلدی
 ه لوی یوسف کبی قلدی اقباب
 عوشه کده کوه کبی اندی لول
 سده اوله مشتای سیر لبتی
 اوقیت جبر نیال انم نوم نوت
 نوز مقده ندر قفنه شهاب زوکه

قلدی سوز زین ناکه فیکل کشت
 اقباب ویرده یوز اوله و کلک
 اوله جانده حاکمه بهر لکم
 مشتیکل ویرده ی باز لبتی
 یقده کیولده یوز و جهنده ی کها
 قلدی فتح قلدی عفات البرده
 اوله کلک کلک و کرسه مند ی
 ایلدی نوز قلم کارین تمام
 قکر حقه نوز کوسر و ی کها
 یاش لورده ی بینه اوله ی کها
 بقلدی بونینه حیات من سید
 سبیلنده خوش اوله ی کها
 بولده ی عقبه کاه یانده بصر
 جدی لطفنه ی قیایه ایلدی
 حوّه یوش و اورو و یوز و یوز
 روشن اوله ی نیکه و شمس استوار
 اوله یها ناکل رفین طیر لبتی
 میدی یازم سن اندی و قتی فوت
 عقلم و فکر ایر و شکر و واروکه



توتیا که خاک را لایه بی بها
 جلوه کاهی چشمتا منتها
 به صفیوح ذرات سیرا سیرا
 نور حقه طلیعتا بای سیرا
 صحت صدق و صفا و ازده
 الجین لجن حلت سازده
 پس بوسوز را یلیوب جاذبه
 سزده اند و فو و فو و فو
 لیلیب بوزمال ترک خوار و خور
 یا یلیوب را با نه جلد صید سر
 اولین خونه چاکر ده باها نوش
 جم تکی قلد و در و غده و فوش
 هم یقین اولده بو بعضی سیرا
 سوز و بعضی یونیش بعضی سوز
 بقل و سوز و در و ان این
 خا که در را ایلد قطره زبانه
 جو که اید و کوزده باهترین
 با شمه اور و غرا با طهارت
 غزل اند که کف و کوفه جاذبه
 اد که در را ده بش پناه کمال
 ناکه ایرمه بر سو خور و خور
 بر شرف طهرا شاهی بخیار
 بنم طهرا افتاده و ز زخا
 و خیر از خور کس کوه و فضا
 ناکه اقبال و طاو و سی پناه
 نوزده اوجی ملک و ش پناه
 رفعت با بن کرم و فلقه زده
 رسم بر کار خط و و راه شکر
 زینت و عالم انوار یل
 سیرتانی و و براد و اریل
 تملیقه و ویرا لجن بر کثران
 ایلمن کافون غبر و نه نقاب
 نصرت و فتح و ظفر یا نیل
 و هر که طو تملن کوه کیه را نیل
 کور و خطی خاکه سر قورنه فلک
 رفد سین نقونده جاذبه ایلر ملک
 بنم سخط ورة الهین جها
 صفت و و رباضی نوری جاذبه

هر بشی قدره بر آت تا به کمال
 سیم کاهید و رخت فایه کمال
 لکین نظم و در و لای یکس
 بنم بر لای است و له جام هوس
 لصال بعضی غضب صورت مستفاد
 بنم نوک باز که یه اشعاره عار
 ایلد باغ سلفه بیخ و در
 رستمال هر ناخلفه او و در
 بهی اصفه لایق لصال کمال
 فن کتده غیر لایق بهی اصفه
 سفی سینه بر صفا و غنقه ال
 حوید و در و یل و کستر اول شال
 طاقه طغنی شکا هر بر جاک
 لکین جاجن شکست ایلر و لک
 حال عالمه صدف و بر نقاب
 بیکه بر صاف و بولون تر اتفاق
 بر کل و خوش و کبر بیکه خا
 بلبله لسانا آله جاذبه زار
 یلر و در کیم صاب سین باشو که
 یوید سین کوز شکر یلر و کمال
 ایلد بکده غزل و غزل
 این سر فانی طاعت جهمی
 کینه و رکنی و غنقه کوفت
 سیم و نقه سخی زده سکوت

در مدح و سبب تالیف

بن و میره بخار یساکر
 مدتش و اوج مکر نفی کمر
 صحت غزل و در طریق خواجها
 نوک صورت و در طریق خواجها
 مصطفای این و در جوتار کیر
 سنت اصحابه سیرتاری
 حقه اول و لایق استر سیرتاری
 قو بو نقشی اول اسیر نقشی
 انبیا کرد و در لکن رشتی
 لصفیا لئار و در جنبی
 نقطه و توحید و قلب الیقین
 فو و تحریه و و یایه دین

رومده لایال سوارده هند ماکم
 خط ماکم هر سلیمان بندر اول
 شیل احوال اولی که از بنو ماکسار
 یان بر صورت که نقاشا چین
 عنبرین شعرنی کجور ایلیم
 نظم ایدوب دور و شاره ایدوب
 زهری و رتن ایدوب به شاله
 کوزه کبی بکشد تا جی زر کبیب
 و ان ناکاک ایا غنه اوج کر
 یعنی خاتم بر لوم هر ارا اوج
 نظم میز اینی کوی هر بنجامیدم
 طویلت بنیای هند که فند
 شویل بر جایل جاده هم دست ایدوب
 بر سر آغاز ایلیم جانیال بن
 رزم ایدم شول رسد عیب اسرار
 سابقا بوفصه و خوش منظر
 روم و شمش احوال اوله خور لیکن
 نظایفه یکاغی لالزار
 ماکسار و جشم کور یا شکی کل

چین و ماچین و مطا و سنن ماکم
 اینی الطاف رها زده اول
 اول مشکین فایده عتبر نثار
 این لر جانیه یوز بیک افرین
 شانه و شعریل و نصیر ایلیم
 کج مکتبه اولم کوی نثار
 کوستم ابرو لوبه یوز فضاله
 فوج ایلیم مادی اخصر کبی
 بول ماکنه جانیال ریت و فر
 ناکه کوی و لایم و عذر اولم
 کجی سلطانیه عرض کینج ایدم
 بن ایلیم هر و بر بند ل
 بوییم ایدوب جاده کای سوار
 رقص اوج قلقت نوانی تیره
 بانق هر که ایدوب اطوارینه
 نظم ایدوب بر شاکم عنبر
 ترکمه لایم و عتبر نثار
 نقول فیده ایلیم اوج و لار
 خور و زار و یایی کج و شاک

ایدوب یوزده ایدوب یوز بیک ماکم
 النفاقه و دیوب اکا قدر
 کیدب لکنده سعادت جاده سی
 جمد و کور و لوم و این فوج کال
 ایدوب کال بوجالده لک کیک
 بول صورت اولی و روم و نظام
 ایدوب بر شاکم شاهی بر لیتن
 ایدوب بر جانیال و خور کیدوب
 جوتکه اول منشور ایدوب علم
 کجی اولشیده کول کال غلایه
 جمد و فوج عیدر جاده حدی
 بن سی عیدر عیدر از شاه
 بند و لایم حدی و اول
 ایدوب فوج حدی لایم رکا

ماکه یایی شاکم ایدوب لک و کول
 نور و اولی اول لایم و عیدر
 جود سنه بیک کج و شاکم
 ماکسار و باد و بیاد و مجید
 ایدوب بر شاکم لایم لطف شاه
 اول غلایه و شاکم یوز و ایدوب
 بر غلایه و شاکم و باد و حیدر
 خانه و روم و شاکم ایلیم
 اکا کج جانیال ایلیم
 حکم سلطانیه و لک کیک
 ایدوب لایم و شاکم حدی
 قول و لایم جانیال ماکر
 حدی و لایم اول
 ایدوب فوج حدی لایم رکا

در بدو بهشت عالمین

بنی شاکم شاکم فرما و رواد
 برو یتخی روز مید لایم
 خنجو کیک جوی که لایم سوز
 کوش و کوش ایلیم لایم

ضرور و لایم سلیمان
 یتیم و لایم
 ساغ و لایم
 جود و لایم

صله خیال و اوازی جوس
طوت زر زرم ایچ ریج سمناک
آتش اوروب است برده توفال
اکر اولت در استم ضرب حوب
حوة رکاب بصد اولد کیم ایاغ
قلده انکیزی قدم اولد و فکام
اک حوة صحرورده استیاق نور
لسکرتیکه رهبریدر صبر ائیل
بیرور لافام عامنده فلک
ابر و کفی شید و ریابار و
کوه کیمی قدریای ایتشده ظهور
شاه ایراره اگر نیست مکرر
سکاسنده شهرار که جانم طاف
قمار که او دنده کوتش بر تابد
سلطنت ملکن و ریاد و ی
فتح اولد رانم حوة عز و عاک
بزمنش ناچید و ر ضیفا کری
یاسا قهر و کیولده کری
در کله قدرنم به حوة و جوار
صبع اولد و م بست قطعه ایال نفس
بلیت زار و نور سراسر سخن حاک
خان و زینور و نور سخن فلک
تاب مهر نده متور شروع ثوب
اونکر و سکا کسینه اور و لغ
فیج و روح سید رفیع تنم تمام
نول قزابه اولد رانما عیال اکا
نور هماندر اکایار و خلیل
طوینریوی طعانه ملا
کوه و صوا جمل بر خور و وار و
سلطنت و فضا ایا و لاره اونور
مهره لوده بند و سح حاکم و در
صله سنده بحر و تر اولت قالدغ
لطف صوینده فلک سیر ایدر
بعد له قهری سجاد و ساحلی
مهدی افروز طافه و سم نولا
رزمنش سحر ایدر تیغ اور و
تیر و یولنم بر کتر و بیر
مشرید بر غلام و مسترا

برویش لافامه سدر بایند و ماه
جیش و ریالیشد ارجن شمار
نور عاکه کیمی صاف کوه اهر
م کیمی یوز بیکر قوچ و ارجام کیم
رویه و لاج باغینوکه فضا لاله کالی
ینس لودور بر بر ایا بر قاسا
ایده 2 تاب ضمیری حاکم ز
کوه مالکده شود کلو سیر بر
بلبل لاسا کله مد جین این کار
خدا متین هر کیم رصف حاکم و
قایوسی کلف لایح طور ایلال
جوهری حاکم و ریدر کیمیا
صیغ فرایش زین فضا لانه
بویه ایتیا 2 ویر فرقه بی
کلنده هشت جنت برور و
جو دت بر قلع بحر و بی کر لاره
لطف و رکاهند و قول ففوق نور
فونی جو دتم خاقانه خوش جین
سیاه شمشده صوم و جشم و
بو کیتر که رگشتی زین کاه و
خیال اتش طبع و در و فضا لانه
تلبیدر ایلین و اسکندر
رستم ایتین هر بر و سیر و لیر
نحوه عالم تاب روشن خصال
سری سجاد الاهی اسره عیاد
زر کشتی کیمی اولد حاکم و
و لانی با شنده اولد فلک
کله کیمی پر ز قور و غره بهار
کوه کیمی حبیب فلکده اونور
قایوسی بحر الطیف بدر الکلی
نول قلب عین عالم توتیا
میه کرده و یالینن کشف تراج
همین ایلر که ایتین یاد و شای
بطیننه نه فلک جین طبع
نحال قدری اوزن کوه ایتیا
قدری صحرای سنن بکای تورا و
خاتمن ملک و جیم زین یکن
سکیم تنفیده کوه و سکا اولد

هم عدلند سلطان و نظام
 و دوش روشن و دوش صبر
 قضا اید و قضا مصیبت
 رنج را که کند او را طوس سنا
 و خرد قدر و دج را نقاب
 یا الهی شهباز کتوری
 دولت کن کنی با بنم را
 و قدر و رفیقین افکند
 رهبر بن صفر اید نو این ملک
 دایتن نفر کلا منصور این مدام

مطلوبه است

کاه پرواه صد طوطی باده
 حو به سبک کنی سیر اندک یقین
 تا سلیمان صد کوشن را یاک
 سیار بر سوز کج فضا انگیز اول
 رستم و کوشن بلیک این جاننده
 سحر او را بلیک صاحب و قون
 اوله ز کیک زهره بکده کلام و دور
 عود و بکشن نای بر اگاه اید

در
 این
 کلام
 است

بر کلاه سواد و دشت و دوش
 ملک جبین و اردی بر شهر بار
 بخیر و لایق کلاه و کلاه
 عدلی دور اند شهر و ایا که کند
 لایق بید بر برنده لیر و لایق
 بو غیری کجینه و بالین
 کرم بهر مقصود ایا و ریش کرم
 حوق صد و فیضه اوله قطع
 یار کار که اول بر خوش خلف
 حرمه و لایق او لویسم و
 حاطرین و شش طموساکی بوغ
 مید کجینه بلیک لایق
 روشن و کوه یارین او لویسم
 نام قدم در سالقم و تدارک
 شش را غن کج کور و کور و
 راه کرم و دوش کلمه و بلیک
 کلشم صحن و دوش خیر یار
 پایمال او لوب بو ملک ارغند
 طوش سر که رفتن کرده سو

حوق صد و فیضه اوله قطع
 یار کار که اول بر خوش خلف
 حرمه و لایق او لویسم و
 حاطرین و شش طموساکی بوغ
 مید کجینه بلیک لایق
 روشن و کوه یارین او لویسم
 نام قدم در سالقم و تدارک
 شش را غن کج کور و کور و
 راه کرم و دوش کلمه و بلیک
 کلشم صحن و دوش خیر یار
 پایمال او لوب بو ملک ارغند
 طوش سر که رفتن کرده سو

طیوس شاه

فکر ایدوب بورسی شاهنیک نام حکمت اصحابین همچو اراده تمام
 اراده را زین قفسه سنی سید که قلعه زار که غم سنی سید که
 دانستن اربابین خوش و کشف راز ساله سینه مردم و غمده بی نیاز
 دید برای شهریار که کا کا کار هر زاده اوله اوله و خجسته یار
 تو به اوله اینده سندی و فخر کرم حکمت فکری هر فرزند یار و مردم
 و مردم یوقد سیکم و اسی و لیلی غم می و ارم و رستم صفاسی و لیلی
 خود ابله غم سیکم و در باغ و ارم حاطره خانه بخود ارم و سنی و یار
 بود در تدبیر کیم خانه جبین این ستراسر تفحص ملک اجین
 بود یکدیگر بولار و در تیرام کاری است چندی زلفه کلاه
 اوله شاه و قد سمر و بقتل کاه رخنه شهید لعلنده می
 قوه ابر و سی حاله این کماه این ستر و غم سی هر کونم قاه
 کاه کیم ناز که تن رنگین ارم سبک ارم صیاری اسکن اوله
 کونکس ارم کرم سی و لو و فدا لور لقا قی و ساقی عرش و ستر و یار
 صن باز ارم حقه صبی و تمام بوغز لده بلمی اوله و صفی تمام

غیر

شونم بر یکدیگر فراد و غمده بولنور می و لاله یکدیگر کاه سوزی شیرین می و ستر لیلی باله
 بکه هند و کوزده جاده و قش یا کریک اوق زلفی غیر نفس سبک تینی بلنه ایشاله
 و صنی صفا و جاده لیلی لعل و ویشی و آله ای یوزی کوه صیاری ستر کاه صفا
 ساعد و ساقی بوغده الج باله قدس اوزده و کاه نو سکنانی قوریشی و آله ال

اوله بوی کیم هر بر غمی رستم طریقی لای کیم صافی ارم و فتنه اوله
 بور و سنی قفسه لعل طریقی قیاقی سبک سحر این بقا و قیاقی قیاقی
 کاه کیم فاروقی ایشالنه غم و ش و رجن ایشالنه غم و ش
 رخی باغنی حیا هر دم این غم و غم کوله بوز ستر سبک لطفی باله قیاقی
 جاده و سال اوله خنده بزرگ کیم ارم کوه کوه بوی ستر و ستر کیم تان تان
 ایشالنه ستر و صحن کاه ایشالنه کور کیم کور کیم کور کیم کور کیم
 لیلی جانی ستر این صحنی عشاق و ارم لیلی و لیلی و لیلی و لیلی و لیلی
 باله کاه قیاقی لیلی باله اید کاه نوش اید و سوزینی جوش کاه لیلی لیلی

لا موده نسیاه یار ستر کاه بر و ال

جوه لور سولویال مقصود و ال اشکال فاشی لور لور لور و ال
 اید کاه مقصود و سلفا کاه بر ستر و قیاقی لور و لور و لور
 لیتسوه لور و قیاقی ستر و لیلی جاده بوسقالت کوبکیده لور لور
 وین صحر بر و کیم همسار و لیلی قلم لور لور و ستر کیم لور لور
 و رقی القیاقی خنده اوله اوله ملک زیکه و پند رفته اوله اوله
 پس یوسر لور و جاده اوله ملک تفتیشی ایدنه کاه لور

ماستین سلطانه جبین و خضر بیلاه لور لور و لور لور و لور لور

شاه کرم و و بزم ایدوب بر حین کیم ال طریقی و لیلی و لیلی و لیلی و لیلی
 اب صافی کاه کیم و لیلی و لیلی و لیلی و لیلی و لیلی و لیلی و لیلی

نفس سوزیده می

بزم لیدوب تختند و بس حاقه بین جام ایوب نقش ایدرم و بیکار بین
 داریدم خانک بکر بر تا جو کشت قلمش در فرار و لکه کنورک
 کاره آرد و عاقلو عالم شیر خواب و دور اندی ادری شیر
 فنی تصویر لایحی اوستار ابدی کتر رده عقد کو کله نی پوله
 صوما ارژدر شکان کر نقش این برهنه رولت جهاه قلعن یوما
 یازم ماه ایند سیند قاش و کوز کستر بیاچ جهی و مقصود یوز
 ابر کلک لوصه لوله قطع بار سرشیر سیاه لولو صحنی کنار
 حاکم در حلیله ایلد و کنتی طاش بر بازه او و جوی فرغ و شتی
 سیر قلمشید و ارساه ایلدین شهر شهر ایلد و تورا ایلدین
 شاه باز بایند سرور و شبیه اولد ماه روجوق خوابا کور ایشید اولد
 نقش قلمشید بر بیکار برین هر م یار و که خوب نیکی احقر این
 انار به لیدوب تماشا و قد غ شام لیدرم و حاطرین و بدیم
 قلم اول ایندین غ شتر جام خوابا کور و مقصد رمد رمد
 اولد سببه که ندین شاه صید جهی سی حاکم ره ره کاهید
 چونک کور و حاطر حافی بلوله عرض قلده خوابا تصویرین اولد
 ایدیکه اولد خوابا عرض جمال کیده تا که حاطر خاندان اولد
 بلکه اولد ایند رده یام شاه بول شاه جهی و مقصود رده
 سیر لیدوب شاه انار به قلده لیدرم و حاطرین و بدیم
 بر نکار ستاه بین و یکیم رکا کور سه مافی و صفت قارطفا

صوة نقاره صالده هر بریا کرات اندی برکار و اورده شاهین پت
 کورده اولد وید کاره او صافی بونم وچ اولش بر اکساک سزغ
 بس کتر و بایند نقاشی خاه کاف وید و نقش کده جلد ران و جاف
 لشو صورت هر که بزم که و لیدر مهر و مهر نقش و رسم لایق
 هر بریه بر صورت جانانی یوقد نقش خانه وار در افسانه
 پنجه صحنی صورت و یوز لولو ایند صورت و ار که صحنی لولو
 ایشود کشت نقش کج سر و ار و ور برکار بنم جانر زار و ور
 سوبله صحنی و ار سه لوله صورتی جانم اشفه قلده طلعتی
 فنی قلمشید بیکار بنم صوبل بوز سیم استیاسن بن
 کج رخی لیدرم و مقصود و ر لشفه جاف و ولد و رده
 یوز ایلدیر او یون نقاشی بین بر قلب رکنین سنجده و مر احین
 ویدم شاه و ور لیدوب بونیک صورت ایلد و ولد و غنیه ماه و کج
 یان خا که عرض هر کوه صبه حال رقص نامک ماه و مهر بچوه ایلد
 حاطر و که بومور بچوه ایلد زار تن در شاه سا جانر تار
 ایشو صورت کج و لکه جاف کجند خاه تورا و حطریک نقش
 جوف من اچین ماه اولد ریکوه خوبون کتن شاه اولد ریکوه
 صبح اولد ایند لطف و خلق کوفه کیده و روی قیاسر کانه بورک
 تاجدار و لقیس صحن و صحن جیاه سبدر النی و روی کشتی
 قاشنده سر و سر شمسار طعنه کلر خجاف و ر لاله زار
 طلعتی

اولدولمدم که تاخیر اولیا
 بیزه زحم سینم تنور اولیا
 ایله وکه ایچاله حایه روش تمام
 خاها بیور باقی کلاه فی السلام
 افولده نامه جو کیم وزیر
 اورده حاقا که هرود لیریز
 پنجه نامه رسول بیگ غنیر
 عالمک پیغمبره شاد کست هریب
 خردی سرار و جانومه
 سون کلاه قالی ایدر هر کلاه
 ایلمن روشن بونکاه ر تمام
 بولغورده مکسوة و صفین تمام

لغت نامه

تدر اولدوغی چرخ پرواز
 تکه و له ساه رو جاده طور از
 طولانی سر سهره بیرو واز
 کلاه باش اوزن که جانن پرواز
 جالنده کلاه که روضه راضی
 بقالنده بولور که له و از صر
 طش کافور لایچ بر پشته و غیر
 صبار قنار و بر بیگ صبر بر
 یو بله تان زینت غنیر لیدر
 لعل و در و سنبل باغ لیدر
 لیل و از له لوتکته و اندر
 به غن کاینده صاحب بیاندر
 قلندر و ش تر لای مط قور کار
 بهمان حال کبر و شیدی راه
 بون که کشف ایدر لایه واز
 نهاله لوب و ستین واز
 بته حوضه بلتی اشق بویورده خاها
 بولدر لیرنگه واره و خوش بیا
 قوشد در بر پنجه و ده شانس
 ورو وریوک یوک بلکاه و قش
 سیم زلف و جالنده و بروه
 رنگه رنگه و بیا و بروه
 جو بهای زر جابه و تاج و کمر
 یا کار و هر و تاور کتف

اکه بیگ رستخیز فلک و ش زینهار
 هر بر سه کشتی و بحر و قار
 اکه بیگ زر جو لولستر و خوراکه
 هر سیر لسنه صیاده ماه فاکه
 اکه بیگ آن سیم لبر زین او یاه
 شایه و ش صایلم از و بی او یاه
 کون سفند کاه و کیم ایل صاب
 صفیما ل طبا و ج و لولک کت
 جلد سن و فقر قلبه کند و یال
 کتوری تور ل و بر کوف ایدر یال
 یاسایب هر یاکه قول و لکسکه
 صقده استقبال تور ل و لکسکه
 صد هزار رده غن و کیم یال
 شهره آتوب کله کیم یال
 اکه بیگ سولور و ش بقم
 کیم اکامه ل و لکسکه ایل ساهم
 صمد کرمه ل و کاهیدی
 قند سنو ک نقض هر و ماهیدی
 زر نطاق ل و لکسکه کیم یال
 و لکسکه کیم یال
 یو کیم هر این و رسم اولد تمام
 لیلیوت طایو کونله و خاقم
 نزله و فقر یکلده و کراه
 طوله و لکسکه و زین و لکسکه
 فضل سنده بیلور کوه بولور
 بان غنقا و کاه و لولکسکه

ایده فقر شاه تورا و استقبال اعیان و جانت جا

کلک بر و ای طوطی و سکر زیاده
 کیم بیایک و هرده و خوش میزبان
 وصف بزمی بیزه بتر سولیکس
 منتظر در شایه بیایک
 بنم اسکال اول کاهیل صفت
 قصه قصه ایل ایل و بقمه
 سوغ و سنی زین ایده نظم اوزن
 بیایک یازش کیم شهره تور ل و زین
 بو و سنی عرض ایدر و طایوسینه
 سنی قالی یوز سور کاه قایوسینه

ایلین اول نهاده جان کنش و ضمه کرده کاله من باه و ش
 قاصد و حافاذ دعوت ایلدی کنش او ستم ضیافه ایلدی
 دیده شاکل ناهسن اید و بیلد مضتم رکاکینز که بنم قول
 کریم بختیز او ی اول نهاده تمام قلده بر اوله مکلوه ایفی اتمام
 مضتم بنی عرتن و اقبال ایلد کینج و بده و فوار و لاله باله
 شاهار خاتونلارینه قوشده خوش تا که غم مین این اوله باه و ش
 بنم یوز سوخی غلام و باه رو بیل اوله خورشید لکیزه او
 بنم یوز و افغ کینز که سرو قد غنچه لب کال فو سیمین لاله حد
 ما حاصله دنیا طلوسی کینجید بنم بیکر قیلد جوارا یل سنجید
 هر نه لایه لایه طندی تینز که بیل حقیقی ملکک مدینه مک
 قلدر منزه بنمزل غم و راه نیت کم ارجا سیر لاله این باه
 سر جینا ایر و یار بر جین سیکه ایر و ب حافاذ و درم یار خیر
 دید نر ای ضرره فو لاله روا به ضیاب الجیم ضتم فو شید را
 و لکله شمع اید بر نور اده کوز که ایدیه ماکل و ک سرور اده
 شاه تودار ناکل ارشدی مضتم اوله سعادت بر جین شاکل خیر
 اول قلده هر نه وار کینج اولو حقه استقبال اوله ماهی تو
 صن قیامت قومیله حلیقه ی جهانه حب ایاغ او کینه کلده از و جه
 ایرد ریو حالت و تقیلمید صد هزار راضه غن تو کاک بیل
 اور و یوز سوروی بانیدیل هوشه یار یولینه بده و تاش

قلده دیبالا کو هر تمام اوله دیارده باغ ضنه و ش تمام
 نسیمی ارژنگه بندک ریوزده صاده و کلده سیره و مکلزده
 حوه سیرای شاه لیرم یار یقین حقه استقبال اید و ب حافاذ کل
 ایلدی شوله مکلوسم و زرنهار باله یادی هر فقر و خاکسار
 حوه و ییم شاه اوله جهانه بیدیه ویرده بشمقون مهر اوله کاکا
 رینین و ار بنم فقره شاه اوله رطلس و دیباید سر جمل لوله
 ایلین لالقه ماهی بر جینه کو هر طبره لاله در جینه
 خلق قلده بکر آره اتمام عام کیند و یزم قاص اید و ب سو حرام
 حکمت ار با بنی دعوت ایلدی روز شهب بی صیافه ایلدی
 دیدیه اصطرلابد کره ستره خزان کویس و بولایه و کوه ستره
 یس کر که کوه کینی اصطرلابده حایه جو فو دیسز هر بابده
 بولنر بر ساعتی و ضنه خال شمس کور لعه بر کسغر قیلو تامل
 جملد دید یار عالی الرسن این یار رای و هر ار اگر هر یار این
 بولدیار بروقه کمالو اراکا قاضی و رفاه که سعد اکبر اوله
 رتد حاقانه تبینه اوله ده این حاصل این تا کم عایلی
 سطا نوز اختر نکل مضتم سعادت اختر بر لاله حافاذ مین
 بر بر ص لاله اید و ب اوله مقده مشا افتراقنده قلده
 نیمو شاه و امیر اوله افقاب لاله عالم تابنده افاقه منور قلده
 بطر د افاقه که اوله بر بط نواز شام شاهی جو کینز قلده بر یاز

یقده هر بر بختم بر بدری اینر / لبس ارا ا دلده باهن کوشه کبر
 طالع اول شده خوشه بر / کم بازار ایدک بتر و اشتراک
 فتح ایدوب کرده و صفا بولیش / جو تمشک شرف اسبابی
 شکل شده ایلیم کیلوه کوز / مهر و صلیوه او قمری جز نور
 بزم کاخنده طوبی عاقه چمن / اوله اوله مهر و یال صوفی نین
 بر ۳ مهر - صیدی عیسی قدم / خانه بلقسه یا خود و یردی خج
 بر برینه نار عرض ایدوب نیاز / قلعه ارباب و قافه کشف و راز
 لکه جاننده قرب خوش و خوش / اندر جاده چشمه سنده با صاف نوین
 لام الف و ش صا رب اول اخطاه / اوله او صحت سین عین صاله
 شام و جاده تو کده سیماب ناب / ساغ و عده اوله اوله بر لعلی و کبر
 اوله بر دم جوه بیاض و غنی / خاوه اوله قلعه خور و مانند شو
 قار شرب بر سیرینه شهر و سکر / خور آب نوشین ایلد یار تاسی
 بر قیاده جیقروب سر اکتین / من و دیگر بری اندکی پیرهن
 فرصتی دنیا بکیم یا پیدار / عسرتو وصال حیا له و خوابد
 قطره نیسافه خاقانده عین / حاصل اندکی اوله صدق و سخن
 طوق زار لولنی طفده بر کمر / کج رخنه مهر لورده ی نور و نور
 زلف شکین جمال او کستن جم / لعل جاده افروز ی علی کین هم
 رخساره اوزن ایلک را جابین / عدله یار زین چشمی نوزی عین
 ایلوب سیمین زخنده غرض چاه / کتر جاده یوسفیه جبهه جگاه

غنی کویا اعلی ایدیک / ماه کبی کوه کرده تابیدی
 ایلش بویوزمه اوله بد تلکم / جو فی حد تمکار و خورشید غلام
 صنی چونک شاهن عشق ایدیک / رنگه لاده شاه و اربع سوبله
 بولد مر بوزلف و له سایی / اوله یما تال ایلد یار دلایی
 ککر ایدوب و لایه صدرین طایه / شکر نده قلعه لعلین یزنان
 جان و پرو و ب چکر مده صفی خج / صمدی یفر نده طاط لعل کوه
 کورده فلانده جویلف کوه / مهر و مهده ایلد یار مهر زین
 شیر بر و رولت اوله لپو / نور و یرمه ککوکت مهر و خاوه
 چونکه سالی اوله ها چاک چهار / ایلک عشرت ایلد یار لیلک و نهار
 سر و کج کبکس چکنه قاتی / اوله کمال زهار و هر کافه
 ارمه جوه تله الی یلینه / اندر لورده جی ایلد یار یلینه
 اوله کوزی نوزنده جوه شاه جی / قابلیت کوه به کورده عیاده
 لور قلعه بولد لیک فیلسوف / کج جهاده سرتیه بولمشه و قوفی
 کارم لده و فاضل و ورم و ارباب / نکته م لاف و کمال و یلینه و زیب
 شغال علم اده جو و ارباب باهوله / اوله از مدتن بر صاحب کمال
 و یر ایدیک بر سوال اوله جواب / هر جوالج ایدر فضل اخطای
 منطقه زار ایدیک اهل کله / ایلمشه حکمت اربابین غلام
 الی طوتسه خاوه اسکین رقم / لور قیده لورین لور و قلم
 قط خوابه کبی یاز سه خط تر / و یر ایدیک صفی یاقوت فر

جو تک تعلیم لاشی بدی شهریار / اورید و ببولدردی بر جایگاه سوار
 تا در بپهر گرم و از اول سرون / قتی تیغ و تیر مدیو که کوشتره
 از دلفی از دس از مدتی فن / اولدی بر جایگاه سوار و صف کن
 کم اب و سینه او نیات شاه / بیلنج جو فی زور روی اسماه
 رسم و راستایند اید و ب زبوه / قهر بانر بوقه ایار مدی خوه
 با حاصل لطف و سخا و فضل و هنر / اک نسبت اولدی کاری قنقر
 لجه بندل جو مدبر له مهره کف / او قریده مهره خت بخره کف
 ویرسمه ریایکسی کوهری به صبا / ایتنریده قتل مکلوا اضطراب
 شام اولوب ایلا وجودنده انک / طوله عالم لطف و جودنده انک
 مهری طندی حسن او ازده سی / جود ایدمه سروین اندازانی
 یایلب افاق حنده خبر / باشاده تقریر قوم و بحر و بی
 سیره حقیقه او باه و فروز / رهال ملامه در روی سوسینه سوز
 بغلب اوله شهن نصیف و تزه / شهر شهر را لور ایدیه از نهاده
 ای بکار فدر رینه استری / مکل بودر اوله جواهره فدر

خبر

اولدم حوالی سروکیل سایه کمال / طوبی لمن یوت و ذقله هو ال
 طوبی جهانه ضاهه کبی صیات و خور / وارتدست انظر طوعا الی سوال
 جسم قورته قوبه مهر و کوزنیم / دل تشنه لکده اوله نکل سنجاکه
 خوه ملیل دین کبی نو و سینه / ای لاشی نفوس جهانه یوایلک

تا ایلد و کج کبی و شن نظر لکا / یار که جمال کوشک لوشن این باناکه
کافه شقه و فقر شاه و بنی جمال و این شیشه از مقبایه
 اولکد افسو فی تحریر ایلدی / قفقه بورسمه تقریر ایلدی
 مدیده حسن و این اولدی صوبه / ایلده لجهال جهانه ویرده زیاده
 سولیده لبرانو تورانه ایلکه / چین و با چین و خورانه ایلکه
 واریده عزینیم بر شاه کوزن / عده مهر و شمشیر یوزن
 کوزه کبی رای جهانه لرایدی / بکرمش بابنم به همسایه
 طوبی صیت عدلنده جهانه / کویاریدین جو مدیدل بحر و کافه
 حق لکار و ختر اتمشده عطا / بنم و ختر اختری مهر و وفا
 کوزن لجهال صیحت مکن کند / طلعتی کاک قاتی سرو بلند
 روی دولت قره سینه صوفی / النی طلعت بصفت لوصی
 قاشده کورس ایلدی حیا / کوزه بوزنده بهنصف ایکی جهانه
 مشتیه ندانه لیکل سکار / درو لعلینی او در بر لیر
 بنم و رخره حب انبات / اتمشده سیمه و اب صیات
 لیکل اوله سرشته و کاد یوق / کفقه و کوی عقله انم راه یوق
 نقطه عجبیده باهم و جمال / باض و استقبال لوشن انم حال
 غنقی کویا مکنده یایدی / یار فقهه نصیفی ظاهر ایدیه
 صاده صراجه رسیدی بونی نوزده / یاسبون حسن ایدیه بلاتوره
 میر ایدیه سیر ایدیه اولک سینه / بودر ایدیه اسکندری

اک بتایه ای که با منی و تر
 صغی و آب روزی من ای که صبا
 ای که مستنم می خورده و یغ
 مشت و جاده بیکی پایداری
 قلب بو صند طاووسی و لرم
 قاتل کم کور و مردی الصالح
 آفتاب من و هر آر آید
 خلق بوشوی لید و در و فایه

غزل جامه عارف

لب بیدر غنچه و تر یوسف ابرار
 ریح بو کالی بر که رغبا بوش و نفوز
 حاله بیدر ماهی و رانی غدا و طوق
 لایه لیتش هما بیدر ز کد انگره
 اوله ای که رگش بجه جافوی و در لنگه
 بر سه است و خوار بو سیر عین و غمار

مثنوی

باه و ز لریله بر کوه انفاق
 و ارتقا من و جاد یار و لور
 در روله و بخت من لیر و
 کاه لطف و بحر جود و شیر و در

صغی یوسف جوما خاتم شاه
 دور لید و باه و مهر و سپهر
 صغی و جوما و راوله شاه و کونیز
 حیره بو غره و صافی غدر کوشاید
 حکم و اورا تن کم جمع لیتش
 اولدی غدر راجوه اسیر قیغ
 عشق و زبون جاننده کار لیتش
 بدر کین اوله ماهی مهر آتده مهاله
 بکزه کوه کونده ضرر و ز رکه
 آتده اوله کلهر و مهر و تاس
 با شلیب کالی کین قلده جابه جاک
 المیفنی عشق و دونه کین
 بقده بوقه و در و صرت لاله وار
 نای و بکش کین و لده کلدی
 بر نول قلده و بجه عومیش

عزل

بک باغ و گلستر سکه ای کلین زیبا
 قلب و لاله و ش زاری و کرم نوله کونیز
 و بر زلف و لیر بکای خولایه بر لاله
 و بر زلف و لیر بکای خولایه بر لاله

مردمی بلد و که در این می آید / کماله اینج ها که با این می آید
 ناله و تش بر یوست قیاس اختیار / عزم بین آید و بقیه ترک دیار
 هست و آید بهر راه اول بهک / کید و بی اول قبله و جانده کجا
 یا کعبه کعبه اولم بویولده ها که / یا ایدم جانم رفته تا بنا که
 و آید جوده اول سوز در خوشی / و شفق سینه جوش آید
 بدینک نه یاک اولم ز چاره ساز / وید که از کار رفتی و سوزناز
 بر نفس بلبله و لاله اولم خوش / آید یک سینه می کلاه کبی خوش
 تار ز لکله بر افشوده ایلم / رین سن لباه به جفت ایلم
 لاله شربینه و سینه باد ایدم / صرویکند اول شش فریاد ایدم
 و ضایع اید رسم سجده بایلدن فن / زهر و تشنگی ایدم بار وین
 چونک بن رستم و ستاره قلم / و لای ز لای اولم جوده قلم
 آید لب منکله صورت باز لای / ساک عشق کجی ایدم و ساز لای
 بزور ب نقاش منکله نشانه / ایلم بین تیرینی جاده نشانه
 یایب از مدتی رانی آید که / از رفاة وقت ایدم کاهان
 و ارم ایدم بود لای و لای / سن برین جانده ایدم عاشقی
 بر کوه کوه ساک صبر لایم کرک / نوله و منده صبر لایم کرک
 غوغ صبر یل اولم و لایم تر / صبر را غنچه می شیرین تر
 صبر قله کج صبر سار بار و / مردم رهال صبر و فرست بار و
 وقع اولم و بیاشن بر رایل / حاصل اولم و بیاشن بر رایل

کار استیلا شطانی اولم / صبر قله کج صبر ر حای اولم
 اورم و لایم و لایم / قله با هم کوه که قدره شکست
 قدر بولم کله در غنچه کج / ر غنچه و عود تله و در و بر لای
 آید فقه قدر شکلیه بوزوب / صبر و غنچه ایدم لایم و بوزوب
 لایم بوسوز ر حایم / وید که قله ای و لای جانده اتمام
 به سر و پایم بوجا نو تن سن / ایدم تبیر الیم و این سن
 کج لایم بوجا نو تن سن / و شکیرم اولم و کوه خوش
 آید کج و لایم شجر جسته و جوده / بولم بر نقاش کاهان نیکو
 ط ابر و خاه سنده قطره / اولم و بید کج سر تر لاله و کج
 یز سه دیوار اولم و بر و راف / قوسل اولم و کج قیام و اشیاء
 کوه کج رسم است بر تاین شمع / جاده اوت بوزوب اولم و لای
 و عتر اید و بوزوب و کج / سوز رجب و کج زبانده سکر
 وید که لایم و کج و کج / نقش کج و کج و کج و کج
 آید بوزوب شجر لایم / اولم و بوزوب و کج اتمام
 نقش منیلو که اید و بوزوب / اولم و بوزوب و کج اتمام
 بر کج رستاده اولم و کج / کج کوه و کج کج کج
 یایب اولم نقش به هم اید / کج کج و کج و کج و کج
 کج کج کج کج کج / اولم و کج کج کج کج
 کج کج کج کج کج / اولم و کج کج کج کج

قلده بر خوش صید کاهی اختیار / کجا بر آید جان و دانه و دانه هر کنار
 تو سنی به کسی او نیامد و بکنند / شیر زربونینه صلدی بکنند
 کور کو ره تو به قید آید و که / بکاه نه تو قلدی صید آید و که
 استوار این بر له خوش صید آید / ساحل دریای اندک کید و که
 کورده بر قوم او ترو ب عشرت قور / بکنج این به اولوب قور قور
 کدی ات باشند کورب شاه انار / دید که کار بو عشرت کانار
 بر که کار 2 قولا و که صبر ده ات / شید که قلدی فلک شاهنی بات
 دید که کار سز کور قوم سیر / بون بنار سز خایر قوم سیر
 دید که رلفیل خا تروز تو / فتنه و شایع همکار دز تو تو
 بد فرقلین نیت سیر / شدی قصه و غزل کسیر
 اورده شهر فتنه و غزل / بهن بکنند غزل غزل
 الله حو شزاره انارده پیام / تر که صید آید و دونه اولده
 صحبتی تار و شش کواکبه / بر شنی احوال و شنی کواکبه
 وید که بوزار که حقد صبر / در لود و کوفت کوی بوزار
 اسدی بی ایلی انعام عام / این طری لود و قود اصنان تمام
 تا که کور کور آید و دانه / دید که کم و لنی پایش نام
 تا قیامت استر سیر یاد و که / اولده خیر بد آید و که
 او آید و ب قوم بر جام کرم / اگر کار کور شد بر جام
 بنم جام و خور که و حباب / خیمه و خورشید و ش زرب کباب

طبعی با هستی او تا که بوم / باله اجوب لو جانغ ایلم بوم
 وصف آید اسم و سمان انار / کور بخیزش اتمان کسیر

نما = جاو

اوله ندر که استیند عنقر کبی / جاو و دونه قین استار شمار
 اوله چهار که کدر کسیر کبی / بند سیرت قور لود که چهار
 لیسکه و دونه استیاط ایلم / بیخه و دونه لود و دونه لود
 بو کز اوله جاو که اوین و دونه / جاو و دونه کسیر کبی باید لار
 بو عید که کدر کسیر کبی / جاو و دونه کسیر کبی باید لار
 حذیق بنم اوله جاو کبی / لایق بولاسی که فتح ات وار

جاو و لپی اور و برکت زر / کدی او تورو و شش خشیخ
 صف طبع تو لار بهی بارگاه / دعوت اولدی جو لار لار اتده
 بار بری غرض ایلیوب یو که یو که / اور و دونه شاه لیفه و دونه
 اور و لبر او تورو اوله قوم / نر و دونه کسیر کبی باید لار
 هر برینه ویردی و اوج و دونه / لعل و کوه سیر و دونه کسیر
 جو و لبر لبر او تورو اوله / قور لبر لبر او تورو اوله
 ندر ایلم که خبر و دونه / فتح و لود و دونه کسیر
 شاه و لبر کسیر کبی / ساه و دونه کسیر کبی
 حله و دونه کسیر کبی / ویر و دونه کسیر کبی

خاقانه چمن وزند و لندیرک و انور علقه ر قنار اولد
 یلغ و قصه عالم بیالی اندون یلغ طویب یغورنند و قویق

عشق و شش اشار و لمز صوفه نهاده
 ویدیر شکر لاله کشفین
 صورت به جان عشق اولد و عین
 کماره و سوار اولد و غیر عرض تدر
 بنمرا بر طور و زایل آه و آه
 ایش و ب خاقانه در و نه طولد اولد
 او غلنی بانی و عشق ایلدی
 میدی ای کوکلم جو مرغی نور عین
 کوه یوز کاک کور و روح بو عالمی
 روضه و غموم نهالیدر قد و کله
 شعلین دین و اقبال
 خار غده غنچه و شش و دل بلبله
 و و که ی نیسافه بیایه چشم شعله
 قمر نیکم جان لور مانار عار
 ناه و و لسته سر و کله ییچ ایل
 کرم و صوفه صلی و کله لور و کله
 نار غریب سین لور بیا و اید

اندرا خاقانه بو حایه بیا و بیا
 عشق و صوفه قصه غریب نیتین
 به نشه جانانه عشق اولد و غیر
 روز شکر زار اولد و غیر غرض اید
 جان کرا و کله خاقانه اولد و بیا
 و و ای ایلدی جو مرغی کوه
 اکا هر یوزده نفس ایلدی
 عشرت فقره نشین زین و زین
 باک عالم کور و صلا و و
 سر و ده رغا و عالی و قد و کله
 کلنی سن عرض و اقبال
 قانه یونده تابو لندی سن کل
 تا که حاصل ایلد م سن کوه یوز
 این رویم قلم لطف ایله خالار
 حله و کله ز کله و صلی ایل
 نید و کن غریب و صلی و کله
 و و کتر و مین و کله بیا و اید

غریب لیل جانانه خور و دلیله
 اوج کوز که نه فایک نرکس کبی
 سر و کبی سن بهور یه قوشم سر
 غزینک کشتینه لور و مار و مار
 بر زیاندر فکر تا کوش اولد
 نقش صورت نه یویب ایلدی
 سایه و صحن سن بهما مانده سن
 اولد بر غ خانه که ورتا کبی
 صورت جاندر نقش و نکار
 شیوه نقاش در سرتا سر اولد
 لاله نوب اولد حیل و یزنگ سن
 نوله یه قلم کاش قش کندی غیر تک
 یانده شهوت اولد نه قشوش ر
 کرم لک لیل سه بیا ناز نیش
 قشق سروی لستر کمال کنار
 صانده اولد صورت نکار و خانه
 نوله کور و کله کوز و جاذ و نهاله
 لور اولد زلف و برنج نقش و
 خنقه لور و رسم نه و کله

غریب لیل جانانه لیل الیال
 یق جان کله لور و خار و صحن
 لاله کبی لور کاله خود جگر
 لور لیل سن صحن تا کله و سر فای
 رقی لتمر صوکه شیان لور سفا
 لیل لاله کبی صفا یون لندر
 باز قد سیال لاله قله یون لندر
 نوله لک قاف ایلکاله غنقا کبی
 لکاله غنقا کوه کلنی لیل کله زار
 بر نظر فکر ایل یوب و دیر عقل اولد
 لوله مفتوحه صورت بر زنگ سن
 عین عشق پنجه لور و زخیر تک
 نقش لیری لور لاله طاقوش
 بهار و به لور لره ر بلکال چمن
 رتم لور لریف لاله کاله صوب
 خلقه بر لفسوفه صوفه افسانه
 شیر نون صین صین صین ترغاله
 نوب و انسن کوی یوکاه اویش و
 غنچه سن کویا کله ر بلبله

دنگ لعلندة يورده خوة اتيد
اوله ميدم زبونه قيام كن
ملكه لندة كركن سن كرك
لندة قدر كه جوفن خاكيل است
موم و كيك كورم از لارم روا
بولنده و از كرك سن كرك
مقتضاي عايفه و رابنوبند

مفر من رابن جواره نوش قاش
بن صلا جانكي از لارم ليكن
مور لولب بو نظام افندي زور
اوله ماه صني ايكن صورت كرك
خير قلزم ناله و زلارم سكا
بن الحمد لولورم خونين چكار
نديم ريشه لولمونه تدبير بند

صواب و اوج

صونكه و آيو نند شايه قلد كوش
مين مده و ريارايد و بيشه
ميد و شايه بنم و شترنم يم
بايو كه باش اندر رو فو برين
فكرتال هرير صك كج باني لولور
عين عرفاند بياست هر زلفه
لوشا فشا هديكم لامين
شاه و ريام له و ر بوشم كرك
قدر حاقاند بوكن كرك و ده جفا
هر نده كلو جو غيشه جومع بنم
سند و ريارا لولور في ر غيار

بحر كوه رلي طبعي انده جوش
شاه لولكن ياي قوم ي بليني
يوم به صلا سر لولكن و يم
ر آيه و ريارا كرك بوزيك از لارم
عقله لول طابو كه ثاني لولور
رفو حكمت كركه كرك هر زلفه
بنم پنچاند كركه لولم و ينر
هم روه كرك و ريارايد و ر
فد مده لولم زلارم سنج زلفه
حاكم راره شاه و ر جانم تنم
هر نده كلو راتس بار لولم سكار

طابو كه كن كيدر و شن بوجاه
بن كه بود كركه كرك جاكركم
بيورم كرك جنوندر صيب اشع
جانغ اوله صورتع يصفى اكركه
بر نفس جوكم نظر صدم كركا
سند و يوزياره لولم و بنم غ
زهر غدر قلد و غ هر موم نوش
صبري حاك انده لول صورتع بنم
جانغ كرك لول صلد و روزكار
طاتم طاوله لولدي جانغ و جاله
حقده ياشم كركي صميم جهاده
كرك و تاج و عيش و نوش و لولم
بيد و روم عقله نند لولم و ريك
حقده سوده لولم بخاري بلكه
خوة ملد و روز و شب نوش لولم
خانه كشتا و ر بلين لولم و رين
شويل معلوم اولسوة شاه جهاده
باكه كرك و رنم و ستور سفر
ايدرم يا يفرم تيفيل حاك

قدر قابلي تلور فاعال عال
بده و بده عقاه و بده و بده
لختيار مده و كرك جنبتم
خوة ملد لولم و رنده جانغ
عين يصفى اولدي لول صورتع
جانغ لولم و ر سكي و ر بولم
قاز كركه كرك نفيسي اين كوش
سيني حاك انده لول صورتع بنم
عقله سوده و ريد و ر زلفه
بو غيل باكه و ر كركه ر حال
بريد كرك اين جسم تركه جاده
لولدي ياشم قوم باطال خاله
بند و زنده سوده لولم و ريك
زهر رفته ي بود و ر لولم
لوله سبده و ر بوم جوش لولم
قهر ايدوب بند ايد كركه لولم
كركه لولم و ر بنم فاده لولم و ر جاده
كاسين لولم و ر صوده جانغ لولم
يا بولب نوش ايدرم زهر صاه كرك

بیدار میوب سا که شدی غلجی / او را در بخت ما که در و نین طفلی
 از غله ز آری قلب یا نجه خاف / هر لیدی بودی یا نجه جاف
خافه جن و اوج غلجین نهادی با جارت اوست که کند
 استر سیکل کجته لوح لای خام اگر / ایلام و ده کوفه مهر و ماه این سو
 نار غریب جوهر لای لای / ضرورت خالهی ز رایل لای
 چون که در یام و مکرر شب سار / کن جاف او نور قمر که ایلار قرار
 کار بر عبرت و در حای سو / طوتم عاقلیست بوکار که حق
 قطره و نار سوخته کرم اول / نفس تندی سا که ایدوب ایلان اول
 کعبه و مقصود استر سیکل طفر / طوت استقوت رله منی ایدوب فر
 او غلجی که خافه جو مالز اکلده / نویسر کار که نالین اکلده
 که بلده بند و بند لای لای / علقه یا مهر و او نور یا خود سو
 جاف بودی چون که تقدیر و کدیش / او بجای او او نور یوز بیکریش
 قایر و بخت غریب زار می / این خاک میکن تجارت اوفی
 یا بونین مقصود فی و ایلای / یا سفر جاف نو کن رالم ایلای
 پس او رنده قلد که لسا که بیکر / روز میداده هر بری بر شیر و ز
 هر تو بشی غرق لای و بیکم وزن / قوشه بولاش ایلیر اوله سرو
 استمال و ویر و بخت خلصت لای / جانو باش او نیا که دیو اصر لای
 او بیدای قوجده و ایلحق جوغه اکلده / فرقت ناکار لای بویه طفلی
 ویرده بد صد سم و زر لاله و کلا / جین و بیبا غرایب کف لای

صلیوب لنده کفا و آوی نظر / مین مده طور فر صوره لقاوت
 علق سلطانی بندر سم و زری / شیر لقصه نیار سیاهو لسا که
 جاف بندر سم و زر لکری عشق / دل غلو غیش قور تنور عشق
 صلیوب جین روز و اطوار عشق / لسا که نیار بندر سم و زر عشق
 جاف و ایلحق علقه صلیوب یاریده / بنو لسا که مده و بنو لای ریده
 کوز لیب لای رتوت حق اول / حاطره خافه بنو قلدی قبول
 سیر و وید جاف او کن بنم دار / جاف مده قلدی جده لعتزار
 بقدر جو کیم رکابی غنایار / مده جین قون غنایار وای
 شولقد لای لای سر سار غنایار / لای شب وریا بنو طوله قاف
 او لقد کرم و مده مده / جاف لای لای لای سقی سیاه
 هر دم اوله با هاک او رتوت وید / کلد لای بنو کونم رو
 او لسم و جوده و او فر لای / مده بو نای شهره و لای لای
 لای لیب و ایلحق جافه و و لای / مین مده و لای و سر و لای
 بنو لای لای لای لای / تلدی و و لای لای کرم و لای
 او غلیوب بوز و سر تو بیک و و لای / کلدی جاف کرم و لای و سر و لای
 او کوه بریحه لای لای / حاطره و و و و و لای لای
 سا هاک وریا که جین طلدی و و لای / بو و و و و و و و و و و و و
 کیم کونند و و و و و و و و و و و و / او و و و و و و و و و و و و

صفحه

تا اولی کسرم انده تعلق هستی

مرا بنی زلفیه شاید قلبی وزناغ ایلا

جود بوشور اوله بری کوش ایلدی	جانود لده جفلیوب خوش ایلدی
بلدیلم اوله نفی وزاری وله	بلا عشق انا ریدر بر لبنا
اتشده اذم افغ عشق ریسر	اورمشدی کفنه لکام فی سیر
ورمشدی اهلک در دلفه باور	برنم ساقه رزم در دلفه باور
جاده نکشی شامه در راه دل	رشیوه وود اولور غازی با
زنج جاندر دله جواغی عقلم	تان رور لاله اعلی عقلم
فرموده در صورتی افرموده	نار عشق صور دلی از صوفیه
اوله بیور بور لیلی کم قلدی سلوک	فهم ایدر می قارنم و غایه غوک
اوله بری جانن جوده وارید عشق	اکم وده کوه یار و غنچ ار عشق
مکلیوب خوش و ایشاق افغانی	یا قدی در دوسوز و ایلن جاننی
بی اکا لولسونه و بیواصانه یوله	کرمی اولدم صورتی انسان اوله
کلده لوروی و ایشاق اوکنه سر	صمدی ال اجیب ایاغنه کهر کهر
ایلیوب ولده کجیات و درود	میدم خوش کلده که آه حاضر وجود
مقدیمه بنری شریف ایلده	حاکم اکلا تقوی ایلده و کهر
یاند قارمکه نه آتش کاذب سن	سن بلک روپی ارم جانن سن
بور و که سالاره یوزیز بنن بیل	طایوب کیمه نفلده و خدش بیل
لطف ایدوب شریف قالی کاشانه	وارور بر بویف مهماده خانه

دراغی لیاکن غم و درم یلا ده

لیوکه اوده درم نیس بر طالعقی

سورره جانن خلق بر صفا	کافه و لطف و مصلح مهر و وفا
پس برنده قلعوب اگر لام ایلدی	ناله ده بر خط ارام ایلدی
میدیم برتا بفر فانه سنوک	کفنه و غریبن یوز سه لاله سنوک
چونک و اجیدر اجابت و عوته	طور ایشور موزور جانود لده خدته
قولده شاکه یو حاجی کوردر	برنده هب یوزکن طوردر
بلا ایدوب کلدر رسته قاتنه	بجو اولوب لکیم صفت به قاتنه
شامه در خشین مکدر اولدی کور	صنک بندر شین مهره باجیدر
لشوبن بر اکینه بادوش	ایده لر بر صخر صفت شایه خوش
و فخر اوردت بیه بر سر لای	مهره زرین خشتی اورش زو بای
کلدر بر کوهی فلات الی و ج	عشقه ز شنده قلور بر تو و ج
شمه سنده جلوه ایلده بهر نور	انظر نده خیرم اولور چشم خور
کوری بکاک شاه اوله سولایک زینن	پیز و بانای بلدی قد و قیامین
بیر خشتی سیمه بیسی سر	وضع اولنن انیم انواع کهر
به اشارت لعلی قابو بهما	عقدی انده اوله قدر خفا
الانن جلدنم زر کاسه کر	ایچار که بر لعل و یاقوت و کهر
مقدم مهمانه قلدیلن شار	قوم کیم اولده جوا بهر کاسار
چکدر اوله دلو خوشی نفی	انن و جاده طویر می فلسفه

دلده ساقیالہ زرین ایاغ نوش لولوب بیل قشقی بال باغ
 عالمک ز قینده مال سورمال باغ لولوب در لندی غار سورمال
 لولده بطری نورده نفی ساز یکی فیکه و یکی بر بطوراز =
 رولده لولده کلوصفا و قویش عالمی طندی می جوش و فوش
 لکه مک کم شهر یاره ملک روز لیک یکن قلبی عالم روز
 مست لولوب دلده قویش جان با غم طندی اندک کم عقل و دین
 لندی بولوب بر خط خواب لیس لولده نایه مکندی ربان

صفه ششم

یغز جونکم جلی اندک شاه شام شوق مهری و خلد بر قلده جام
 لولده زرین شمعیل مکنی فلک رولده زینتر سر تر ملک و ملک
 ز بال جنت دلده لند ربان و خرمی ماه روز و حجاب
 خوابده سر قلده و رب اوله ایگاه لند رجب جوت بر خرمه نگاه
 میر و ذر کبی لاما فخراب طوند رباننده کرو جام و شراب
 تان لند روی جلی کرب کبی نفی قلده و خور بلبل کبی
 بنزبانک خاطر ای دیوب نگاه قلده و لای بزم شتاب نگاه
 نگر یار لولوب جاننده زور قوید و ملده تلخ می بر ل شور
 طو تیا یوب کند و زنی قلده فقا میر سنده لیلده قافه یی رولده
 قاینام قافه جگر و کبی لکله یان و در و نده کبی
 جکده کای کبی تها سن اندک جاک قلده بلبل و ارد لای و در ماناک

نال سنده و شده بزم لچن اود یانده لول و لول نایه مکنی عود
 رولده بره شاهی کورب بو حالقی تالما یوب جانق صبر و طاقتی
 لولده فی اده ایلوب و شده یوز کتده عقلی یا و تلدی کند و زده
 بریکه شاهی ملک خوش لکری بریکه ماهه لولده بری و لیر لری
 لولده لولده لولده عاشق لک مهر لیری صبر و شصه قاکه
 بر برینده لولده و در ل یوم ل خونین رخن باورده
 بر نلنده هو ش کله یاک یت جانوم لده جوش کله یاک یت
 لولده بره شاهی مدیه ای شهر یار جانمی یقده و لای بر شولار
 باک لطف لیت صوبله و جانک لولده طامه قلم و ماناک
 نچی بر فیکه اختربین قایبیه قنقره و جاسوهرین ایب بیا
 شید بکر سنم که روتدر هما جانمی یاقه کایده هر نلده
 باه لکله طور و لولدم لولدر سوز شایه و جودم لولدر
 مدیه و ای ای جوالده می ترم بنیو لطف و سخا کای کرم
 لوقون لکله است بیا نچی جانن سیکل است بیا
 هن و خلقت عالمی لایه فخر طینت بکر و کله اده کله
 نوز و ندر ساک ترکیب و سرش سن ملک سن بوسر اباغ و کاشش
 کچ بو ترتیب بوقو و بارگاه صنع انسانیه کله در شتاب
 مدیه شاهی بن بر یار خایتم عشق اسره یی جیت کای نیم
 بیر و البرز ادم لایه جاده نیم یوز یک زده و بوقو و جاده

بر ویرا و ستن کورم رستمی بلزم هرگز م یار و لاسمنی
 قابلیت اول نقشه زار اولیستم جفده چشمه سر اسیر کجین
 الله جانده صبر و ارادتم تو شمدی سرگز و راه مهرم سوبو
 نار سوزا لایله اولدم بنی بام پویا لایله اولدم غم بنی
 اوشن اول جاده افتی دیدنمان صوند قونینه مقوره شاه جان
 لایحه جوینک نظر صمدی اکام سیر ایدوب اول صورتی قلده
 صبر شده مدید که باهند البشر بوملک نمایلد و ارب سکر
 کند و رستمی فراوش ایلدی و ایغنه قلده زاری رازی غلده
 لورده انکی درده لورده لورده بوشورده افاقه قلده دود
 مدید که و اوج مدید که الیختار ترکید لده بونق کلیدی کلکار
 قلده اول چشم سار او ستن بزم سن جای سیرت قلده کی غم
 لایحه مدید که ای و تلو پناه سیر که دوت اکلیمه کلش او ناه
 بوه ادم لوب اولش بر شرار باه باهند لاش هرگز فرار
 شید فرم لاشی او باهمی رفسوه بن کترم سیری قصه اید و بکوه
 یلید و صلی باقا لاشی ایلیم سیر طهریم اولد سز صبر ایلیم
 بلزم راوز که سودا لاین فی انم و اروب قننه پید ایلیم
 بویله دیوب بزم شب کیر ایتیلد راه و فریاد لده سیر ایتیلد
مصرطفاة قان فیه بانو جکرده او با لایحه و انی عا
 نافه جوه شاه شرق آند لور و غم که دی صبحم شجاعتی نور

طوئده میداره جلدی تیغ و زکهار اده شاکله کسک بنی تار و بار
 اولدی اوجم خاکسار و سرتیاده طوئدی صحنی لاشه سر جاله خوه
 ناکه لایله کورده شاه کایاب قیلدی کرمه خوه یوزده دود سکا
 اولیبه ظلمتله شبنده روز خرقه قوبده افاقه ایچی بده رعد و
 تیردی بارانیلد جلدی طوئدی خوه دوشده ساقیله قد و شکر
 هر طرفه جنک لاشی ایتیلد قاتن مطولده که منی ایتیلد
 صاه قیامت قوبده فریاد آند و صور بوالجب قلده عاقله تار و لور
 مدید قلقت لایحه ای شرمده کسک قاف ایددی غافله اولفا
 صلی ایددی دیورید بر بلش اول فتدی یارک فرید بر بلش اول
 نین لای غافلک بنی اوردی شکر لور طلوه ایتدی قلک شکر
 شمدی بن البرزه و اروب دیم بزم یلدرم کبی اروب کسک میرم
 طرقة العین لای ارم شاک و کام کسکه قافله قیل اوده تمام
 اولیجا طایر خنیه جاده بزم اود فرالده رستم و شاکه بن
 بن کلکی بونق و خیر و سپاه طایرک او نور ساری سرتابه
 بومدیوب لایحه ایددی شکر بو طرفه جنک لاشی و جاده
 رورده رستم و اروب بقم علام قلده اکبر دیو اول شکر
 بلدج دیو منر لایه او ان دیو دیو کجاشق قورده غریو
 هم غرایم و ایتدی اول شکر بار ایلده صفی و عاقله لایار
 از صفایه اولیبه قاهر برک جنک کلده روبرو برک

لشکر شاه ایلیوب شیراز جنر / از درم هر سیاهی چند نشن
 جنگ کوز ایدر یوب اوله پهلوان / که کج ایدم / اکا بجه دی هجانه
 کاه ارجوب برج کمانده ستره راه / دیو بیستنده هر اوله سیاه
 صک اویردی شهاب تاناک / ایلدی قوی سیاهین هاکه
 بوجک زرم ایلدی اوله شهر یار / کور شتر ستره اسفندی یار
 شیل طولد که هر ایشو بونیر / یوزنده مقدی کوهه و کرم
 یوزمشیدی سیاه خوند کشته / کتله رده مهر اولور و کشته
 هر برینا سینسی چاکنی کوره / وادی و تری و صنوبر ایشو
 شامه فی اورم یی رقی زخمی / خار پشته وندی سهر ستره
 قان یوندی شیر شمشیر / غافله خوشنده اوله دیر
 اولدی ضیای شاکه قو الله هاکه / بعمه کلمه دیو هو لاکه
 لشکر جنی عاقبت اوله زبونه / اتمه و راهه دیلی جنر فوسف
 کوه کبی بلدی بولحوالی نکر / وینم راهم جنگه دیو ویر
 مندی باقی لشکر الله او جانه / قوی و فرقی غم قاف اتمه
 یند غیرت ایلیر جانه بهجوم / میده اولور بیل و روح قافه
 شکر فافه لدر لاله ستر / خوابه وار ب اولسر لری خیر
 بونو کوند سهر بری خواهر / غم بزم و زرمه یی تا بید
 ایلیر اغیار لوی اجم کلیر / انار که سهر لری قایم هیم
 کید جنر جلیل اوله سهر و راه / جان کد اساده اولور بولور

مندی بو فکر یار اوله هر وکیل / قلده وایق لشکر الله جت و جو
 بلدی غفلتده در خوار بجه صبت / کله دی نهاده و ایتقی الله طلب
 بولدی تنه لای اوله قهر لری زار / دین کر یافه کینه بر یافه و لهار
 صبح وار ایش کر یانینی چال / قصد جانه ایدوب جاک تفری هاکه
 شکر غنغ ایلیر صحنی نیر / جقلیب لشکر کیدر بر یی بیا
 میده که کونکس و کونکس طشار زار / باک بولطشار ستر ستر و فرار
 جوده بن و ده و غ ایلر ستر / قلعه جان طاکیدر طنده هکار
 نیلیم بن بو غنچه کج کر که / ایتنی جانه و ده و سنگین بورد
 کور سه بورد و ده و غ طشار / طاعنر طهار و وقینه طشار
 چفده چشم غلظه روز بر / کند و ده و شن اغر و بر رگر
 ایلیر بورد و ده و نو در / جوشن ایدر و دین و ده و نو در
 شمع باشت لاشی و کلیر / طوشت جانه و ده و نو در

عسر

سنی کل کبی صد چاک لندی خار غر / اولدی جان بلیال پراه و زاری غر
 یتریدی باک سوز که عشقوتان ده و ده / جانی ایدر و ده و بقوم ده و ده غر
 دین کر یافه کینه بر یافه و ده / اده کیم برده و قهریشی کباری غر
 اوده و شهم کوز کور کیم بریدر فافه غل / بو هوامه طاکم و لسم حاکم ساری غر
 هر و ده و غنچه سهر ساعنی بیکر باه / ده و ده و مهریشی لیه و تهار غر
 رده بسده اکام ده کون غورده یکه بر / ناله شام و سحر و غم کساره غر

رام او نوره جانوده اینه و صلی یارا

لاهی بر رش خندی لوله باری غنبت

چونکه اول مهر و بورانیه مکلدی	اره ایدوب و در و در و نده مکلدی
شید تا نیر اندی لوله اتش راکی	شع کین و و تشب قالدی طکک
کندی کو کلنده عدل و ت کینه سی	اولدی بر شوق و جغت سبستی
مهر و کرده کبیده تا نیر عشق	ایر سه حاکم زر قلو را کسر عشق
امه کین جانن عینی ماله پاکه لیدر	نکته حیوانه بسمال پاکه لیدر
هر نظر که اولید عشق پاکه	سرم سنی هر دم انوک ایله حاله
بسی کور و بوجا لوله روشن نظر	اولدی هر نده ماله زیر و زیر
بلدی بو شمع در پروانه لوله	انوکچو غرق اولیدر قاندا اول
قوبدی کبریه کند و نده اتدی عیفا	دیددی بتر یون بزی ای شو جا
نچی بر بو کرب و زاری سکه	لفظ ایدوب حاکم بیایه انکری
ارده و اینه لوله سخنده ترکه اده	کوز لری باشن سبلر اندی نگاه
کوره و قشونین طور بر بلک	نوز لور خورشید و نیده افکنر
قالتب اکر ام ایلب کسزدی سیر	دیددی کدر طا بکر ایله ایله
کجه سوز که جا به خوش و بیکر و لنواز	کدر سن سروزان بکتر نیاز
ه خیری سلطانه قاف ایدوم فری	جیلیمه لوله کلن و بیویری
قصه بر کلد بک قایم طا بوک	جان شمدی قبله قدم قایم
انکتر طاشی بفرودم ایلدی	جانن بندر به قحوم ایلدی

صید و کلد م ناکه ها لوله م شکار	بغذرت خورایم کنا هم ل سفار
نچی فرزند بند لوبن ر صلدی رات	اورده شرف و لوله بریند
لشرین صلی و لاقده اوجا	ضیکو کنگارا ایرده لاهی
ولا تهاک با نین کوره یی یارنی	بیل و یرده صبر و عقلاک و ارنی
آنا و که عذر این کلدی ل و ک	بیر یوز لورده و عال صو کینه
هر برینک طوبین و اینه الن	رجا اندر ده صلی اید و برین
لوله کد و رتا او بوب صدق و صفا	هر طرفه قوبدی یوز مهر یارنی
بسی بماند عین بنیام لیدر	بند نیارک و فریاری لیدر
نیل کوم کوم کوم کوم کلال و فلک	نیل قالتب و کیده یی برینک
نیل قولا قول صلدی ساقا شرا	اولدی مالا سوز شو قیل کباب
یلید سوزده عوده لوله رفو	یلید ماله قلدی جانده لار غنوه
یلید و لاقده لولب قاهیش ردیف	یلید لورده زین و لاهما
لاهی نده قصه یی صورتی فری	دیددی لعل کسزدی لوله بیکر
طوش غنوه فری یول و ل	نایه کدرده م پر و و ل
لاله نده لورده لوله جغت سیر	ایله ساقا که جانن شکر
دیددی اکه لاهی قاف و قاف	شاه لعه پر و و و غ تر صفا
هر و لطف و کمر نده و و ر صفا	بزدی و صلدی لوله لاهی
بزه جغت بکو کونده بالی و ل	ساقا بولنه شری و خند و کام
ربیع بسکون و شو کشت این نج	جست و جو و واده شتر این نج

که بکاه در راه بیدر کردی
 بر و بگو از زنا در این چنین بن
 یار او در یک وقت غم و کشتن او
 یار او در یک وقت غم و کشتن او
 بولور عالمی که بیا جوق
 و این جهان بیکر بوی از به سزا بکار که صد کاهند او عزیز
 نیکو را بیدر کن از به سزا بکار و این سزا او زور
 کازار ایدوب و این سزا او زور
 کار هر آری که سکوند کاه غم
 هم قد صد بر کاه بیکر خارا
 استر است سیرید در دنیا جاده
 بویا صد قند استر بیکر نیالی
 جوه فری مهر و وفا ده اورم
 او و ایدوب فری و لاجاده
 و این و بیکر و فی اولت سوار
 بر پنج کوه غم سیرا از به یار
 بیکر در به و یا با ده کوه و شتر
 کاه از به کاه صو شری اندیکار
 شولقد بر جمیع او شید و فنی طیر
 بولور عوده این صوح اوله و بیکر
 کشتن ایدوب مقصود شاه اوله و بیکر
 عوده بوهیزم و ارتش او
 بخش جوق او و در دهی عشرت یار
 از به کج بر بهی غولار یوق
 نوشونیش و لطف و قهر و بزم و زرم
 تو لایه سکنی و یا با ده بار بار
 بونم کشت و در لایه سکنی و یا با ده بار
 مکل و این قصه سنده حس و حال
 پس طلب را از به صد یار قدم
 از به کج بر قلفا کشت و یا با ده بار
 اندیکار و در و بیکر از به یار
 سندر کشتن بر یا با ده بار
 قند لایه و یا با ده بار
 ایره در بر کشت افخوار و زار
 ایلم و در و کور و یا با ده بار

نسا به غایت خوش کلمه اوله کلفار
 پس کاهنده صد و از به یار کین
 بروم از به کج سراسر اوله یار
 صد کاهه فاضلی اوله یار
 طالع و خوشنوار و از به یار
 قهر که با نوز قمش اوله به فعال
 دین بانر جوه بوحای کوره
 از به شیر اوله قصه از به کور
 صد کج بولور قاهر کج
 قشق به جاده پنج سنی و زهی
 بلدرم شیدی از به کج اوله و غین
 از به کج لکاز بیکر همین
 کوره از به طویش تمام اوله صد کاه
 یلدرم کج از به کج اوله کاز
 و از به کج از به کج اوله کاه
 صد و شغولید که شاهر قولار
 به بر که بر کوشه ایدوب شکار
 طوقه الفین ایدوب اوله و بیکر
 کلک و و این بوحای کوره
 ایلده کین و بیوشکار
 طوقه الفین ایدوب اوله و بیکر
 تیفه زاله و سام و اردل او
 ایلده کین و بیوشکار
 طوقه الفین ایدوب اوله و بیکر
 تیفه زاله و سام و اردل او

اوله کاله بیل قلب شیر زنه چنگ اوله زخونه اعدا کمال بلیک
و بکر اوله لاشی بر رسم تیز خلق و عالم قویه عده رستیز
کشته ایو اوجو خوه زور و قهاله کوهه التبه قلده و حشیکه نواله
بحر و نیاه اوجی نیکسرو نیکسری کوهه اوزح بیکسرو نیکسری
چنگر ایدر کنی بکر و اوله نیاه اوجی شیع یوله بولر ایر کر و رستر
بلر که اثره بر بره شیر لیدی ان یقه و الله سن شکر ایدی
کجه بر چق هلا اورتا ده کراف عاقبت اوله شیر و لیدر و هلا
موزمه بلنده اله اورت برکته الله اوله کلکسرتی بونیکه
یور و رور و اندینه الله لانی اولم اوجی اندی بند الله لانی
موجریوب رشتینه بند شاه و کام لنگه و که خوراشن اولمشیده تمام
سر شرسرور و ضنده و ندیر اوله مقام و لکشان ایر و یار
زنده اوله لار که زهین کورب صرور یاریان و فریم اورت
لکسرو کاهن مه که جو غیده زنج وار و و و اوه و فیه زنج
اشنوه جوه قاه اقره و یوکوزند اندر زنجی شاهر و کور و بند
لور قالدی شهر یار و کاهنه آله یار کلد یار اوله کللی حاه
میده و اوجی اکه سالی بریم قیل نیله که که نیچ کلد و که تیغ و کین
غز بنو خنده کلد و که بونیم بر صرت و فرقتله کلد و که بونیم
کسکر یا بوزارین قلدر هدوا طلا ایدوب بر خد سین الد مدو
بلیکوب اوله و ریشوزای لیدی حیدکا چکده بر اکی جا بوز

توتو باز و که موزور افقین پنج بولر شاه موزور افقین
بلد و کی و مسع اولور بر بالاکه مسع میده کی که افق با شکر شکر
بوم یار و که یکه سکا اوله اوجی این لاشی سار و که تنده جدا
بو غماجه کوش ایدوب اوله نیاه حاه و ولده قلده کاه و اول
باش اورت و بیده شاهرینیم یوم به حاه شکر کسینیم یوم
بدنه قلد لایق شاهرینیم حاه عذر خوریم عوه شاهرینیم
یمین قاه اکر ایشکینیم شتنی شکر لهن اکر اینیم
یونیم که رتیه عوزر لیده کاه خشم و کیر و کب و زور ایدک کاه
کر چه حد سز لیدم فردم و کلاه نار و لینی قول اوجی عوف ایشاه
بویار و یوب زلیده قاه شین روه رح ایدوب عفو ایدک شاه حاه
ساعه و لیدر خشم روی خوش صنور خلق حاه قلد و لیدر به عیش صنور
حق باطله کین یار یار یوج نور حقد نور حقد نور حقد
لاهی اولم و کسکر لید و ار هر نفس یا قه جا کال بوشمه وار
نما که ایشیانی کاهمی کور کین رخ به مهر و و یاهی کور کین
تکم ارجه شربو اوج و ظاهر شده بکشتی باز گرفتار شده به بلیک
له که بر حیدر زلاله حاه رستی و ستاندا اولور بهز حاه
کوز و که اوجی ایدوب و شکر کیر حوه قنوه ساز اولور و یار
پنج کور که این بر بندیل ررح حیدر کار ی بونیم یار و شام
عاقبتکسرو لید و شمنده لهن این فرض کوز لیت شاهر کین

بهر طایفه و دار از حیاط پیش قمار
 کار که روله از فین اندیش قبل
 رو به مردم روله و شیر و زبونه
 دل نه و مشکند در گرم و فتنه
 اعتماد ایستاد که کرکهر سون
 اقصی قلعه بکرمه است سون
 بهر ششتر عرقی کسیر کرکه
 صفی و عالمه از دی حکم کرکه
 بسلسله بوزیاه یاله فی شلید یال
 ویرم و سیر سیر سیر سیر سیر
 و از ای کور نیلده روله بد فعال
 و آن یه صمدی قورده ای لای با و ده
 شهر و الد که کندی خد مت ایلیم
 خد متن جانینه منتظر ایلیم
 کند و قفوه اندی هنر که رکا
 بولیفیوه صال ایدوب رکا رکا
 ایر و ایر و قوندوب روله کنش
 فوالده قلدی سیاه میسند بخش
 مدید خد متن قلب ای شهر یار
 تاج و تخت و ملک بال و پرنه کوار
 صحت نشا هکدر روله ایتسوه
 بن قولین از جنبی عد ایتسوه
 هم بونی عرض ایدرم کی شهر یار
 رزم ایدوب غفلت اولدی ز غور
 تیغ و تیریدر بوی که زهر ناک
 رجب روله یان لولسور عالمه
 زخم بونیده روله جانان جهانده
 ایلدی روله قول و ایلیم اعتماد
 قلمسوه بر اوره و لای اختیار
 مدید که کلمه بنت بزوم تلمت سیر و ده
 بلور بویجه بزکدر طبیب
 بلدی کوکلند و ارانک فساد
 بزغینر شفقت و رزم سیر و ده
 سیر بویجه سیر کم روله و رانی قریب
 باش رولوب کید و ویدی حیل
 شاه عالم بال و ایدر سکر
 بولورم بر خفونی عالمی
 که اشاراتی رولا سیر ای

39
 بهر طایفه و دار از حیاط پیش قمار
 کار که روله از فین اندیش قبل
 رو به مردم روله و شیر و زبونه
 دل نه و مشکند در گرم و فتنه
 اعتماد ایستاد که کرکهر سون
 اقصی قلعه بکرمه است سون
 بهر ششتر عرقی کسیر کرکه
 صفی و عالمه از دی حکم کرکه
 بسلسله بوزیاه یاله فی شلید یال
 ویرم و سیر سیر سیر سیر سیر
 و از ای کور نیلده روله بد فعال
 و آن یه صمدی قورده ای لای با و ده
 شهر و الد که کندی خد مت ایلیم
 خد متن جانینه منتظر ایلیم
 کند و قفوه اندی هنر که رکا
 بولیفیوه صال ایدوب رکا رکا
 ایر و ایر و قوندوب روله کنش
 فوالده قلدی سیاه میسند بخش
 مدید خد متن قلب ای شهر یار
 تاج و تخت و ملک بال و پرنه کوار
 صحت نشا هکدر روله ایتسوه
 بن قولین از جنبی عد ایتسوه
 هم بونی عرض ایدرم کی شهر یار
 رزم ایدوب غفلت اولدی ز غور
 تیغ و تیریدر بوی که زهر ناک
 رجب روله یان لولسور عالمه
 زخم بونیده روله جانان جهانده
 ایلدی روله قول و ایلیم اعتماد
 قلمسوه بر اوره و لای اختیار
 مدید که کلمه بنت بزوم تلمت سیر و ده
 بلور بویجه بزکدر طبیب
 بلدی کوکلند و ارانک فساد
 بزغینر شفقت و رزم سیر و ده
 سیر بویجه سیر کم روله و رانی قریب
 باش رولوب کید و ویدی حیل
 شاه عالم بال و ایدر سکر
 بولورم بر خفونی عالمی
 که اشاراتی رولا سیر ای

هر بتایه و فاسر چشم سی / لطف و کفزار می و قوت رشیدی
 سو و قد لاله و سیم بر / سوزی که شعله و می خونی تر
 قشاکه اشکین کا نو تر کا ذر / غمی سی و له و زو چشمی کوشید
 عشق و ریاسه به صحت به نی / شیوه و کافی ظرافت و خرف
 غرقه جان و له اکلی سی / کلشی عشق لطف غمی سی
 ساعد بتور و ساقی عا جده / بوم و صفی بایه سی و عا جده
 طلعتی جاده و بخش و له و لیدر / کوه کبی و م و له و روشن صبر
 زینسکر بلده جوده حالن تمام / میده ایله کندی خیال و انعام
 به و زیا که او لیسر شده کیر و / قو و فر خاک او لیسر شده کیر و
 و و کلیس و ر و ر و ز کیر کیر / ناله و ز و ر و طایلیک کبی
 که کج بونده پیر کنت نولا / بر فغانه این روز و شکر کاله
 روله صاحب کبی بخت و رو سیاه / ریلیم عالم کبی عالم بکاه
 یسرو بالین ر و ر و سکن و ها که / روز شب و ر و یلا ایدم جا و ها که
 عصمت و عطفه رشی رولب تمام / این یوز بیکر سر زشتی به ماضی عالم
 بید صا غور صغیف قلده این / ایلدی سیل ر و ر و اکیام مین
 رتبه ر کمال و پیره پر حاله / سنبلی قلده سمنار یا سیاه
 نو کسنی طشاک و و کدی صوبی / قان یونده لاله و خود رو کبی
 صیحه کلر کینه و و نو زاله / کلشن و و تده و خا ذ لاله
 ایلیم سیمین بر نی و و و نیاه / نیاه اشک اقدی کندی پنجه نیاه

۶۱
 در شلیب بازو رین قافه ایلدی / در ده باوری و جاده ایلدی
 جوق فغانده صلیح بوند قلده / جوق بهار بر لاله کوه یوز لوله
 باش او رو و ب پاینه و لرب کلک / ایاله مفتاح ص سر اسر و لرب
 و لرب کز فتنه و صیم ساز و ده / جاد کولر کارنه رنبا ز و ده
 کند و کلن ها ۲ تا من و باله / زینسکر صیم کنا من و باله
 ایلدی الفقه روله روشن صبر / ریح و ترلیب و و و یالا نظر
 بشو و ر و ز و ر و غیره و قش / الیه و ارم و ی و ص قلده بر این
 میده سن فونبار ایدوب آفتاب / کلکری پاینه یوز کز او ر و ی بلن
 میده ای لطف و قوت اسی شاه / سنده ر صافه و کرم بزمه کناه
 شمه می قلندر ر و م صطا / قان لطف و ر و ر و عو نو عطا
 شهر یار کوه رولب تدبیر خاص / روله و ر و و کنت و عذره خاله
 روله طبعی بولدوب اقدام اول / خاطر خوش و عذر و رده رام اول
 سر شری معلوم رولب عالم و ر / این کربیکر رضا طبلد عالم و
 صحن کللی بولیم شهر یار / عفو و صافه و ر و ر و ر و ر
 ر و کله لا یقده ر طبع که اشکانه / جو و ر و ر و کله با غشانه
 بویا دیوب ر و ر و ر با غلده / کلکری ر و ر و ر جان طفلیه
 میده صا قن ر و ر و ر و ر / صا ر و ر و ر و ر و ر و ر
 یخ با قوب عالمی حاکه ایلام / کرم و کلر فتنه و یاکه ایلام
 کز و ر و ر و ر و ر و ر و ر / بلنم روز و ر و ر و ر و ر و ر

تو یوز بن مارند مآرم اولین
 لیکل سیز رساله بر رختیار
 بویلیج انان بنی بویزه زار
 کونن بیله کر قصه ایدر حنف بکا
 کونن و لارور کمن جانانیا
 باکه بجه یار صوندی جام قره
 بویله دیوبت ایلدی بر کمن
 لاله لورج بالکن تقاسن دلجا
 میده صو کوستر صوفه سنز بکا
 باکه سنز زهار صوفه سنز
 عیدور لوله کونکن قورباغه ویم
 رنده یولکن جانان ترکی سر
 مرم و غلام بریکه مایلندیر
 حاکم صوفه یول سنبلدین
 با صوفه ک طور یون باشینه حاک
 صوفه حنف ایچین غمیردی
 کور مده عالم یوز سنز کوزم
 موشدین مرم و باله کرم رینه
 خیرت رومنده دینکن بوکاهم
 سیزوکه لچوه حنف اشام رومین
 صمغ غالب رولست ستر در فرار
 سیزوکیوه کمن ایدر در اعتبار
 باره برده م جاده ویرم سنز بکا
 ایتیم جاده قصه بیله جانیا
 ایتکوز سز جانو سیر هیوفا ترکه
 رومینده جمله فقر و بارگاه
 بش لورج پاینده شاکر و خفا
 باقه چشم بلکر نیاده ییکا
 یکدر روکمن نوش ایدم جانان
 یولکه جاده ویرم بیکر جاده یونم
 در بیابان بویه جملکه ضرر
 ره ایدوب ایلادی خریل و انفر
 قانغرق انشیدیه غمده کلارین
 بفره استرو ایس صغیر حاک
 ناله لرایدوب بویوز مده ویردی
 شمش بکدر کمن صاهه ایدم اوزم
 غرق روم بیکدر اجاه خوبانیه
 ایجو کیر و بیر لایده بر غلام

۶۵
 نامه کندرش مده ییکیه نور
 قلدرت سر میده و رابع ای غلام
 یس کروب بیله ایجو قلدری طوبو
 صومدر جیم بکده منکها سین
 بویله یازش فشم ایدوب کالی لندیر
 ورجب رولدر کمن اطاعت ایسین
 اکدر انوائ سیاستار قیلم
 تاکه نام و نشا بوبه فخال
 به حنف لیکه ایدر سکر شید بالی
 قطره قالی لولیبوت ایدکسال
 قدر تاکه یوغینه قید و بنم کر
 اناله رولمقه ریسنا جوسر
 یح ییغ کندی ویروز لاله
 شلر انک کوه پایدار اولمزلکی
 بفر و کخوه ایتده خار و باله
 روقده لوله نامه و جوم لندیر
 جاده سی کبی جکر حاک ایلدی
شاه خوبه و لندیر که نور قهرمان نامه کندرش و کیدر
 بیکر میده فشم ایدوب قلدری صفا
 نوره بند بیل ویر میده جوائ

صولیتی اتمسوه اوله بیره بام
 اتمش برحق جانده استنا
 اشتی ستر این اکار نیستن
 کور مشد برکشت اشکین سن
 سیاه احوای بر خوشن سکا
 دیه مله بولشی سن اکا
 اینن پنجه قلمضاک ساز
 آتشی یاهن در راهن که از
 اولیجی نهرت و عوه و ال
 اهی نیم جوقار بصیلا ران
 اوله بر زاع و زغن شهر و دیار
 بر صیاده اشیا او لوزنار بار
 هرنه مکهو جوغ افه طورنا و قا
 طاعینور پروان ایدی شاهباز
 کولک الجیم قلب یوز بیکال یخن
 یا کور صرافتاج و تیغ وزین
 بویه و اچی کی یقین بستی کتور
 بنف یوقدر جانو بایکوه فتور
 ویمه اولدی نیچی و این شکر
 واردر بالکند هر شیرانه مس
 انار که قدره بکوه افاله کدر
 طایه تور اکم نسبت خاکدر
 این کیم بونار افه زین صدور
 خذمه لایع و کله ران تور
 بونار که بر کج قلمن اینه ظن
 ویرم اتمسویی یوز بیکال یخن
 با که خاکه پاریدر ان و رو
 نون اولمده بکوه بانوسرا
 فخر حذمت قلب حکیم سبو
 باشنی استر صاغ اوله قلسا
 جاریج و در رسیم یوز بیکال
 یوقدر انده خض مکهو خوشن
 کوه کی عریاده و راهم سیفر
 زو و قهره اتمسوه هر کره رین
 ویر سر باقی جویا یی تیر و تیغ

و کدر در میده اوله ایساک جوا
 سوز بومر و الله علم بالصوت
 جوه جوان نامناک الله رسول
 یلن طندک کله کنده یا ک یوله
 تون کله دی جوه شکایت ایلدی
 یل احوای مکهایت ایلدی
 بیکر ایدوب تور که جاکه کشتن
 مله اوله و نلو اوله کشتن
 خشم ایدوب اوله آلمدی سیه
 توزه طولدی روی مهر و ماه
 تور قهر مانا یه م لینه بر او قیب
 انشین مله و زوزا
 ایلیم نار سوزا کبی قلده
 خوشا کور زوزا و شوخ
 وار و کیر ایلیم برکشت و لری
 اسیر لند و کیدر
 قصایکوه باصین سوز کساکه
 بیله فشی اتمش روایت کتوره
 یورده شهر اورن جوه کساکه لور
 اولدی مله قلب لکدر فتور
 بر و بار و اوزج جفده قوم شهر
 اولدی کوه و ایلجی پراشو بوقلر
 طولدی امدده بدناک سرتر
 اوقه و شوکره و قفاه کیدر
 یار علم بوینیم بر خونین کفن
 مله افرامدیم او رور و کده
 زیر و بالا اولین فرطه پذیر
 ایلک ایلادی اوزنایه تیر
 آتش افشا اولین طوب و توفکر
 ایلدی اژدر لین او دیله قن
 اولدی بر فریاد و افقاده هر کنار
 منجین اندک مصاری سلسار
 شهر قوین شید ایلده ترسیم
 یکر و لیکن جلا سی اولدی هم
 خانما احوالنی فکر ایدی لر
 شاره تسلیم ایلماک فکر ایدی لر
 بلده کلن جنبشین خفاک تمام
 ویده سز جبر اینک ای قوم کرام

احوال قاپوچی شهر و که بکها
 ایدرم و شمشیر بن تنها سواش
 لشد و بفریاد قلعه و لندیر
 کیر میسم او لمزم بو رومین
 محنت ایدم شعله لالام کنه
 و در رسنده کفار املتن
 اذی جود و سبی و محنت ابلتن
 ابتکار عدا و قشوق و سنی
 بی سینه اصم لدم اوله حاله
 بیل ویدی قلعه ارنیا تا بفرق
 راضین اکنه نهاده صاده او کوبه
 جلد در بر باد بایه به غناه
 ایدم و یوقشده و من اینده
 استاده سم جزیره مرم طبریه
 بلان اولدم جوته نظر قلعه اکا
 صیده اوله باهمه کوبه کوفه
 و لندیر که قو لاله یو کوشد
 هر بر سی ایلیم جلد ندل
 اوله یو تیش خنجر اریه پانیه
 بیلم کم کیتی وارده و که بکها
 او نیایم بو یولت تا کج جانو باش
 و یدم بلان یو قدر ای جانانه کزیر
 و بر مده جاده او لمزم اسفین
 خون غرق ایدوب صوم کسین
 و اتمک جانیه اوله فریار ورس
 و کشتار الله کور صاغ و اسن
 جانوم لده صفا صبر لک کج
 اری سونه افندسکا و وارمه
 کندوزنی جویشی یو لقمه غرق
 اصره انکجه فکله ساه و و
 کیم طریقه طریقه اسفاده
 و هشت ایدرمه سکه سکه
 و قه سید لاله مهر کوفه سیرایه
 پیدکه ادم یرده اندک اکا
 شیر بندیک افق و تیغ و زره
 اوله سیرایه اتمه او کینه شد
 و ید یار اولسونه سکا جانانه
 هر بر که سر باز اوله جانده شو

مقدس شهر و که قیوسنده روده
 اکا قوده قوم شهر و اندک طوب
 بند این اولس جسد و کمر
 شهر و یاکا و نب اندک نگاه
 او کمال بی سام و اوله پهلوانه
 اغر و احوال قلعه ارم نیم تیر
 پر اجب پرواز ایدرمه بیل و
 او قوم یو شهر و قلعه جانده

غزله بلان و اولسونه

و لبر ابدم قدم جوته عشق کسین
 و انغ غل بلیه قبرم اوزخ خونین لاله
 باک عید و قدر در جانانه او کسین ترک جاده
 زور و سام و نیم و رستم شکدر جلد طوت
 و اوله اورت طوب ایلیم باغ جود کانه
 جاده و یر رستم غرق اوله کمال کسین غم تانه
 بر نظر ایاله اوله شاهی جهانه قربانه
 شیرین لاله اندر بور و بر سره شانه
 هر نه صونسه دور ای نونش ایلکدر چانه
 جو خنده و بد مهر و راضی قیر مهانه

بیل و یلیب دشمن اوزخ صله و خشن
 هر یکا طرب قلم کیم اچدی بول
 و یرمده رجم ایلیم هر کز لاله
 قه و تو سکده سنجای او کسین
 نیل اندک لشاکه افره تمام
 قویه بر و جهال کسکده غریو
 اوله سید اده عرصه یوم انشور
 سینه اولسونه نفهم و یدیک حوام
 بول ایدوب اوله کوبه قلعه کسین
 او و صوبه صوبه او و قویله
 هر کیم ایدم که اکی بجه بهانه
 سور و ایلندک جان تو رو کسین
 از قلعه کیم بولید که انهر لرم
 از و رید که صبر ایدم یانوه دیو
 طاشده و ریاشده اندک کورده
 یونش سر جلد کوزنه تنک و نام

چکده تیفن نف اورده رعد دار
 غیرت اید ببلاده نده کشارکی
 کورده بواحواله اوله یتش غالم
 ترکه سر قصه قلیرات ویدر
 قاه بخارنده جهای مودته یمن
 یتش الماسکن لاله اوله یار
 ایلده کلشن هوا صحنه ورفش
 سوله رجوئشال سریتش لر
 نفورده مده بکوز بین
 سیندرله ویردکاش لوه
 نور کورده کله طور فر بلکنه
 قوایب بر بیرنی ارسله کیم
 اورده که کورن کاه یتش کستر
 جوج زاده ایدوب کورده کافق
 زور بازو ویر سباله قله تور
 رضن بطق اولوب مودته یمن
 قوللکه لورکه اوشب بندیلده
 رستی و ستانیا ایل زبونه و
 قلعه ده سیر ایلیردیکه ولیدیر
 کرم عا ایلده که کاهو نفیر

چونکه کورده

چونکه کورده سیمین حالن تپاه
 وقته شامیده مین لشکر لوت
 قلعه حایمیده یارده کوریل
 عذر ایدوچ ظاهر اوردر یس یوز
 شاه خواجه ولیدیر یمن و لورده ایدوچ کورده کاه طیب
 یارله وایم شهر یارده کیم ایلده کله یمن خستوانده الیه قاهر
 حصاره ککشای کتده کاریدر و لایحه و فری رجوع
 لشکر بریه برله مطلق وایم طبع ایلک وایم قلعه
 دکشاف زار و مطلق بولب غم قاف ایلده کاریدر
 باز شریقه ایدوچ جوده و راه شکا
 ماتج ایدوب کیده و راه قاشال
 قبله عالم یوزده و دوسیه
 کورده کله طالع کشاره یاید کیم
 بو یکانلار ایدوچ کورده ولیدیر
 شهر قومنده و فاکلاک حاله
 مشوره ایدوچ طبیب و پیرل
 بولد لر تقیم ایدوب اوچ بار
 بند و رت بیرین اولدم وایم
 کرم تن بولمشدی صحتیه اثر
 طولدی بس غریک غرابنده مایل
 رولده بولنده جهای برکته حاله
 محتفی اولده وایم هر و ماه
 قلعه صحن قافی بلجای شاه کار
 حته وایم یوز سبالر ایل
 احتفاده غیره یوقدر حاله
 اشک خوشه اشقی تبیر ایل
 هر بره سر عثم با نده صبا
 صرور اطر اوزده اوله شایق
 لیکه وایم یوغنی که جانم فر

هر حال به اول در قرار
 ستر شهر و کند و کند و ایدم طلب
 یا بوی اوله شاهی یا الم خبر
 صغ غایت ایوب شاهی کورم
 ایوب بویوزمه انکیز و کلام
 سن بهای کار او لا بیور سین
 بن بهاندم غریب اندم اختیار
 عشق و دکن نه دل و فلس بر
 پای سکن اقدب در دیار یا ش
 دیده پای اسع ندکدای نکار
 بنف طو تر سکه سرم پیچ اتمزم
 به نیرج پا بر سکه باش اورم
 بیام دیوب بر نرند طوره لر
 کم واقف اولمه اوله ایکی بار
 تلف ناک طاشنی سیرانه امینه
 سیاه وار اوله کوهده اوله بوه
 طوت لر راه کریم روز شب
 سقا غزونیکی و خیره خوشه منتظر عذر انکی
 انتظاره جانده کار ایدوب و ایند احواله بر مالکین

و خیره و له ف از انکی عدم اصمالنی عرض ایدوب ترک
 دیار و سفر و بیقرار اختیار اندکن سولید و کید
 کاه بر و اینی نام و کشن قافه
 یافه کورده عود سکنین دم کبی
 یکم هوای عشق اویدر جانک او
 هر نفسی بخ و لاکه و سکن
 بنف فتنده و لکنه و لکن
 سوز ترک هر دم روزه عشقه
 بهر احواله اندر بر فتنه سنگ
 بنو الله هر نفسی کونیکلوش
 سیر ایدرش اوه سکر نیکی عالم
 بون قویب سین و این قصه سن
 قصه ده مقصود عاشق احوالیدر
 نکته و در و مثال عشقه
 کریم مشکله روی کفاره عشق
 شرم کلکده بیاه و در در
 پشه و غنای شکار اینک قال
 لیکه جاده الور مثالده صبا
 فتنه و خسته روضه اکله نور
 یکم و کله و لاکه و لاکه جاده
 اکله لده بلبل پر غ کبی
 دوم لکده و در فکله و کور
 و بیدم عشق اهلنک بمران
 سید لکده و لاکه و لاکه
 اوه و لاکه و لاکه و لاکه
 بنف آتش اولدی و در و کله
 فتنه اوه و لاکه و لاکه
 یتمش ایکی و لاکه و لاکه
 سیر بر بقدر عذر اقصین
 اوله نقصان عالم ایجا لیدر
 لایه و هوای و قیل و قاله عشقه
 به نشانه عالمی اسرار عشق
 اوله یلانه در و عالمی و در
 تری عشق اشکار اینک قال
 سایه مینا پیچ اولور و دنیا
 قلم و احواله عناه اکله نور

قال توبه امده بن قوله يكا
 ايلين بوقصة احوال عياة
 استوب اوله مايع بر وازلق
 ويرده ريك وابقدة نشاة
 شمع كا فورى كى اوله سروزان
 كلاره پشه قلده درم بار
 سوز و مهر پله كج كوند زركى
 زلف كى حاصل ايدوب بچيتا
 قلده غم جانن مغان كى تنگر
 يتف كنه جكه چو نك جانن جانن
 نوز رنده اندوب درياي خوه
 بنم بر بنوم بنوم خوه اينه
 اوتيب افسوه بنم ام ايلده
 سن فغان بر لايال سن فغان
 سوز رو كه هب مانا ايش در نغ
 درم كه بو غش مهر و كه كها
 جهرم ايو اسن اولمشه نار
 طاش كار لايال اكلدم الله كوش
 ضم اكلنجم بوناچ و رز بنم
 كوله كى كوش اوله بولبلده يكا
 بيل قلى عشق عذرا مده بياة
 بنم يلكا انده صورت بازلق
 اولده عذرا درم و غده جافه نشاة
 سوز غده اولده ده كوه تن كاز
 بنوم خوه انده خاره انتظار
 كج ريلد زهره كوز زركى
 جشم محوره كى اولده خوراب
 باشلده كوكيله مده كوه اينه
 كلده بر لب مايسنك يانن
 ميدك ايه و ايه بو كوه خوه
 خوه اسنك نبال جيكوه اينه
 تو سنين طبل رام ايلده
 ايجوم بن بوز و مكر قانن مدام
 بر قرو افسانه ايش ايه در نغ
 بلدم بن تا توافه ندم سكا
 لاله زرمم درونم داغ و دار
 ايلز ايلمده كوكلك خوش
 شمع و ش با شمع اوديان بنم

جوهري افتولدر سينم اود
 اود بو حاكتر در زير پتروم
 بيد كوم غم اجد و كوم خوزه جاك
 عشق جوه جانن اهنك ايلده
 چونكه حاصل كنه و غدر بكا
 سلطنت كجتنى انز نيام
 حقه چشمه جهاليز در لاي
 بار و بيلع زلف اسكلمر
 يار سركشني هواسي و لاي يوق
 كوزيشن اب و رولده يتر بكا
 صاغ واسن قاله بر نفس ايش
 جانده اولدم عازم كوي حبيب
 يولدم بو ايلوب قاه يا شده
 كوه و دشني كشت ايدم ايو كى
 سوز رو كه كوش ايتزم قوشه كى
 عشق صبر اينك زهن يذنا ايلو
 يار جاننك نبال مدم اوله
 مخنه ارم و عاده يا مقله
 اوقى اندم و توب غم يا يني
 غير نم بر نفس جاننم مدم
 طولو قور و رجا به بر جوهرم
 باكه كنه سكا عشرته كرك
 سيني دق قديم خيال ايلده
 روضه قصرم جهنم بكا
 بهم بو صميم جانن نيام
 صوب صال اين بعد لاله و كوكيل
 حاكتر با نك كنج و سيم وزر
 جشم جانن كاه مكنر سرو اوق
 داغ سينم كلتاه بتر بكا
 به قرارم اود لويال كى جوش
 يا صوبم جكه يا حاكم يا صيب
 يا خود ايقده جق يا باشده
 كونه صحران قاييم صوبكم
 به ايا ايدم بيلتر ايتده كه نكش
 مكله ايله كجته سن كى خالو
 مهر با نكش بنم و پر غ اوله
 اود وى اكب سكا مقله
 به اوزن كوه غميت يا يني

کراویم دریا اولاکر کو مسار
 ویرم سرور و علی و ندر فرم
 حاکم اولی سم غم کلک بویولت بن
 و صلتند او ورم سیلاب اولم
 و ای جوته کوشش انده غدر انگل غره
 میدیه ای سرور سرازار بهما
 بر نفسی ستر بهما خن تبارم
 عشق نازنده پیر سن کریم سن
 مختلده روز شب اه ایدرم
 سرشرا و ده که بنی حاکم ایلدی
 سن و کر سن اغلیب کر چک باش
 تور قرم حاج سکافاش ایتمک
 مجتهد سنده بر نفس یقده رضا
 قنن کتک ساید و ش بنیکیم
 اوفا کو سر کو سکا ایدم قولوم
 ساهم جاروب ایدم خنند و بن
 بوه دریا میب یولداش اولم
 این لح بر ایه ک خلق و یار
 تاکه خاذا اتالی ابوب بزده خبر
 یولم کر بند این او دمه قمار
 سینمکان نارنجی سونید و فرم
 یاقوم بواتیل جانوتن
 طلح و فرقت کدب مهتاب اولم
 مرده و غده یا و قلده کندوزده
 کلک یوز کدر باک بستانه ضانه
 خن تنگسز صم و جانی نیلکم
 بن ایدم کندم ای سیمین بدم
 یاشاک کور و کج قلک یومرم
 بتفردم که بفرج حاکم ایلدی
 بن مقوم نجه بیکم بفرم باش
 نالامی در مکل یولداش ایتمک
 بن اسیر و در غ اولم جدا
 خن متین قات و ش بیکیم
 صوبه ششکر بو ستم قیلم قولوم
 باش اورب یوز تر سورم خن شکر
 خنح او و یقده سه حاضر باش اولم
 فکر و وزده اولی خبر نوزار
 اردوزده صله بیکر و ناهار

بویولت بزده ابدنا بونشاه
 بیل دیوب اولد شب ارام تبار
 مهر و بانن ایملوب اولد ایکور
 افلی او غری بونل افسونه ایدیکل
 تور سار و بام و ش و ام و ده
 و د اسکال الدن و سکا زنگار
 مام ایدر عالمی پروانه ده
 و کلمه افسونه افسانه ده
و ابی فخریه رای ماه و دراه اعدایی الب قاجور بوی
خام افده ایدیت و جوق بندیله صورت و جابه تقیر اید و بیکر و کلمه
 کرم ایده افسانه نکه قجایی
 کوه غریبان لیم و ایدم ماک
 بزنجی بشکین کسه بکشم و و و
 یصه نوبت بر خا خای اولد سرفراز
 خانه سینگی حوریه باند سپهر
 جوته بر یار صید ایدر اولد شیش باز
 چشمه یی و فرخ برین پرکار وار
 بهر قنن انده بکا قلعه نگاه
 قدرت او دنده اورم و تانی
 پلوتی حکمت سکی اولد حوصی تر
 زین قلمی بویلا افسونه جانی
 بر عجب کر بایه و خورشید فر
 تاب کر و ده نکه دین قلعه اولد
 یا تو بن عیانه قلمی پامراز
 قه شکر ایلمک حاجی ماه و ماک
 شیش این قلمه کلک وین باز
 سکا بیکر خوفینکس وین زار
 اقور و یی اغری صوبین مهر و
 حوق شفا بخش ایتشده ایلی
 قلب ویر و ده صفایه سیم و زر

صدر حاصل قلورده این تاب
 مایه جوده اورده خیال بنیادنی
 مدیه کوه کونده بویه اولده
 خانه صندله طریقت بلبلکی
 جوده جوانی جانی اولور برهن
 جوده شکر لبل اولور طوطی نرا
 صوم کسکدر عله بی انار وک
 شوله الکی صوفی صابره زاده
 بر نفس بوکلنی مهر و وفا
 این واروب خاطر رام ایله
 دوزخ آتکینده مینا وکر
 تاب اینده موی جاذ اولور
 سیر و قید خورده ایامیدر
 کوه و صحران کوه کوه و کوه
 برکه تریده کوه ایله زرنار
 کاه ایولرله سیرانه این لوم
 زرقه صدفه ایچلوم لعل زبات
 یارنیت صولرله دم دم اقلوم
 صالونیت سرو یار کال کشت این لوم
 برکدورت تناسی ایله و تاب
 ایله روله جانده حاتم امینی
 بن خیفک اندو کج بودر ضیال
 تاب بودر و غلام صولشدر کالی
 اصال حبس او جانغی عدا ایله قفس
 شربت ترکیب اکا اولور عله
 مقتضای سیر و اوله خان وک
 تنه انده تان جان شام بافا
 اله اوله ابی الیه صفا
 یاقوتین برقی کوه ارام ایله
 ینجه دنیا جنت عالیا وکر وکر
 تناسی ایله صدف و تن چاذ وکر
 ای کوه شمه صفا هنکا پیدر
 جویار بر باهینی رزم و کوه
 ینجه زرنار این کوه هر نثار
 کاه تهر لوله طیرانه این لوم
 اولور و در صفاه کامیاب
 باشنه اشجار و له او در باقم
 سیر کوهی واده و شست این لوم

53
 لاله که قاپت باشنده افسرین
 تشا حاله اللش عیش این لوم
 جلوه کر که این لوم طاووسیل
 صوبیت اثماره ینجاق این لوم
 طوپنر افاله که کسوه باه وار
 تنکله کال شزاره اولور مطنام
 بویله افسونه ایدوب اوله افسانه
 شاهده دستور اوبوب بوبند
 کرم اولوب ترتیب تمام ایله
 الین برقی جواریه و خدم
 ابر شجر اکین کوه و قه سحر
 سیر ایدوب اوله صوفی عذر ابراه
 اوقیب ولده جنت نام سین
 من بایوتده طاهر اولدی انت
 الیه کشتنه دوا و تاج وزیر
 کلکله حقیق بولنده مهر و باه
 جوده حجاب کتده ارمده ستر
 اوصه باندی اب جبین کور جای
 عارضی عکس جوده اورده این تاب
 جاک مدله ایتلیوب تاج وزیرین
 خوشایله بولشوب ایش این لوم
 نفور کال این لوم قشوبیل
 بلنب اشجار سلیمان این لوم
 ماله خیر اده این لوم کوه وکر
 بوضفار مده بویوب صحت تمام
 سوزجا هر و بیل اولدی قن ساز
 جاده حرم خاطر یخ فوسفه یار
 دانه افسونه صاحب دام ایله
 قلدر اوله کوه کوه غری اوم
 اوله الیه ابی قلدر اسقر
 کوه کال کوزی اقدی صوبکی بیاه
 ال اوروب بر بر مقومه جاسین
 طلعتی و رانه ویره و توبان
 غیر اقتضای ایله سبیلانی
 باهده صوفی عجب ابریه سیاه
 وری جاده عکس تنده مین
 مده اوله جاده طلسمین کور
 ایله صوفی تصور آفتاب

میونوب اولده رخی اینه زار
اوله تنگ لطف کوروب حوصله

غفرلہ

صوفیہ صوبہ گرہم برہم تن کوزل
تا جو و قبا کوزل لاکہ کرہ کوزل کلور
مریاکن اوکالہ مخی خوب اور سکلید
ارہم الہی و شمس ایا غنیرید
باشندہ ایا غنیر سہ بود کلور غیب
دلشد باہی سم کہ یوم سو ششم شد
طاووس عرش ایا عکرا باش اوز بر کلور

شور

له ولد ی جوان ظاهر یولنده اولد مرت
طوبت اینر کشید کیم نیال
ایلین اولد شاه بو یوزده نکاه
صوکیب جوش ایلیم جانده رواف
نفیر له ایه هاه قلدی بقر
اندی بو غنه کوکله باشنی نیل
صدی کوکله ظاهر اولدی نفقه
قلدی یوشور صفاسنده رواف

فخر

بن افع بر ملاک کوردم طو تر سینگ کو که
کنش را طفر شده بقا سنده کو که
و حاذ کیسه او تمش النعم هر که

نینی عاشق کنی و من سراسر کوزیت ز غم
 قهر سرد کمال اندامی قیام آتش کلاه افشاه
 با که سست اولدم بواهی جگر سوز و زنده
 ای اغینه صوف صوف که اوله سرد و کمال

شوالی

صوبہ ہندوستان ہندوستان اور تاج
 و شوہن پائید سورہ و سورہ
 باصوبہ ہندوستان کوکلی طواریہ شوق
 نظرہ لعیہ لورہ پیمانیہ
 کہ جوقہ ہندوستان ہندوستان ہندوستان
 اہ ایوب قیام اجنبی طواریہ
 تابدہ غزہ غزہ اولہ کالی
 نورہ اشکندہ ہندوستان
 سینی غزہ ہندوستان
 صنم ہندوستان ہندوستان
 اودہ ہندوستان ہندوستان
 چاغزہ ہندوستان ہندوستان
 کرم و ہندوستان ہندوستان
 ہندوستان ہندوستان ہندوستان

ایستگاه استر حاطره کسب هولا سرور سیری چن قلما نولا
 کوکاه بر دم صبحتی صحرا در یک سیزده کلکوه تنهام در
 خلوت استر طوبی جبهه تابد کاه یکانی زنگه اورم تابد
 صومعه قزقز اوینو طور سوه بوم این کاه کشت بر برتی قدم
 شازوم یکنه فی الحال ای وز صومعه و قنوه بکتر کیر وز
 بید و بوب الدی خام هارده اول جابه عتر کانه و برکته هولا
 کرم یار یکسر از نال طورینه ایرمه که مک بو اشغال غورن
 بند لریک عقاب این فرس بیدل عمر لاه اند یار هیل کس
 اچدر لیر اوچدر لیر شهاب زوار کچه یار ورنه و شهر و کو هسار
 شیل ایدر لیر که سرعت بر کسیر عابوز خیل لره طورره و کوشور
 سایه سن کور قزقز مهر و کرم دیو کرم نه ایر و قزقز که ده اش دیو
 اکده که کله طوله ی قنوه ده هار قان کوکله کیده مهر و اسما
 شب صحنی بولده قلکه قان اغلی بچم بیده ماه بفره طفلی
 کورمه حامد یار کهاره کلکی جلدنای صبر و قزقز قلمی
 یار یکانی کوشد لری ایدوب یولجاده صورده لیر ایدوب
 صبی که اوله کو و ارند ستر کور بیده برک اوله مهده اثر
 نه اولوش نه ورین بولدیال جابوم لده زار و خوزه اولدر
 باغ ایدوب کیده مهر و لسیاه ایرمه ایرشده کوکا قیام واه
 هر برسی جوه ایدوب قنوتین بولده صابین طاشاله کیده رشتین

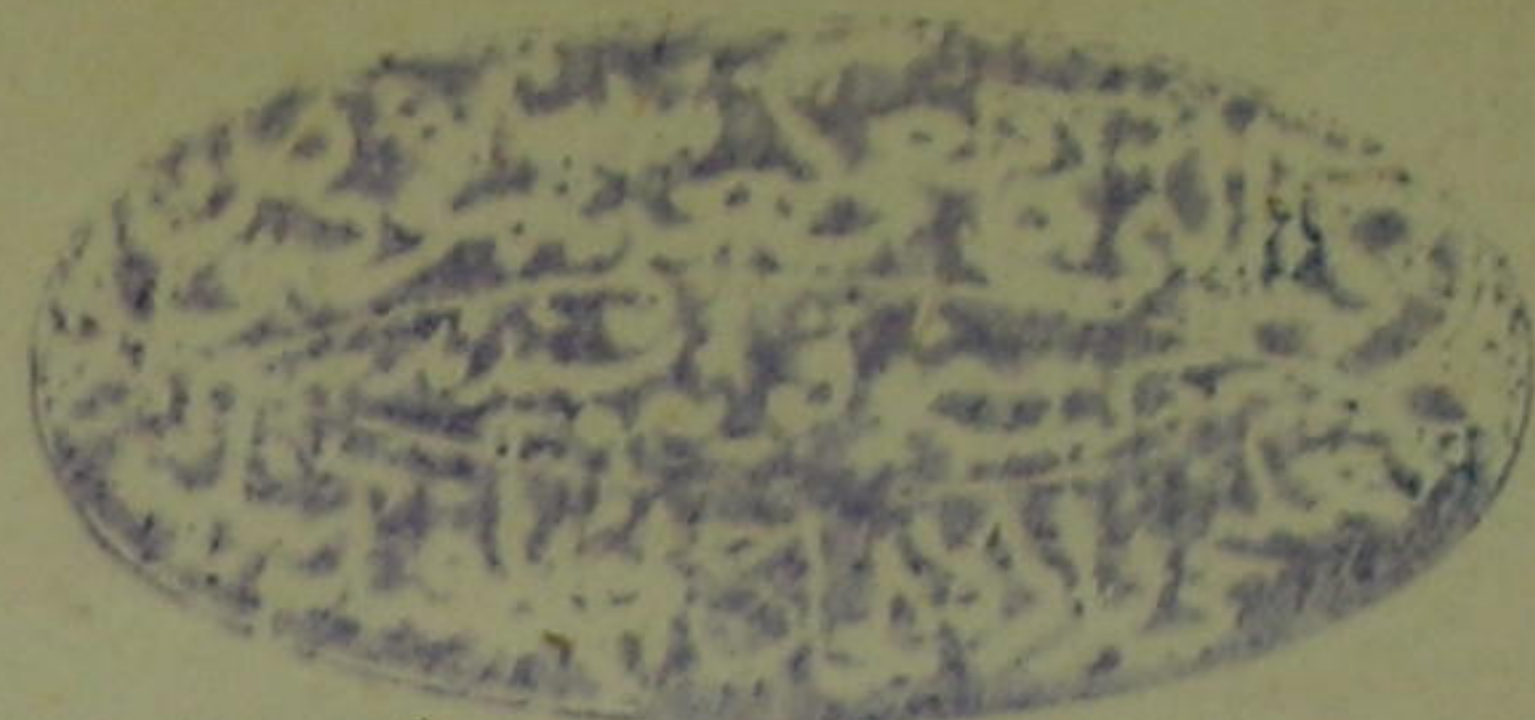
عذرا یی هما سایه یار و فادر و ایدوب لری اختیار غریب و
 قبوله قنیه و کربت ایدوب روزگار لری شهر و صواب
 طبع بیز زنگه خافتم قنوه او سله اوله قاریه
 ره نوزده کشوره افسانه ناکه بیدل یزیش غریب اوله فامان ناکه
 چونکه شهر اچوب اوچدی و کیر کرمه حامد یار قنوه شت و کیر
 کیچکونند اوچکوه اقدام اندر عابوز او بوب شاه اعظم اندر
 شاه اشدوب تاجنی اوروی یل بیکار صلیک هانم ایاله لرد
 اولدره ده کوه ارایجه فشا کرم و بر رقی اوچ قوشده نه
 مجلس نویند اولیت دند کیر شاه لورکنم اورده لر غنلر و
 میدر اند که مولجانه طبلر یار کیه یلکه یار و کوروش
 جویار صومعه ایدوب صوف نام است که باهی و ش اوله باهی نام
 برج اشجاره اراده ستر بولده اوله طایره جانده
 قالماده بوراه غنم طایع و طاش کیم اکایز اور بده و رولیش
 کیر بیده سیف اوله کوبلر او قزقز کیم کند وایا غن کل
 و کلوبه شاه ایلده و رولر نار اهنده کوبنده مهر و ماه
 میده عیش کلین و برده یل پنم خار اولور طراغن کیم بیدل
 اوله غزای قنق اصافه قیده قوز و جانی که ده راده قیده
 صنفه عمر شاضا ریشیم یار بیده که لاه و زاره اییم
 جقه صیم اغلقده غم کال کیم شبتاه نور صومعه کل

بنجوه اوله باه اتده اختر سرفو شاه اولن ایلای لکله شرفو
 بویله دیوت قلده باتم لیلی خافه دیلم برنده اوله جانوجها
 کتده اوده کوه کیم کوندر بیقرار مایه بسکین یانچی شایه وار
 اوده برک کوه کورده یوشوده بر بقیه شهر و پر بر و بده
 جنت علیا کیم کرمده نههار ملکته دنیا کیم ورم سواد
 طلعت روشن تقایس ملکشار طینتی کلشن هواسی جاده فرا
 کورده امده مروی و خوار کورده امده کدر صبر و قرار
 کورجه غدر اوشلری اولدی شاه بند و غده حاطره بولده کشاه
 اتمشه دره و راه جانینه کار لیکه طور و فی سر روی عشق یار
 بترده شهر و طف و سورده ات صورتی امین میدی شهر کیم
 کورده شهر او جنم بر خوش بینه روستایا کیم قوراش موزده
 جنبر ایتمش قاتینش خلقه و شرقن ایدر و فی صبر برنده کشتی
 صلی و روشن یلغ سنده تابدار هور کرمده ابلنده شرمسار
 او تور بجم ایدر زاری بیلم دور شرو و راه کیم کاری ایلا
 الننگه چینی رخسار کلهی راه صدق و استقامت استقامت
 کشت زار عمره اولش بر فی زار ایلی سر سبز و بروی زرم و زار
 کیم سن تهاب قلش نور هور چهره سنده روشن آثار فایه
 مین سی اولش صفا لیل و وار چشمز اتش انتظار هوت جبار
 من ارمده نوجوانی سوزش رسته قلش غم و کنت تین

عیش و نوش و اسکو این کار و جلد بورنده کترش روزگار
 وارین و برده اکا عذر اسلاف تله غنچه الف قدیمی لام
 میدی ایه باور غریب و کتوز نار غنچه یاقوت خاکستروز
 باه یایوز المده روز و شب خاکار روز دره و غنچه روز
 دیم ایدر برده انالوح ایلکله انشالوح روشنلوح ایلکله
 بود یار کیم بلنزه کیم تکیه و خافه و باطنی رهن
 لطف ایدر بر کوشه اصحاب کیم دره بند زرع و ده باه ایدر
 قلدر بر سر سینه و لایحه کورده اکا باه طلعت نوجوانه
 برینکله فری چهار ضعی سحاب سیره باه نوسینه ایاق
 دیور بنش شکل بلقیس و سبا یاکله تره قیوت تجنی صبا
 میدی نولا لطف ایدر باغده نور ویر سکوز بنز لکله درویش نور
 سیر کزیم بیکوز لصف نهام قلکوز صحنه بوری نصف شام
 یسح هور سز بنه جنت کرکله خانه درویش نهام کرکله
 خار و فلسه کولکله کله کله کیم او تره شریف ایدر کله بلیکله
 زخکوز و کلسوه ارام ایلکوز صبح ایرینج صحنه شام ایلکوز
 عار فلکله خانه درویش نهام قاجا کوزده بازار و لورده رفته
 شهر یاره سر سبز سیر ابره سیر او تره سیر بونیم یاخو فکیم
 بیله زنده هور بولطف کوردر اینین غنچه ایلکوز بوز سوز
 قلدر کبر کوشه ارام و کاه حکم و قدرت ستر ایه شاه

اکله کج کج سدر لیدی قصور ایله که ویرانی جای حضور
 که کلک قصه قلورسن خار و زار بلبل که کلشن ایله خوار زار
 کاه که دوزخ قلورسن کلشنی که بوکا جنت ایدرسن کلشنی
 انقالب اوشن در حال جهانه بی تفریحی که اندر جهانه
عذرا ی نازنین خانه ی بین زخم منکام شامده و قتل
صبح بامد که این و حنین ایدرسن اسماه زمین بر افغان سولده
 خانه ی خانه جویند لقله که مر یانده غم بحرینه ستر ستر سهر
 دین ایچ المده طوله جو ف دماغ غده بغوی باکها اولده خواه
 صبح که روده مانده ام ایله که دوزخ و باهی جهل ارام ایله که
 عالمک الی م این ظلمت تمام نارغ اولده کف و کوفه خاق تمام
 کلیم بفرجه عذرا یه خواب و ارتقا که هر که هر رنده اورده تاب
 باشد که بجز او مین یام این جانور لده ی کبی زیاده این
 ایله که انجیلن قافه یاشن رواد مودا هنده بوینده اسماه
 که نیده شمع مالین اغلیو سولده که باهده بفرجه طفلیو
 جاده و دله ارتورب افغانی هجوه او ده که کبی بقده جانینی
 اسماه کورده طوله ی او دیال جهنم عالم بزنده مودم له
 منده ویده ای نلکه هر که قن او و او رب کلر ایله اسرین
 او ویده کل بگز اهدده نیم یتر سن مود سیهده بنوم
 طالعان خجده اولده سیاه جاکله او و اتش ستارح او و واه

شام و دروغی بوخمار بکا طالع و بوخمار بکا
 شب کلدر بوسید رودیو در جانی الما غنوه بر رویو در
 یوسف سهار کواکبه بو شب قلنب تالشید جبار غیبر
 صبح و صبا کین قلب حاکیلاست بکرانده که جام جنت شکر
 رهن منی در و باه ایدو بزرگ بقله که در و ان سنی کدو زک
 ای کلشن کواکبه که قه سن زیاده حا که در و غ افر سن
 بر نفا کو ستر جا کس عالم بترانده که کنتی بن بر غده
 دوزخ مین ای غرض صبح کاه زین و اد شب اشتر باکها آه
 قنم سن که کوش نشا یه قن غوش بنوه اتلرسن بویخ کبی جوش
 جکله اچ او یخوده ای غر غر ایلا جان کبی او ذبال لری
 ای مؤذین بو شب اولم فی صبا غده اولم او قی حی علی الفلک
 بو قیدر ای شام کج کوندو زک طود سحر و یوسر کجده یوزو که
 با که بهوی یارالم یتر سیدر شام فرقه در و غ یتر سیدر
 بو باهده مانده ایدی سبشم یوقن بر دم و کج قافه یاشم
 قونیم جاننده ۲ اسرین نیم بغوی بر یاده ایدو رب یقه که نیم
 کونیم بیکه که قصه ایدرسن سبشم هر دم اغور قتر سن سبشم
 اتش بدر سن قانجه روتب سحر ایدرسن جانجه نه کج
 بر قشق قانمال قونک طویدر سا که بو کون زایش قانک قویدر
 بلشن اوله ضرا بلزاهم سکا قونیم بو اده ای اللهم سکا



اهر و یا شیخ اوب نیتس کر که
 بر نفس کلرا بشنسن بکا
 او پو پیر او و که اهرم بی
 ندریم اش و شب جاده عودن
 مردم و غدر بود و نده و تن
 ایلیم و صلی هو اسی بر نزل
 کار و که اولسید که او که با کار
 نیده و ایا صلی بو یوزده بر نده
 و نده یوز یار که خیالنده ککا
 میده ای غده بنی زار ایلان
 بلمم طوید که مردم مده بنم
 آمد که سوزی نالده خبر
 یوز کرده و و شن و که سیکلین
 چشمکاه مردم با جانه صیدیم
 صد کاه حالین پوزه هور و زن اه
 صوبیدر هر ایملی با اهرم سکا
 بکر ای خافه سنم طشدند یوز که
 ناله سنده ایل اوله فرغ غدر
 باد اهرم صیقین ای لعل کال

صیف قلده که با کیر مده کو که ده
 بنجوز ایتد و که وینم سن بکا
 بیورم بن جو می تشاهیم بی
 بحر اولمشه و غل عشق او و نه
 و لوق قفوس حبس در او تن
 نه کی هر دم اشته راه و واه
 ایلیم و که جانی بو رس زار
 ظاهر او کتر نورده و اهر و اسما
 انلیل مردم با حالنده ککا
 خانمانده جلال بنی زار ایلان
 جاده کرم و اه سر و مده بنم
 سنم بو می حای عالمده خبر
 جانی به هر و که ستم ایلان سید
 زلفکاه و این و لوق بتم
 صد کاه قیده پوزه کور و زن اه
 جو خا اهر و که اهرم سکا
 یا قیده کو کاه اهرم کر که که
 کماشی و یا اهرم شام و سحر
 کم صبا ییلین و وینم نان کال

اشک چشم قتل و مود که صیقین
 فرخه قوت ایتد قالی و مود که وار
 صوبیدی خفله کج قلزم جاده
 مستکیم اوله ایاغ صیدیم
 او ورم صقده ایرت لطف و کرم
 صونمده و راه ای جام ثبات
 سو و قدم بو کده و و و مرم
 مدم اولت نرکس سیر ابک
 لبلو که کام اوب لبر ایل
 طوید زلف کیم بوینو که تول
 آه کج بیکاه و لو سو و اهر و شیخ
 کاه تشاهیم کیم و با حو لیا کیک
 مدم مکریم با کدر بنم
 تاب زلفکده بر نیاده و مردم
 بنم بن و ارب سکا سیکر خال
 ویر و زلف قتل و یا شمه خبر
 اغلر تاب مده لافتاب
 ارب اهری عای افروم کما
 سیکه اولم سه غمده مان و وار

خونی عاشق کینه جو و که صیقین
 بر نفس و مر عر انده ال و واه
 سر و و لوق کیم اوله کاه و واه
 با غل و صلیکده بدایغ صیدیم
 کوه کیم و و لوق و پیر که کورم
 لبلو که نوش ایدم ابو هیت
 ایدم ای جاده بیکه تول کمر
 او تو ییم صقده افنوه فاکل
 مسح ایدم جانی لبلو جابل
 ویر کما و صلیکده ایل و لول
 روز و شب می و اهر و لوق صیدیم
 لبلو کج اهر و که سو و ایل
 بغلین خواجیم خیا کدر بنم
 ر خا کده انش افشاند و لم
 شمه و مردم مده اهر کشف حال
 سو یلمز جاک کیم با بنم سحر
 ایلیم مرم بیان با حجاب
 شایده ایدم اثر سوزم سکا
 د اهری باری یقیده کلاه وار

شید طاق قلع ویر و کوه کوه و
 یوله او نور مشهور در دلد و
 مهر او و جاده و جگر بریاده
 قور قزم بوتابده ایرب ضیال
 کاموش یقوده بنی بونارغ
 مهر و جاده ایلوت چوکا نوک
 ایلوب بوسمه اده و ناله
 کورده اتاری سحر ایتشی نور
 یوز اورب وریا و بدیه یا اده
 کوه کس روشن سکا هر از جاده
 سوز و سازم بیت عیاضه طایفه
 اولده بویولون غده جاده قشاده
 جوه طیکده حاصل اولور هر اید
 صبح و لطفکده بنور قالی شمع
 بختی شامین صبا و الحیر قالی
 رح قالی لطفک جانه زار و
 ابی روی غصع حاکه اولده
 مردم اغالی یا ایشدر بنی
 اولده بوتالای زار و تمام
 کج سکا و اخ صوبندر عشق الی
 م شمس کس که در ایلده الی
 ماهی زار و مهری سرکه اید
 بدرکن ماهی مهر ایم بهاله
 و نکلده اولمده بر اندک
 باشکده طوب ایلوه میدانوکه
 کالی یوزنه صیحه اشکال زار
 اوج اورب طایف کلور وریا
 عاج و بجان مع سنده بدر
 لطف و لطفکده سکر از جاده
 بحر و خیرتده یوز اورم قایل
 لطف ایدوب ویر یار جانه شاده
 بو تفکال بابیوه فتح اید طکید
 کوه کس یقده تنع تابی
 طالع الحی سفاوت سیر قالی
 باشان و ویریا و صالی اید یاره
 روی پوشی عصمت چاکه اولده
 مردم غلوان ایرشدر بنی
 طوغه خور سینه بشارت انبسام

انسان لقا ایلوب هر جانه اول
 شاه خواجه و لیدر طبیب سیرل و وریام و مشهور و عوام
 شهر هر اید کلبه خانه و سیر زن ماه و وریا و افق جابو
 عذر انکارینال ماله قاج ایدب سرکند شکرین سوبلش کجاکه
 و عزم سیرکوه و شکاره صکایت ایلش کار بدر
 بویایه راهنم اول جاده قشاده
 م کشفه مسم اولب سیرل سیر
 بنم کونور جو سکرکده ایدوب
 کاه کوه کاه و اده کاه و شت
 اغا و اخی و وریا وریا کار
 اوله محرم ایدوب و عذر انباز
 الحیفکده هر اید یالده ارش
 لاله کس قانه بویب کالی یوزینه
 راه درم و غنغ فکر و انتظار
 کورده و قشوده کلور ایلای خیال
 جاده و دلد اده ایدر مردم
 یوزرنده اشفاق اکلتور
 عشق او دی جونک و رنده آتاج
 ایلک لازم و کلر تو صیفینی
 بویله قشاده اصلنده نشانه
 طوتده وریا وریا جاده و لیدر
 جشمی قاده بنور بریاده ایدوب
 کشف وریا وریا کشف کشف
 سوج ایدب صلدی هرک شکر
 قشاده وریا وریا وریا
 بکلیکده راه وریا وریا
 ترکس ایدب یوله و کشف کشف
 مین سن چار انمشه نفال وار
 هر برینکاشکال بانده وریا
 درم وریا وریا وریا
 سوزرنده وریا وریا
 جهری وریا وریا وریا
 کشف ایلک کشف کشف

ویرده

ناز سن ایند ایلیر ایلیر
 بیل ایلر و لو جانده قفا
 چوه سخی ایلر جانده یانه
 ولیدر ایلر و لو جانده خوش
 ویر یخ ورمه و واسفند نشان
 سیکر زحمتی فلهم اندم تمام
 ورمه و غنچه یترایه اده و افقاده
 الله اده بشله ی تقریم اوله
 و ایلر ورمه ورونن سولیدر
 صورتی نقشن کورب زار اولدوغز
 ویر یخ کر یاده یسند بر یاده قلدوغز
 یخ فزی و لایها کی قصه سن
 سکره نقشن ایلیر بر یساده
 جوتک عذر اوله بیایه کلدی
 ویدر ای طویل کیمی سکر بیایه
 ففره که سن سوز لروکه ارضیات
 جمیع اورد که بغوی خوه ایلر
 یخ و قلد که یخ اورد که یان یی
 بیلر یوب سینه و ده خوش ایلر

ستن من قایتن فیکر ایلیر
 یخ افقاده بغوی ایلر و قفا
 شاه چین قرندیم و ایلر ایلر
 ویدر ای جانده باکره طوفان کوشن
 ایلر یخ جانکه صفینده بیایه
 ورمه ویدر یخ بر قی کاهم
 ویر یخ طایر که اوله جانده نشانه
 ذی و ایلر و قصه ی تصوی اوله
 غصه جانده و ولده شرو ایلر
 عشق را من طلبکار اولدوغز
 ورمه و صرحت بغوی قاف قلدوغز
 ویر یخ تور واری شرو که قصه سن
 کند واک ورمه من قی قلدی عیاده
 که سوندی یار کوه کاه ایلر
 قهر اکین ویرمه و شک جسمه جانده
 بر نه ایلر یا غدره قند و نبات
 صبری کی عشق اخرویه ایلر
 بدتر ایلر که بوی صبر یان یی
 حکم اوله جانده وراغوش ایلر

61

سوره یوزده یوزده ایلر کوزین
 ویدر بوجشید کورمه بای سن
 جانغ اولسوه جشمک تر یاده بوم
 طلیوب بونینه زلفی بیکر اله
 یلیدر باشده باخلدی جانده سره
 ایلر اولور ورمه ایلیر اوندوله
 صبرمه اغرقه سکر خوار اولور
 لور ورمه عشق مالنده صبر
 که ورمه ایلر یی جانده چاک
 با مصال افشا به که اول کوه تمام
 فکر یار یی عین بو غدا
 ایلر عذر و اولیج بر یی جمیع
 جوتک افشام ارمه مهر ایلر غروب
 یند ورمه و خیر ت یار الله یار
 سینه لر صد یان ایلر و ب کمال کیمی
 یند یار غم آشنده لاله وار
 یوب یوب ترکسارینی بر نظر
 طلقننده چوه سحر ایلر نقاب
 ویدر غدا ای فکر و لغوز

یخ ویدر یار و قلدی کلدی زین
 سیر قلدی طلقه و لدر ی سن
 کیم بکاور ورمه سکر که بیکر جانده بوم
 سکر جانده عقد سن ایلر و
 که کول ورمه یی که ورمه سوره
 طویتر یی لیلای طامنده اوله
 یار لاله سکر یار خور اولور
 کاه صبر بر کمال لنده صبر
 که غنچه ایلر یی ورمه کاه
 کفنه و کوه اوله یوزده و لاله
 یار یی سوز لنها و ایلر
 وار سوز اوکر شوه اوهر و نبات
 ویرمه عالم ظلمت کور و
 جانده و ولده او و فریار ایلر
 ایلر ناله لر بلبلر کیمی
 و ویدر کوز نیلر یی زار و
 قلد لرو کیم یلکار تا سحر
 اولدی عالم جمیع یی بر افشا
 کوه کیمی اولدی عیاده ایلر

صبر و یوقدر بنم بر ساعت حال
 عاشقی آرام ده از وی حال
 طور یوقار و طالب یار اولم
 یکم کوند زیار غیاز اولم
 یا بولاوز یا قلم و زکج حیا
 اینم زارم قلم کشت جها
 روز شب اولم و در سکر ارم
 هر نفس اینم کر که میتر بلند
 پرو بانی ارم پاک میتر دور
 پیرم و مید یار طایکم رای
 پیرم و مید یار طایکم رای
 جهم و سید اینم اولم و بولا
 اولم حاصل اولم اینم و ار
 رای او و در کج شمدی بوند کیم
 عزم رای کوه البرز اینم و
 لا بهمانده لقصم لوب خبر
 بولوز مقصود اولم خانه ظفر
 بود ارم که بحر قلندر بوی
 لا بوم رخسار او نور و صلت کل
 ایریکم البرز راه اساه اولم
 لا بهمانده بین چوقه لسان او نور
 بید در انکار و اوج بی خالق
 جد و جهم و سیمز اولم کران
 لا بهمانده اولم سه قوی لا بهمانده
 رنم در حاصل او نور مقصود جها
 بخم غنای لحنی بال و پر
 اینم کوهی قافه و در بقدر حال
 ارمی اولم کر که میو و پر
 یا نهنکر اینم فیض و اور
 ای تاه بکشمک ایدیت قافه اولم
 اگر کرم اینم هوامه و در چو بوله
 لیکه لکن در رب البرز بین
 اینم و زکجی دها یوه روز بین
 مید لرای پیرامدی الصلح
 ساک اوید و کرا و هوز بیکر
 پس ایدوب اولم بین جانده اتقاء
 پیرم و زده اسکینه قلندر و دای

عاقبتک ای جوازه اوید بین سن
 تا طویان اول سن تدیس سن
 رجم قوتی در غفلت جوازه
 پیر لکوه بالفعل و حال جها
 حال مورانه کج قواضوس
 اکام مقوله و بوکا لوس
 ایسا اسمانه ماه و سال
 جاده اوکتی در سفید ایدیت
 انویکوه بر مقایق در وی
 بی توقف حال ایدیت هر مشکل
 غم توز که پخته قلمش جانینی
 قلندر المزمه و باهکاشانی
 عزم او و لیزم ایدیت پیر لوز کار لدر بایه ثمانه ایدیت بخارا
 هم کشنی اولم و اوج و لانی فراقنده کشنی بکشم او واه و ضیق ایدیت
 ایلمین بوجم سوز فلک غیا
 بویلا ایدیت قصه لکوه با طابا
 جوکم عزم راه ایدوب اولم جبار
 ایدیت در و عزیم اختیار
 جکر لدر جها نه کرم سرد
 کاه سیاه و کنت که کرم سرد
 اور در یال کبی حاک و ابوز
 دوتی او و کبی سوز و تاب یوز
 مید یار کوه و دشت و صحرای
 منزل و استوبوع رله و قطر
 ایتوب بریعت ایلک کوه مقام
 سرد در سیمز ایدیت غنی صلح و نام
 ایرشب بر چین سحر بر جوش و دم
 ساحل و دریای بهمه یار قدم
 نور در جوش جها نه اوج اب
 و خ کرم و ده اکو نسیر صبا
 کوسرین دورانه و شرف طوله
 ایرشوب کیمتی فیض و موضو له
 جوفه ییلد و دشت بولم و رنی
 مهر ایار دشت کور فرغورنی

لوز فیضی روانه اندک کیم

سیاه و غنچه مبدع جانشین خوش
 شورش و تلخ کام و شکرت لب
 مردم و خفته کوکام و تلخ نوز
 بر بزم ایام ممتد عالمی
 اندام بکشاکش و توب افات خود
 با حاصل دریای جوی بیتی
 کورم در ساحل بقلوب بر کمی
 جاده آبت اول مجو اوزن ایراد
 ایلوب ارباب کشتی شواله
 و سنی عمانش اول بر کار
 وید یار بزمی و افی ایلک قبول
 بزمی بخاری بر و بحر یک
 کشتی اید کن بر جمال و مهر اچین
 قور تر بیکه صبا و درم یار
 لطف کوز بزم اول و سبب یار
 ایشون ما و اول کمر شوزه
 کورم در بر جی جوان در خوب
 کوسر بزمی قلد یار اگر لم دام
 لشکره تهره شغفه الدیار
 سینه عاشق کبی ایل خوش
 مهر و شورش لوز لافه می بر تاب
 کورتور و برده بی جان شوزه
 جاده قاصص ایتغر غنچه اولی
 سر سرقیورم و افالک کورم
 طوبی اول بحر و کانه کندی
 مرغ و با همی او شمش ایت
 خاطر اول شکی گیم کورم
 یل یار یکسره ایشی و حاله
 تا و قارم زمین ایشی نور
 او اید و که خدمت ندر بولسور
 شهر داری ایلک و باله و در هر
 غارت اسد بالمر قطاع چین
 بوز فحش اولدی جمال یاش
 او و زکیم اولیا و سینی یار
 روح اید و بکوسر و ستر نوز
 ایل سینی جانیه وید کورم
 ایت یار لطفال هر یوز و کلهم
 با و باه ایلک کیمی سورم

پنجسی کشتی فکله و ش تیز ریو
 اجده سیر لافه قصیدین اید و بچاله
 صحرای مفتول جا بیلر کیمی
 با فیا و رفشی کوه کبی اول
 کار بازه یوز باکر حالین
 نندیر و نه ویر و سیر
 صوفی سیر ایتی نوز و القلم
 ایلوبن اول کشتی القصصات
 اندرین قوی زمین هم من
 مرغ با نند ایلوب اول کشتی طیر
 ایلک اوله ایلک عزیز و سترام
 درم و غنچه اکلیب شام و سحر
 چاکه اید و بکریا برکها
 و اید و سیر او و تیر و جار
 ملک یالجه و صنور دره عین
 میر لیدی با لجه غنچه کوز
 ارق صانع اولسوز غنچه اسکر
 غنچه کدر جوه سالو سدر وجود
 کرم زار و باغ رحمت او نور
 غیر تنده او و یا نیش با و نو
 کانی کشت ریدر غنچه ایشاله
 خلفه باشی اکرا اما بیلر کیمی
 کشته سیری طلمی و ما وید اول
 لیکه اسبابی رسن باز الی
 سیرنی و کشتی قور اول و سیر
 نو و سیمی هر دم ایل بر رنج
 ایلک کشتی قلدی سیری کانیات
 اکرین و برینه سر سره
 بر خا کوه قلدی و دریای سیر
 جانود لده ایلیدی نال
 و لیدر ایلدی اففا بریکه
 غلانه لاهل کشتی بی خیر
 یا غمین بلز غنچه شمشادین
 کتده ایل و حاصل اولمز بکوز
 باش اسن اولسوز بولینر نیویر
 هر نفس شکر ایلوب اید و کوه
 شکر دریم چایب نفی او نور

ایلیوب بنو زید بن تلیس و کار
میرزیده بنوم یوم یوق اختیار
خوشی جوقوب دره یل کشتی بکشد
غوغ او نو زده بر یک کوز بکشد
بوقار و نه ناله اول ایاره ده
ناله و اه ایدریده چو ضراه
اول غزل خواجه اولب ایاره ده
بوانکه شعریه ویرم و کوی
کوش ایدم در سکه بوم اوله درک
بودر اسفار عذرانکه برک

غزل عذرا

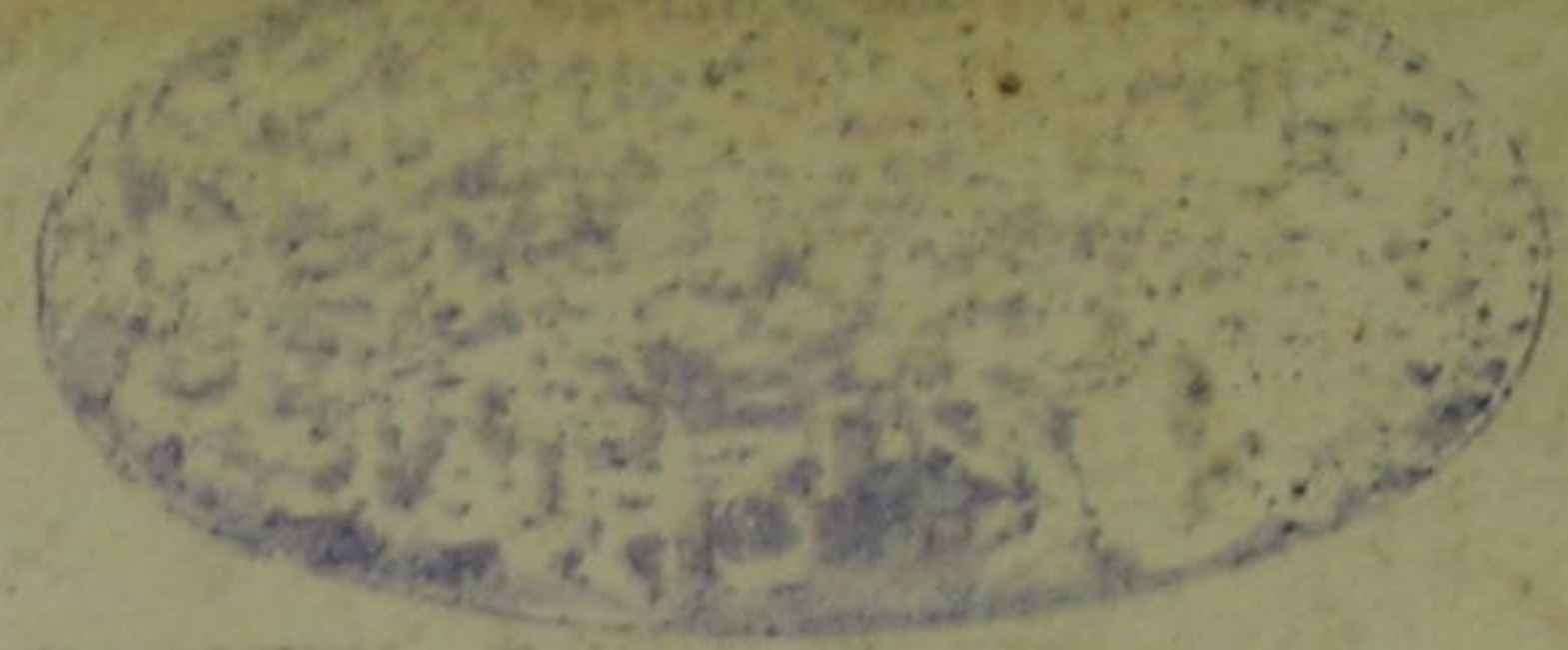
کمال کبی صفت سینی صد یار ایلده
بنده شکست بلباه او ان ایلده
فرق نشنوم لار زکده قلم خد
قدم صافه و اشکمی تیانه ایلده
صده که باله مکنیزه کوکلی مکنیزه
سنگ صفایه اورده و صد یار ایلده
اصده که باله نو سینم بیل یار صحرایل
اغیان ایدر جگه اشکمی یار ایلده
مرد و باله و صحر و غنا جا ریختم کوکوه
رمدان غم جانغی بیچار ایلده
شوعه زاده جوده اولده که قصیر
مکمل غزاجوانی و لیدر

غزل و لیدر

فلک کبی بو کوکلی او ان ایلده
غده و شکست یوز یار ایلده
غ روزگار نیکه بنی ویرب الیه
ده فلکلی جناب و ش او ان ایلده
کشتی جان و قشع در صبر بکنین
اف او رب صده بونی صد یار ایلده
بوجاه بختیده بکاه و زریه خور
زلفک الیه ویرمینی او ان ایلده
مرد که صف ایشیده و صله یل سیر
غتاب غ قلم بنی بیچار ایلده

لاهمجاه بر بقدر بر یار لایطلم و ابقی جویاده رولت هوا
ما یلر ایدر کن در یار لایطلم و ابقی جویاده رولت هوا
ایجنم و ابقی جویاده رولت هوا
عین اشد اوله کشتی یبر غریب یبر کعبه موقار ایدر

عشرت آباد ایلین بو قصه یی
نقد و نه بوسه ویرش قصه یی
اوله نایغ و کشفه لایطلم
واقی بولیتور کن صد جا
تاپون تلمشی عزم کوه و قاف
جوقه علف و ایشیده اوله عالم ایلده
صن تدبیر یار شاهی نیکه و نام
بولشیده صحت و قوت تمام
عشق عذر ایلکه اتد که بهجوم
صبا ویده مین ده اسکیموم
روز و شب ایاره ده فریاد اتین
بیل اکلده یلنوب و فریاد اتین
اکد و غم و لیدر و کله یی
او ما یارده و نوجاه و تلنی
نور و اوله اهو اینی لایطلم
یلنم یقشیده طلب او مینه جاده
لب ایدر ده و یاری یعنی روز و شب
سوسو اوله باهی ایله یی طلب
ایکه ریده قوشنوب هوزا کبی
بر کن اوله مهر و مهر ارا کبی
ایار یکن اوچ کده و نده کز
بو قلمی مده یکه ایدر نظر
کور سه بر عالی کل بر اده لیدر
ارغ و ش وریا یوزده یسراف ایدر
قله در کج او زن افع بر لیدر
ایچ جوش و غلغاله و مع بر لیدر
جلا یی عزم نهاده و بی ایلده
ان یکه ایلکه جاده بر کشته حاله
چاقون بریره ابر و کبی یاستی
کوز زنده اقدر قنولیش



بیهوش و آه میو ایلا و دوا
 بیهوش و آه میو ایلا سینه جا که
 دمانده جا صلا و نور بجه شور
 لاهجه بجه اول ز فیر و کله
 و آه و بیهوش لاهجه لاهجه کوش
 پس سحاب این طوبی کوفه نوره
 نور لیوب لاهجه هوا و لاهجه
 سر و دریا یوزه طوبی طوبی
 بام با و ایرتوب طوبی طوبی اول
 چار پنج و حیرت اول جاناک
 ایلا یاکرچه و هم بی کراه
 ریتوب بر قطن و ریا اضطراب
 بر چوب پرواز و رکن ناگاه
 باین یاقوت و ترمه یک
 کور و عاشق صفه بر کوهست
 نحس کسار و جسته بدل
 و تفیع جدی و کوه هزار
 جهن و ریای حایه عنبرین
 پیش راری صند و عود و بقی

مهر و ماه و نور و طانده سیاه
 نالسی ایرش سکه تاسما که
 غارنده اهل لشی بر فتور
 بویه یا ندی جانده لاهجه کله
 سینه و دریا این تله و دوش
 دود و کشتن کس ایو کوه یوزه
 بیلدی هر نهج و ارقوم جا
 اهل کشتی جلاتن ایتدی کاه
 بحر طغیان ایلیب چوشا اول
 کوکورد ایر کور و هر لافاناک
 کور مدیا لیک و ریاده زیاده
 ایر میوب کشتی بر هر کز انقاص
 ای کور و بل که کور تله و طاه
 روشن ایتدی مهر تابا و عالمی
 کشتی بی اسفندی و ایتش کنار
 جتن یا و ایتناک اول و بیال
 کور و افی ایلمز فرحسی یا
 خاتم کرده و نه با ندی نکین
 جو بیار و جوش و جوش و دم

ایله

صالیز استان چشم لاهجه
 سور یکجه و عشرت و بیاه
 جلق ایلا بر یکا فاد و سال
 سیر لایله و اوردی و تار
 بر که تر کف چار او نیار سکوت
 سر و دریا و صور بقرار
 ز بنفش سیمین قبا و بر شراب
 لاله و کال عکس اول لایله
 کجه سمن کاه سمن یا سمن
 بات ایوب حکم سکر که یلدیزین
 دود لایله سینه و عشاق و دار
 نوهاریده و کور و یافروشن
 ضمیمه و نوزیده کویا هر و رخت
 اهل کشتی چون کور و اوله یک
 سچم ایوب صفیوزر سور و یار
 برنم ایوب و تانق قنار جانده
 جاکسن و سولیب و یزدی ساکرم
 مدیه که کور و یوز و کله سینه راه
 فضل مقده سینه کاه کله کوز

بوکر شور و هر جکر تهر و
 این و اولش طهور عالمی
 نفایا بر یکا تقنو سال
 کوش ابد و ابد و ابد و اختیار
 غنیمت و دم بسته کلاتر قاذ و غوث
 لاله و سر است و ز کله و خار
 سوسنی از اقا و له است و خراب
 و لایله فوین کس و کشتی سینه
 تال و روزش اکا و ریه شین
 کوکورد کشتی چنار و یوزین
 ایلمز کله و هر و بر شرار
 ایلمز اشجار و یکسر قله بوش
 بر که تر کونک و سینه و کت
 شاه و قوتم طرش مقده هر یک
 عشرت و فیه صفت کور و یار
 نیله و انال سیر لایله لاهجه
 هر برینه ابد و به حد و حرام
 لیک صله و سوز ابد و لطف
 خیر مقدم و خنده کله کوز

بود یار که کرد بر سالار یوز
 به تکلف در گفتو ایستاد
 اندر بوزن و خج اوله لطف سر
 صورتی بوزن و مینیس لاهی
 چاک کوز عیش و شفاوه دم زده
 ویدر ای شهر یاری کا کهار
 راه ز ناز غارت انیس با لینی
 بونده ارتوق قیال و قالی بلروز
 شاه اگر مقصود ایدر کشف حال
 سیر نشاید کج حال ایتیش اوله
 پس بهانم لقم قلدیه لاهمه
 صورتی باشد که نذر بوغ سیر
 روم کوز نی کس جانند سیر
 جاده ایچنده در بواوه و در کوز
 حال طوز بیایه ایار سس کوز
 دار اینم کج ایدوب و جاده سیر
 یوزر و رت عذر ایدر ایچنده
 سولیسک بلار و کتیز قصه فر
 سیره رقص و در ایدر سیر

بود در کج شهر کرد و نه جنب
 هیچ و آینه اشفتن سبکی
 یا بزمی با من ایدوب جواره
 لطف ایدوب بویر سوفا انار صواب
 اکیوب احوال اولدم لاهمه
 شاه چینی او غلبه و این وید کاک
 چاک غنیمت و آتیکر بن یار بیج
 کوهی تان ایچر بکوه صحتن
 ادم اشته کیه در لاهمه
 شاه چینی ایدوب سوفا انار کوش
 نطقه قاهر اولیوب و شدی نوز
 کورده حایه تیا می لاهمه
 و ایدوب ویت ایدی بلشین ویزنه
 ایار و دار بماندم و لیدر
 ویدر اوله صورتیکه اولدی قندک
 بوور و مقصود و این با لاهی
 اصل و فرعن هب حکایت ایدی
 شاه اولوب بو حال جانده لاهی
 سید یار ویند عذر اینر کلون

کام بخش و کار و کار و کار
 راه و مرد و غنچه سیر انیس
 هر بر کیه و هر الله بفره قاه
 یخ کشف حالم و ناصواب
 ویدر کوشن ایدوب سوزم ای جان
 شده بالمشه و کیه وید و کس
 جانوف لده روز شب غزلان بیج
 جاذغ یار یلدن راضن بیج
 بن لکای بیج بن بیج یار جاده
 قلعه صبر و قرار کیه و کوش
 ایدوب لاهمه ایدوب تیر و کوش
 اولدی رقص ایلوب اشفته قاه
 ایدوب سیر و یوزنی یوزنه
 لاهمه قصه و قلدیه ضیر
 نقشیده بو جانن ایدوب روشن نظر
 جانوف لده اکم علقه بو جاده
 کاه سکر و کاه نشکینر ایدی
 بلده حاصل اولد غنر مقصود
 قالد یار بو حال جاده سیر و کوش

قلدر به شرمیل باش اوله نراو
 سوزی لاشا سنده اولدی عذر
 ریلیون و بویلقا لاهی
 دیدیک اهد و ورور بوسوز
 سوز شعف بترجاة حاجت و کاه
 یغفا حالن زیاده حاجت و کاه
 زصتی کشیده ارسند فتور
 برام ایلیم ایدک حضور
 وارور بویقه لاهاه خانه
 عترتچو درقو کاشانه اوز
 کریم ابرام و زحمت سیر
 جانود لده لیکل انده سیر
 یوز سرب برخط حد استرایم
 یان دک یسی غمده استرایم
 لاهی جوی و عیان غمده و دلیز
 لاهی جوی و عیان غمده و دلیز
 و تیزب عترت ایلکیم و دایه
 و تیزب عترت ایلکیم و دایه
 زبانه شوط ایلکیم و دایه
 زبانه شوط ایلکیم و دایه
 لاشا غمده و دایه و دلیز
 لاشا غمده و دایه و دلیز
 ایلین بو قصه نکر ترتیبی
 بیل قلمش عترت تمهیدی
 حوة کاه ره و عفت انده لاهی
 ایلک کشی برل ستر اوجاه
 دید بر باش اوز یوز لوسون
 هر نه خدمت اوز ایدر سکون
 لطف در صفا ایلکوز و بیبناه
 او کالینه و شمع کندی لاهی
 کسوت و هر یوز و الطاف و کرم
 چونک کاش کشف اندر بر قی قدم
 ایر و لور بر قهره عالی منتظر
 حاک او قی طاق سپهری انون
 باب جنده نشا و روان سیه
 کفر و قهر بکشد اندان سیه
 ایچ طاشی بکشی کاشی نور
 حال زر مهر انم کرده لاجور

نوح سی و روان سیه
 نوح سی و روان سیه
 صوبی کوش طبعی غیر سرشت
 صوبی کوش طبعی غیر سرشت
 اطلسی افلاک کبکی تنگ
 اطلسی افلاک کبکی تنگ
 رستمین صیرانوزاره عقرب
 رستمین صیرانوزاره عقرب
 هرستونی سد آیین منتها
 هرستونی سد آیین منتها
 صفی عرش اهد س فده و سیم
 صفی عرش اهد س فده و سیم
 سیر ایده برام حریف یا کینی
 سیر ایده برام حریف یا کینی
 رنه هر برضا صابر ایدر
 رنه هر برضا صابر ایدر
 اوله سرای چونک سیرانده نگار
 اوله سرای چونک سیرانده نگار
 کریم اوله قهر صنت و ایدر
 کریم اوله قهر صنت و ایدر
 ایدر بیل ایلیم سرویند باش
 ایدر بیل ایلیم سرویند باش
 کلاننده حاطر ایلکیم
 کلاننده حاطر ایلکیم
 لور و اوله و دایه لاهی
 لور و اوله و دایه لاهی
 اکا صحن ایدوب تجل یوز لره
 اکا صحن ایدوب تجل یوز لره
 ایدر ک بده بویوز و کفتو کو
 ایدر ک بده بویوز و کفتو کو
 کلدر اوله قهر کیم عیشچو اول
 کلدر اوله قهر کیم عیشچو اول
 صدر کاهنم قونوب برکت زر
 صدر کاهنم قونوب برکت زر
 یایکاهی سرش کونهر ل زین
 یایکاهی سرش کونهر ل زین
 کرسی و زیننی کیم ایلر شمار
 کرسی و زیننی کیم ایلر شمار

خوش گلشن کبک نونا کوه بساط
 جرفه سیرنده ایر شمش بساط
 زرنها لیلار یلنگل فضا و ار
 ایلمش یوزلر سورب یرر قرار
 ایتکله کوه کوه کوه کوه
 صدن بکشی بروج اورر کوه کوه
 لاهجه ایس ایلیب ایرام و نام
 کجه کت اوکینه سرو و خرام
 بزده صدر اولده جوه اوله تاش
 یوز سرب یانیه باش اورده کله
 رو یلکجه ایقنی کت و زر
 ایلمش کفتن صدق و ش یر کله
 او تر و ب صاغش اوله دلنیز
 اولده یانین طبیب یرج سیر
 لاهجه صول یانین اید و بختیار
 و ایدی قلده ضا اوله بختیار
 اورتر ک سیل اوزن ضو ایدر
 و یر اوله بزده ایلمش بیکلر
 اولده قلده لاهجه کاه باب
 نزله و نغله کله بی صعب
 بزده یایده شول قدر خوانی کرم
 اولده رکنده خیال باغ و ارام
 برجب تریب شاهی ایلدر
 قرص مجلس مهر و ماهی ایلدر
 مانه لور و ک کشته ضیله
 زره لور قلده زین صحنی
 تابه بزیه و غلر کاهی کبی
 باغ لیجن یوز و ر ماهی کبی
 سکره لور فینه لور و نه نصاب
 جوه لور ترکیب لور لیجن صعب
 لورن ضالشی بر اوج مور ک
 یوز غن و کشی طور سکر بور ک
 مهر و ماهی قالیله لور شکر
 کوه لور و نه ایلمش یر و شکر
 طلعتن قلیش یر بیکر کاله
 مهر و صنفیه شوکتی اور و خا
 کوز و یکب یامور یامور و تر
 فن و ش استرا لور کال نظر

شیر و خرمه لاله کال کال
 قاه قرشدر اش سکر لای غیل
 ده صو قرقلق اغرنه کبک
 شیر و اتار سینه یر و ل غیل
 سکره ملو اولر اولش اشک بو
 ایلمش اکشی غننه ترش رو
 طارن اش شینه تال تال ریشی
 اغن لور یامور و زین و شکر
 کیم قلور و صیفنی اوله بزده کله
 غننه نفی اوله میر و کله
 اولده لور و نه صنفیه کله
 کاه و توندی بکشی غایب یوز کله
 ینده نفی و نغله سکر صوح
 یوز لوب دست و عایجه طبع
 دید یار صوح لایم اشوه نفی
 جوه طهام لایم قوا اولده تمام
 زره قلده ایلمش لعل مذاب
 کرم اوله لوب قلده صنفیه سرو
 بزده اور و یار و نه عود یل اوله
 اده و خرمه و سوز و ر باب
 سینه لور لایم ایدر و تال کبک
 جکر اوله قفقوس کبی نفی
 اشده بقده بزم ایلای جکر
 شوق شمشاد ایر تال عالم
 چار تکیر او قدی و ر و غن
 ینده لور سوز و ر و خا لایم
 ار غنوه کنت و یین و یر و یل
 ماه رور و ر و خا اور ب خورشید
 جلع لور و نه قلده یار و سی زار
 و شکر بروج و یل بزم ایلمش
 سینه لایم فلک لور و نه کوه
 باق لور کاله ایلدر کلر کبی
 قلده لور فریاد لور بلبلر کبی
 انشی عذر ابریکتن اولده یوز
 اوله شکر لایم سینه صیفیه طوز

دلپذیر که حالی صبیح اتد یام
 ز کبی ز ولده د اتش نهام
 اتش الحاح و سوز و عشق یار
 بو شستی می اضطراب انتظار
 انده عذر لکن جو ده جل او
 ز ولده غرق و دروغ مانده غور
 نه جای واره کنی و زلم انکار
 غم یار کجاست نه ابرام را سگار
 وای وای کام تب انده نگاه
 نه کبی جگر می در و نده او واه
 رو یغیوه دایه سکین جان ساز
 ایلگون و لبر و لنده کشف زار
 جگر بر جنبه کنار انده صحن
 بو غلده سویدیه فرقت غین

مثنوی

ای صبا باده سیرایت که جانای ایلارین
 یار یغالنده غن غص ایتربانای ایلار
 وصال یغده اینه قلم سیر و شمع کازو
 د لبر اهور که یترکده رویه بخره ایلار
 کور مردم بر زح حاکم استانگاه سگی کاه
 ز ولده برین بی نو اگر دم صفایه ایلار
 شام و لعل سیر کجاست نه ناجا ایلار
 سیر تر که ایلدم ایران تو توره ایلار
 کل و سیر ایلایه بتر جیش و صلا
 بخور گشت ایلیم و دم و قرا باه ایلار

مثنوی

وایه بویوزده جو صندیه بز جام
 سیر و در اول تن شنبه تمام
 الیه بر عود صها و سوز الیه
 بشده بوشو که یارب و در الیه
 اید و بن او و قضا به ساز
 اصفها مینه ایلده غم حجاز

ای صبا سیر این لطف یله جانای ایلار
 نیم بر تاراج این بخره صو جاذ ایلار
 ساقیا و صر شرابین صوفه بکام می
 خوه ایدوب بقوم یترکده بخره
 بطر ایلدم نو کبی کوه یار اهلکین ای
 قو جاز اولان سن ترکه ای صفا یاه
 سیر و جکس کانه و صلا کوکام فلکن
 یکم کوزم باشیل ویروم غرقه قما
 بلدی اربابی حکمت و در و کاه و یاشین
 ساوم کرم بوین و کت یونا ایلارین

عذر او دلپذیر و وایه د سوار اولت لاله
 ایل و عکر جانای او و صولده غم قاف ایدوب ای
 علق صام و شمه اید و ایتقل بزم و صلا ایلد و کید
 ویند وایه و سیر عذر او و لپیتر و لنده غرض حال اید
 اشعار سیمه و کید

کلیر وایه صده مسده اشفت و دل
 یتر و ولده بیکر ایمی بو کاه
 قط بنقار که کسم الله و
 نکدن اکار شوک اگاه و
 لفری که تا و سلطانید
 حاله در کامهی سلیمانید
 نه فلک احوال و بال و پرک
 مهر و اهد که طالع افر و
 ایلیم بو صنی حاکمه و فوج
 او و جو و صلا جانده قاه و
 نیم بر جانده جگر خوه این یغ
 بر ایلیم و ولز کوهه این یغ
 ویریم غم زوقن کستوه یاه
 قاف غریب این یغ غنایا
 کر سلیمان و تنده این عوه
 سیر کل صیراته افه و کاه کوف

اوله پهلوانه اگر اقباله رهنه
اولین شاه طویر ملک قاف قاف
اوله بر و از که فلکله ده بلند
استم روش و ریالین دله خوش
لاهیجه اوله شوره جف کوشن بلبل
از قلعه ساقیان به راه رو
برایک دور استمین استر اولدی
دوشده بنم اصاله که کوروش کی
لاهیجه اوله رلیه ضلیه تیز
بیرینه عذر ابرینه د لیدیر
اوله کور اوزح مکی سوار
طکله بو حاجه ایله بلبلای
دبوه بنسا طکی اوله صوره لقا
مهر و مهروش اولین کوهه مطاق
کور بک قاف بر یار اجد کبر
سرد سلطانه قاف اوکنه رو
چشم اقباله ایدیر نور رهنه
زود له بر لایر می لاهیجه
اولین طالع مساعد کت و یار
اورکن جاگی پهلوانه باور رهنه
اورسن شهباز قدسیه لاف
سیت رهنه یاکنم هر بر خود بسف
طوت صدف کس بونظم قوت کوش
روینن فیم ایلیم جوش ایلدر
بر قلب زور قالی صونیه طلو
جوعه و شیاکیلیم سینه اولدی
یانه لر بریر طالع اوشن کی
ایر ده بر تی نتخیه هر صر تیز
بیرینه د لایر سینه پیر
اندیلار وچ بولای رهکدار
شده قیده صبار کی کالی
رضی ایدینرا زورده در بر یار
طوقه الفین اچره پیدا اولدی
استخیر بر برینی کدی لر
میدار ای کام جوشو کام جوی
حاطو که قوت و کل اسر و رهنه
هولکنم ویردی ال مقصوده
وامق مطلقونق قلعه تنکار

اورش کله به به مهر اولت قرین
از قلعه کله به و ابقدر فرس
بلدی مقصود حاصل اولدین
از قلعه و اتقال شوق و سرور
گاه تیرمه گاه هم انده وزه
پس به اندم برکت و ارضاص عام
رضی ایدوب بونش و اوشن کی
مهره ترشور کی وچ اوزح ماه
باق اولدین بر برین لایند
اکج بقعه بونیه کورده عیانه
اوله کوهه روبر و لایند وار
دوج کله یار جگرده اید و راه
هر بر به صوف شامه و اشهور اید
نولاجه اب ایکن اولسا بلک یوز
اولدیه کفان صوف هرگز محال
عالمی وحدت عجب عالمه
پس یوز و و و شوق اوله ایکن
قافه ایدوب قلدر شوره مو
قلدر عذر اید فقری مقام
رشدوب سلطانه دیدک صد ازین
انده شامه جلمتن قوم رکن
لاهیجه بطبع شامی بولدین
شیمو تنده نور جان این نور
جفلیب دونه سرور اسکل یوزه
قلدر غزل استقباله و نام
حقده استقباله اوله عین دی
کورده عذر اید بوا او جن شاه
خوش اقباله کله ایکن لایند
بوکه کج بقعه اید صدف پناه
هر بر سینه صینی اولدی صد هزار
سبح قلدر بر برین مهر و ماه
اوله جلمته ساجد و سجود اید
قتل جونک بیره ریوغ انه سوز
لاله اولت قلدر لسانو قیال و قال
صحتی بقیال و قال اید
د لیدیر و د لایر پیر و لاهیجه
ویرد شامه قبله افاقه فر
ایک اکادار اسلمه ایلا سالمه

غنم و گاو را از آب و کاه و خوراک
 بر بره استخوان و گوش است و بار
 جانور را از آب و کاه و خوراک
 به حیوان بر بره استخوان و کاه
 بر سر استخوان و کاه و خوراک
 قوم و رب ایکه و خوراک و خوراک
 آنکه که صبر است که گاو و خوراک
 عشرت از باب و کاه و خوراک
 لایحه طور و کاه و خوراک
 ایلوب تکلیف کتبی و کاه و خوراک
 الیه کاه و کاه و کاه و کاه
 طو و کاه و کاه و کاه و کاه
 به بره بر بره و کاه و کاه
 این و کاه و کاه و کاه و کاه
 کو و بره و کاه و کاه و کاه
 کاه و کاه و کاه و کاه و کاه
 ویر و کاه و کاه و کاه و کاه
 بر یکا و کاه و کاه و کاه و کاه
 بر یکا و کاه و کاه و کاه و کاه

71
 غنم و گاو را از آب و کاه و خوراک
 جگر را از آب و کاه و کاه و کاه
 و کاه و کاه و کاه و کاه و کاه
 خا و کاه و کاه و کاه و کاه
 جاکه بر کاه و کاه و کاه و کاه
 ایکه و کاه و کاه و کاه و کاه
 اوله و کاه و کاه و کاه و کاه
 یکا و کاه و کاه و کاه و کاه
 جاکه و کاه و کاه و کاه و کاه
 نیای و کاه و کاه و کاه و کاه
 کوه و کاه و کاه و کاه و کاه
 زکاه و کاه و کاه و کاه و کاه
 ایل و کاه و کاه و کاه و کاه
 عیش و کاه و کاه و کاه و کاه
 بو و کاه و کاه و کاه و کاه
 بر بره و کاه و کاه و کاه و کاه
 ایار و کاه و کاه و کاه و کاه
 بیکر و کاه و کاه و کاه و کاه
 اید و کاه و کاه و کاه و کاه

کند که استانی رسید و غلو بر ریش باش اوزب اجدی طلوع
 ز بهر و جها کله و جد و حال ایله و بار و رونه اشغال
 عود و طو تش را و له و له طو طوله که و فاما و بهر و له
 و این قله و بوش و اوله رستم ایلوب بر صلی و بر اورد و له
 اید بن با و بهار که کبی و م کسرت شوق و نور و ز و غم
 ضلک اهنکین و ساز ایلد و بوغ و زله خوش سرا غاز ایلد

غزل بهمن

ساقیا کوثر شرابین صوفه که رضوانه که بر غم رشک خندان و غلامه بون
 باغ نیلار سن بن دعوت قلبه باغبان اوله کوزه ترس بوز که کربابی ریاضه
 کجه ظلمت بر اید که زاهد ابر کوش عین تبکیر این طر شمع خنده بون
 کوز و لطفه ریاضه اولما یار که ایل کل جو طار نور ریاضه نفی و جاده بون
 محمد بنیامده ارمه نه الکاه لایق قزم ایلر حازه انب ایش که جاده بون

شوق

و لیه بو شعریا ایلر کن سرود بوغ و زله و رخ اورد و بهر و له
 اولد غنچه اوله سرا غاز و دور بو ترا نکیز یل کو ستره و قرار

غزل دیگر

کوزه که و دقلور قیاسی غریب و کیم غم بزم اولسه نه فکر باهی شور بوی
 سیه قندیال شرف طوعده سفا و کیم رو بر و شمس و قمر اولد که بر اید بوی
 خوابده طالع کج اصد که کوزه شمع صفت کاولد که یوز لطفیل و نزار بر بوی

سرو قد اولد ایلد بودم که شکر قدرت صفا بیزه قدر اندی بقدر بوی
 و لبر که به حالیتی طواف ایلیموه یک کوله نه قیاس اینه بکله بوی
 با و رنی صمیم کن کوزه کسی و اندر لم عرض یلدا قور اولد زلف بکیر
 و م و لدره و شوه بودم و شوره بنفسی حظه سیم اولد یه شور بوی

شوق

و لیه بو شعریا اولد قند و ریز و لیدر که آشنی اندی نیش
 یکله جانده شیلر کونیکلوا و شعل سنده لوه و نیکه لاه
 بر و ساز که و شب جانده لود کرم اولد بو اتیقل و تدی عود
 لسترب اد و صینه نینار قله عشاق و این پراه و و
 بوغ و زله نفی و کشتی بقلیه تن تنده جان جاده یا غشله ی

غزل دیگر

اتش غم جگر یانده اوی و ده ایل کفایت این بوم او شکر و شکر لایق
 بزم خوازه کوز کف بختین رخ اویام بر سن عین غذا بوی و بوی
 بیکله خار یلده بغیر و غنچه است و کینی شمع و زاکلیا یی لوه کار و غنچه
 و بهم قافه بودم لعل لیلی و در میل اسکن ای ساقه بیز جگر که خوانه سزا
 تشنه و بادیه و زققی بیال کبی کرب اه اگر حاصل جانغ اولم سو که و این سزا

شوق

بوغ و زله کور و کسیر بر فسوفه ایشی جانو جگر بولم سکو و
 نی کبی و در میا و زایه ایلد تبه بر تر شعر بنیام لیلد

و نوبه او حایست غم و فرقت زانده
 بقدر و کسرا سر صیانت او جفا
 بویک طوبی لیک کونر یک صفت طیک رضو
 یتو قلدی غم و زلفی کمال تارینی بر عطره
 حال ای حفر غنا به لایحه بود بر خیرت
 و امید سندی ساقی صورت و صفت زانده
 شعر بحر آه و سیم غم قند کار و بزم کبابه
 بنحوه بن زار او و کوه کوه شهابه و غنایه
 و امید سیم خالص او و بوم خیم و تانده
 وجودم فکلی ضماوه حوا و نه اضطرانده

بشوی

ببر شوره جوتنگ کتر از لیل
 هم کبی پیرم برنده قلدر جوش
 لکلیب بر غم لاهی رفوی پیر
 ده لایه و ب غدا امید ای و لیدر
 سن او نور کن بویل زار و ستهام
 فاذ حق صحتی شرط و وفا
 فی کبی بر غم اصلنی زار لیل
 نفر رده طوتی و هر ایکن خوش
 مانع اینر لولده اوله سوز طرب
 بزده غم زار هفت جلدی یله پیر
 صق بود رگم بین صحتی قورم
 سن ریسر و در غم بن پیر صفا

کوش ایدوب بونگه و اوج و
 جشم کبی اشک جشم ایدوب و
 عهد یاری و وقت او یل
 بز صفا جان بکوه نوش این وز
 باش او و بوز غز و تیل و
 صاغ اسندر ضما کالنه
 جوش کلدی موده اوله عشق و
 میده ای باغ صیانت و لاهی
 شرط غمزاری و غیرت اولیا
 کمال حال فراموش این وز
 میده کج غم کج ای شاه جهان
 لیک صبر تور موده از راه

لایب مالد لیک کتر جهاه
 جانوم موده لولین اشقوله صید
 یله جاده لولکته بهر غم ترک و دار
 لولقال لولسوه نکم اندکس رای
 ویده و این ای شهر فرخنده
 روز و شب استغفر قرا و کمل
 بنوم لیکه ترک زار لیل
 حاصله لیکه جاده و موده بقصه
 شمع اقبال ویر بکوه کبی نور
 بود رشده طیکه و بلقیس
 لطف ایدوب بیزه دیار و تالار
 جاذبه عکین دارب شام این وز
 اوج و زهر تور و تیغ و انتقام
 سین بو قوله لوزن ایدوب لوزن
 سر و لیکه و بوقصره و وفا
 جوه مسافر خانه و بیلد و کلاباد
 بالمشق جوه سکر و کلابا
 بالینی و یلکه لوله و کلو قید
 لولسوه از راه قلدر شهر یار
 رای و پیرار که در اشک کشتای
 نوبه کوه لیکه بزی لکلیب
 لیکه لولکم لایقیدی شانک
 خاطر و کبرکته و زار لیل
 ساکن لیکه و در و کفر لول
 حور لول و روشن غم و کده قور
 بالینی و لولوز فریاد و
 جکهای بالینی و کجای ایل
 اید اوله جبهه از راه این وز
 این وز بزم و عیش و
 قلدر لول و عیش و نوش و بار
 کم پیر که ایستدین طور و
 عاقیلسر اوله فکر و شوق و

و اوج و غم و و ایدوب پیر و سوار و
 ایل و لکلیب خالص جوه غم تور و کلابا
 شکر و کوفه کار و زار و و کجای و
 نوبه کوه لیکه بزی لکلیب

جو کیر و شهباز زرین باله مهر
شهر اجب قلعه پروانه سحر
طبله زرین تقارن کوندر بک
کیم ناک طالعده فرغور بیک
بیضه باز سفید صبا ده
طغی بر رخ کهر بر زریده
اسما صحنه و جولا ایلد
عشق طاد و سنی حیرانه ایلد
ارولیدوب اولدم فری و لایحه
کله بر قیغی و دیکش بهما
شاه خوابه شهر یار و دلیر
دل به غمخوار و پیر به بنفش کیر
یار بر یار و یار و یار
بی توقف اولد لر و چده سوار
دیور و دلازاج بر تو باله
روجه و جولا و اورب غنچه ایشاله
لغز و لایه و لایه و لایه
کدر و دیا و دشر و کوه سار
کوز و بوب اصی بومله راه
قلد بر کمال نو احسنی مقرر
ایلیوب بر صوفیانه اختیار
جانه و ولد و اوج اولر غدر
ایلدک مقصود و حاصل تمام
ایلمک بولطف یوز بیکر یال شتا
یتراشه که روز نشتر و زین سن
دشمنه بر بر رلوب کشی
ایلی ایوب بکوه غده خاض
بردی اولد صبا بکده و زام
رویا فرقه من و دور و زام
شهر اجب قلعه پروانه سحر
کیم ناک طالعده فرغور بیک
طغی بر رخ کهر بر زریده
عشق طاد و سنی حیرانه ایلد
کله بر قیغی و دیکش بهما
شاه خوابه شهر یار و دلیر
دل به غمخوار و پیر به بنفش کیر
یار بر یار و یار و یار
بی توقف اولد لر و چده سوار
دیور و دلازاج بر تو باله
روجه و جولا و اورب غنچه ایشاله
لغز و لایه و لایه و لایه
کدر و دیا و دشر و کوه سار
کوز و بوب اصی بومله راه
قلد بر کمال نو احسنی مقرر
ایلیوب بر صوفیانه اختیار
جانه و ولد و اوج اولر غدر
ایلدک مقصود و حاصل تمام
ایلمک بولطف یوز بیکر یال شتا
یتراشه که روز نشتر و زین سن
دشمنه بر بر رلوب کشی
ایلی ایوب بکوه غده خاض
بردی اولد صبا بکده و زام
رویا فرقه من و دور و زام

لطف ایوب بوجا ذیال این سر
دولت و سلیمان شاه این سر
لاهیجه بود در ره اندک کوش
بحر کوه زله طبع قلعه جوش
دیدیم ایضاً در عالم حبس
حار و کرم و و ضحیر که افشا
کافه رصان و و تدر طیکر
بنو جود و نفع و طیکر
یار لطفه طالعده کوشا
بند و غده حار و زام اولور
مدبر اولد کج حیدار که اولور
هولر لایه کاله یاکه اولور
تنم جانغ اولد و غنی بنم
وم و تقیر و سرانکنم
روم ایلم کلدک احیا ایلد
جانه اعجاز و سیما ایلد
اسما و ندکی و شاه اول سین
بند و غده کوه کوه زام اولر
هولر لایه کاله یاکه اولور
ماه قدک کوز و بوب و باله
قورم بن بن اعداکه اوز کرم
استدم طاکم کج ایلم بزم
کوه کبیر سن هر یکا صلد قیغی
دیدیم و اوج ایلم کرم سرام
یتراشه که نقل و زو و کج
جوانک بیزه یار و بزم بیکر
لایه کرم صورت و رای یار حایه
جانه صورت قید و روره صداء
کده انال قلعه و اوج ایلد
اوله نوا حیده طبت بر قیغی
سویلد یار کج و لایه سنی
دولت و سلیمان شاه این سر
بحر کوه زله طبع قلعه جوش
دیدیم ایضاً در عالم حبس
حار و کرم و و ضحیر که افشا
کافه رصان و و تدر طیکر
بنو جود و نفع و طیکر
یار لطفه طالعده کوشا
بند و غده حار و زام اولور
مدبر اولد کج حیدار که اولور
هولر لایه کاله یاکه اولور
تنم جانغ اولد و غنی بنم
وم و تقیر و سرانکنم
روم ایلم کلدک احیا ایلد
جانه اعجاز و سیما ایلد
اسما و ندکی و شاه اول سین
بند و غده کوه کوه زام اولر
هولر لایه کاله یاکه اولور
ماه قدک کوز و بوب و باله
قورم بن بن اعداکه اوز کرم
استدم طاکم کج ایلم بزم
کوه کبیر سن هر یکا صلد قیغی
دیدیم و اوج ایلم کرم سرام
یتراشه که نقل و زو و کج
جوانک بیزه یار و بزم بیکر
لایه کرم صورت و رای یار حایه
جانه صورت قید و روره صداء
کده انال قلعه و اوج ایلد
اوله نوا حیده طبت بر قیغی
سویلد یار کج و لایه سنی

صبر و صافی را بلیوب بر بر بیا
 که لاطاعه ای به نور و نامدار
 کلمه که بز بکاه و باله اید و طلب
 بهمتی و عانی که در قصد و فر
 بلش رولسوة نور ایدر کازار
 قانه جو قد و تشنه در شیر فر
 ات و زرافه که خشم اید بر کند
 ریلیب القصد بویوزمه کاهم
 کلمه یار جو و توت و یار خبر
 و آتکل که اولد و غن: شمشیر
 لیکه لولما غن و ما غنی بر غور
 و ولد که در نال ارجو جوقا سم و
 دوه و سنجاق اجب بر چشم کین
 صاه و رنده قوپد که کوهی اینین
 آتشین و ریابده بولام و ج
 کورده و اوج ایدر لیکه بر لور
 جلدی تیغ و قلدی و زنگ
 صن و رختساة اجنه کرمی اود
 خوش فیافه اتد که اولد تاشلی

ویدر مقصود بالکینه بهما
 ایتمز بر قدح ملک و کار و زار
 جنبیجوه قوشته و سار و سار
 ضمه کوز که شور شوره و قصد و فر
 ایدر ز کیک عالمی کلبینه دار
 مهنی بار لایه باه و سیر و فر
 شیر و جوقی ایدر ز اولد و سینه
 قلدی و اوج نوح ارسایه پیام
 اولد که غده حاطه زیر و زار
 خوف ایدر که مقدمه روز و زار
 لیکه لولما غن و ما غنی بر غور
 غرق ایدوب بولام و اوج ایدر
 و ضاعده ات ایا غنده زین
 کوش جوقی اولد که صاه و رطین
 ریوز که طده ایدر و جوق و جوق
 کلمه که کولکانه انا و ده قور
 ایدر لاختساة و ک شیرانه جند
 قانه کجاردنه و همان طده و
 لیکه کوزن سید اولد جان و سیر

اولدک تیغنه بر لیکم ایدر اب
 بر بکاه ذایر و ده عذر ابر و وار
 بر بکاه ده عمال قلدی و لیدر
 بر بنده اولدیکه جوقی ساله و فر
 لیکه لولما غن و ما غنی بر غور
 طباه اسایق جلدی که خنده و فر
 بلدی که و ابقلا و اربا شایق
 میدی اولد که لیس و خوار و زار
 باید آرزو ملزوب که قلع و بنج
 جوق که حلال میدی زور اولدک تیغنه
 لیکه که اولد که جوقی ایدر و کج
 سر که که افسر که کمر و زار
 رو که عمر و صحتی قید و عیش
 بیله دیوب سیاه مانند اتد و خیز
 شاه و ده بر قوی و ده وار و ک
 کافیده ایدی انتو و زنگ
 لیکه لولما غن و ما غنی بر غور
 ایدر لیکه کولکانه انا و ده قور
 ایدر لاختساة و ک شیرانه جند
 قانه کجاردنه و همان طده و
 لیکه کوزن سید اولد جان و سیر

خشم و ده قلدی تیغ و زار
 صاه کشفه الی تیغ و زنگار
 بر بکاه ده و ایدر و بیا که سیر
 کور شمشیر لیکه کمر و زار
 لیکن ایدر شمشیر ایدر و بنجام
 خاطره و یرانو جان و یرفور
 اولد که نوشی سلطان جانینه نیش
 خوبد را و کج ایدم بوش و زار
 طالع بر کشته و بوم و بنج
 جوق که حلال میدی زور اولدک تیغنه
 کج و ده و ده و ده و ده و ده
 بر و ده و ده و ده و ده و ده
 جوق و قنده ایدر که و عیش
 طده و ده و ده و ده و ده و ده
 شهر یار و ده و ده و ده و ده و ده
 لیکه کوزن صحتی ایدر و ده و ده
 با و اسباب و طوری و عیش
 و ایدر ایدر و ده و ده و ده و ده
 لیکه کوزن صحتی ایدر و ده و ده

ایر و یا باب بر کوه چمن سحر
 ریدوب لنتوه نون استقبال تام
 سورمه حالین سیدی سر جمال نور
 مدیدی لنتوه ایه شالی بر کشته بخت
 جوه مکرر برقرار او کشته نور
 تاج و کت و کتور بکوه غنیمت
 جوه کورنیه مکرر نمر جوغ و اولو
 طونام بر ایگه کوه طایکل جام
 عترتوبام یاکو کملک رام قیام
 ایل و احوال و ابقه پیام
 چونکه بن لکام میرب غزم ایلیم
 سام اوورسم و اسی سر سام ایلیم
 بویل و یلیب بزم ساغاندیل
 این قالدیه نوز و لنتوه غنیمت
 و لایق شهر یار کنش کیم صبحم خوار بها هنده سر کتورب
 غزم میله لید جاک نوز با بکار مده اکر کور بیو بر جانی
 ملاویزی زندانده خالص لیدب عیش و نوش لیدر کن
 لنتوه و تورین لکام جو لیدر لکامی دفعه کار و زار اندک
 شرفه جنگی نوش قلد و شال جابه زر بخت کیده طایغ و طلال

کتدی ظلمت طوله عالج نورل
 بقلنوب ساز و سلب اولدی روه
 کور و ر یوق حیل و شمنه اثر
 بلدی بربیم لولب اوله حالکا
 اولیب و آویق بقصدیم ککام
 یوریدی شهر روزن بتغی قهریام
 شهر قومی بلیب لحوایه تمام
 ریدوب استقبالجوه ترتیب خاص
 لیلیب اوله عاشق زار و شیفو
 کالنی سر ضیال ایدوب تقطیمیا
 قویوب یابینه بیکر و بوتاقاش
 ایلدیل اولقد لنتوه نثار
 بهمانی کور و کرم شاهمی بختیار
 قشوق لایب لویده قوصده غلده
 اور و بن بلکنه قی یابینه باش
 مدیده ایه سر ضیال شاهماذ جهماذ
 روشن اندک دیوم قی ایرب یوزکه
 کیمه تور اندک بهکا به حد غدا
 طور دی و آویق حاطه سرور
 تا قالدیه نوز یاکو و کار و زار
 الد لرتفتیش ایدوب لیلده خیر
 غزم وریا بار لیدوب لنتوش زار
 اتمده کوش ایلیموب سر بیجا کاکا
 صولبت شاهن کور و نثریام
 کلدیل برین زار و دستهام
 بهمانی زندانده لندی خالص
 مدیده بزم یوز جانده بطوع
 شاه قشوق جقدیل کاکا بیلیم
 اور و زار قی قلد و نریه بیلیم
 یریوز لولدی فکر و ش زنگار
 بام یا سنده ایلیم بی اختیار
 قومی شهر و که صب یون کمر طفلیه
 اویدیه شاهماک مستغنی اقدی باش
 اتمده بن زار بی و له ترکه حابه
 صاغ اسن کور و م کیمه الله یوزکه
 لیکان بحر کده بکدم اصطرلاب

نیش و غم و صلکله نوش اولدی
 حصه یوز بیکل منت و سکر و ثنا
 د لیدر که جانی هیچ اتمه یام
 ایندی لسته روین اشدیل
 ال اورب بلانی کتورده حالده
 بصدی بفرینه طب جانی کبی
 خلده یوز بیکرم و دخت برک
 جوده کور شمش اشقیده دیده
 اولدی که خونک بونکله فرین
 اتمیوب تور که سر این اختیار
 عاز لیدر هده خانه سده سرفراز
 ایلمشده بلانی زنده صیغه
 کلسوه لیکوه جان قوت جی صاف
 بنم بونار ایلد یار عیش و نوش
 یلین اولده باصه رعنبر سرشت
 یلین مطا با تفنی ایلدی
 جو خ کرده یلین هر و لهورب
 اور و رشتا و روه افرا یکه
 آستین و هر لایته لاسرود
 اول بالدر چله خوش اولدی
 و صاه دیده جلد اولد برنج غنا
 برمانی کور و کمن صحبت رله شام
 کند و زنده کندی قلدی رنگ لاله
 تالار لاند و بسینه صد چاکله
 سینده یی لایته لایلی فی کبی
 باش اوروب پائیده جوق رفیر
 قور و نور برنجه عالی بارگاه
 یسین اندی میسین جو خ برین
 لندک شوکت برلم قوندک شهر بار
 اشیان زار غه قونم شاهی باز
 نده اولمشده تنی غایت کفیف
 عشرت افرده لندک شاهی پایا
 هر رخت لاره جاکر لر خوش
 خور خور ایدک فی سن کاشت
 یلین نای و جگنوم فار سولیدر
 رقص قلدی سر و دجی لوط
 عالمی ایلکده ایلکده و هه هه
 سینده لیدی فی جاکر ریقده غم

نوله حاکه اولد هسب زار هسکم
 بنی اولدر کج لاقن قانع
 اژده بر شرار اولور اهرم
 بله تر یاکن لجه لایم
 لایق جوده یولایه قوشده باش
 برهم اوج جها فخر لایل
 تله طفیانه یور و زکار صقن
میزبان سر از که سوز و ساز
مبتدا اولون قوت یوزنده
عمد و قار و غم دیار لندکیر
یوزنده نفق انداز و اقش باز
وجود و زبونه و کرافتار
 میزبان جوده اولد نفی مکلده
 میدی ای سر و فقره خوبانی مهر
 نادر عشق بر لایته که بنی
 سیاه اشک غرق ویردی جانی
 جوده جاز بلیم عشق کجا
 کوز این کند و مولا ش لرد کاک
 هر نه کج سن جاده ایدر و لنده قرام
 شاه مدرفالقی لرض و سما
 ارمه شرد که قورار صقن
 اعنم لافالک ابر و ار صقن
 صوغه زلفی زهر یار صقن
 عاقبت فکره لایتم وار صقن
 تله طفیانه یور و زکار صقن
 ارمه شرد که قورار صقن
 اعنم لافالک ابر و ار صقن
 صوغه زلفی زهر یار صقن
 عاقبت فکره لایتم وار صقن
 تله طفیانه یور و زکار صقن
 میزبان جوده اولد نفی مکلده
 میدی ای سر و فقره خوبانی مهر
 نادر عشق بر لایته که بنی
 سیاه اشک غرق ویردی جانی
 جوده جاز بلیم عشق کجا
 کوز این کند و مولا ش لرد کاک
 هر نه کج سن جاده ایدر و لنده قرام
 شاه مدرفالقی لرض و سما
 کوه یوز کدر جان جام خوق ثنا

کشته دلده بچال نفسانی غرض
 ایدم صدقه اکار و حای غرض
 طایک بن بعد از خود را چشم
 قاهر و ولدی نقی در ایشم
 سن و نور بلخ اچ ملک شاه اوکو
 کشت ایدم بن مهره حاکم راه اوکو
 نور و انقوه طشده ایلر صهار
 رهنین تنقار ایدم نار و بار
 کوهی زنده ایلیر دریای و ام
 قید بند ایدم قلم اشین تمام
 هر نفسی رو یوب قرینم عوده رب
 جانوده بیوند ذ اولم سبیر
 روز و شب رتد کچ شریش و بدم
 عشق نوش این کر زوقیاد جام
 دیده عذر اباش اورب ایشی یار
 سلطنت کشتیم اولقار بایدار
 نیت کج دنیا ما سین قدر یار شاه
 صق یوزیکه منت ایه شاه کریم
 نظر به لطف لایهیش طیکه
 حاکم یاکیده بکوه اولدر در راه
 و به طایک بن دستورده نصر
 مصره سلطانه ایدوب قوه کوه خصور
 ملک تن پادشاه جاده اکار
 سن او تو کشتیم اولوب حکم راه
 باغبانه ایتیرم ایدم فقط باغ
 کر رعیت برور و ملزم شاه
 قلم کشتیم سلطانه ایتام
 کر و نید و ندر فرید و ندر تمام

یای جو کیم هر نفس سرور انداد
 یایه سریرم اولمز برقرار
 حاکم و ش تو بنی بر باد اولم
 یخکی بر راه و فریاد اولم
 بین ارام و نوجاندر حال
 صبر و یوقدر تن بر ساعت حال
 همه ایدم اعداده اوب انتقام
 این و ز مقصود و بر غنی و ام
 د این مقصود جو کیم این کس
 لطف و مهر که اولسر دریای است
 جانوده لده بغلیب خدمت بیا
 بن حقر بن و ش خدمت بیا
 پس بو عهد او کتیده بیر اندیاد
 قلوب اوله کوه عیش و بشیر اندیاد
 جوه سحر افاق بر نور ایلدی
 یریوزده نور یار اهور ایلدی
 زور تیغ خورشید مقدس باد باه
 باشلده جلقنفا کو تو مکاه
 اینر باه عذر ایل ایدوب و داء
 کله و کچ یولنه کتیده بی نزار
 کاهو عذر اقلب اوله یکه زار
 یار ز رفینه و یغ اورم یار
 یو یکه انقوه نور کینا بهار
 ساحل عیانه بر کوه ایدم یار
 بر ناله غده ینوب یا قلده یار
 کتیده بر یو کوه لیا و نهار
 قینیب دریام بنده قلدر جوش
 سیاه موج ایدوب سملده تاشماک
 کتیده یلکن لوصو بر هند کسره
 یلده ارتق قانامد ایل ویره

بام یاتب بحر ارام لیلدی
 کورم در کیم هند و طوغریش کیم
 اندر ناجار عزم بکیم هند
 ایچ طوغریش بکیم لفظ اندازر
 هر برنگه کیم کیمی روی منیر
 بکیم سی لاش برست و هر سوز
 ایرد کشتی سرب جوینق یقین
 بلدی انتوه کیم کمال فکر کینر
 ایلیم هند بار لاش بر جتک
 اصله هند اوله فتحی اوله خاد کام
 تورو انتونک اوله بویلمه بند
 بلدیله اوله آیلسمن سترایر
هندیله انتونی توری وار و طوغریش و نار و جلال و
بعین خاکسار انده صکک و ایل و نفکار
افارده طن ایدت ابراهیم وار او و ایچ جمع اوم
اکا بر و سالدم و کاشن حینت بقام اولدوغیند
 م هر کیم بر کونیکلو سوزده لیلد
 جوه نطف اولده هندیه تمام
 حق در بر و سنی زینیا شاه
 اژده ری ایل و جیب دام بکیم
 بیر کن بیک اولدی جاده و در و غن
 ناکه کاه کورنده برقی فلک هند
 حو انوغارت کورسریان لر
 ایچم این اتشین قارورده کیر
 ۲۹۰ بر ایچم کیمی عالم دوز
 جتک لیلدوب بحر ایچم قلدیل اقاین
 اورده ای اوله ناجار تیر و تیر
 قلدیل و رایونده انتون کشت
 بنه چکده هر بر اوله قلدیل تمام
 کلدیل خور حقیق استمند
 دیدیل بونار سترایر و آرد
 بیله قلش نفیله و در و در
 سر در زور قارنی صبح و شام
 هر بر یو فارغ ده و درم نهاده

لیلدیله فیلتی بر کیم بقام
 ضدله عومیده لاشجاری ایل
 جوه لیلدوب لولاند و در عظام
 سیه کوطون لیلیت بکیم بکیم
 مید لرم و لاسا قار لولکه بری
 نایه یاقوب تشارین نور این لوم
 م لکه اتوارده بولسوه غدا
 یس صلیله اوله قوی بر اوده هر
 جانایین و رویله کیم یاه اندر
 وار لیلدوب لنتوه و توره ستر
 کاره ضما مکافات اولیای
 افوکه ای لیل شرا نیش قاه
 و لاند و هر بکیم و هر نقد سکا
 اقا ایل و ایردی نوبه و ایل
 عشق او و یی نقشه ایل شیل پاک
 دیدی که قند و در بوجانه تر
 بخر بوجیم یا تیدم ایل
 جو کیم عشق ایش ایل جاده بند
 عوم و خام ایلد و اشکین بر لور
 ایل کوشر حایک ایلد و اشک تمام
 جلد و لور و سیده لاشجاری اولک
 یقیدیل بر لاشی کرم و ده فرام
 خراب و لور کاه نور سوم و نیل
 و در و غنده جلد اولسون بکیم
 لکه کرم و چوقی نور این لوم
 هر بر یو و در و شیلی اولسوه ند
 ایرد و ده کوه کاه و در و تفر
 تشارین و در و یلدر یاه اندر
 لاش اورده قلدیل بوفه خوه
 خیر و رصافه شش افان اولیا
 لطف و اصلا نیل خیریه بلش قاه
 یرو کوه سر جلد و در و قدر سکا
 اول جاکده او و غنیش علقه
 ایلده اوله نارده برفه پاک
 بکیم او کیم او و یان بکیم
 و قید کیم یا بکیم یوندم ایل
 جلد او لور او و و شیل بکیم
 در بر غیش یا بکیم ایل او لور

سرسریان را و لیج تن هیا
 مایه که کوینا لیه ابرو را
 لشم بو شوقیل جانن لشم
 پس ضلیله این اوفی لانیام
 بید کتیدی صاکه او یون برجه او
 لشم بر هوینا لشم ضرر
 بو مقور و ربه بقدر کما
 ناره سویندر سطلی و و وین
 عشق اکسری بگر اکسری و و
 کورن ایهله هند لوله حایه اولد لاله
 مصیقه لولفین بو و و صاف
 چلگین یلار و و راز کر بتن
 جسمی جانو جانیه نور لولشم
 پس اورب اولد قوم ایلک پایش
 قهریز بتن یوز سن یام شاه
 ساک بزمه بو قدر بهر خضر
 پس ایدوب اولد قوه و این خیر
 طالب یار اولده ینی ورم یار
 راه و و راه ایلده غم و غم

او ورم حاکم م یامه صبا
 اغلیب عرض این عالم زار و زار
 آتش رولده کشتیه اولد لشم
 قلده اولد ناریه لکابرده سالم
 قالمده عالم یوزنم فتح و و و
 بولدی او و و و جسمی با و جانیه
 نور و راز کشته زری خالص زیاده
 بولده و حایق نوز لایقین
 ظاهر و باطن بر تاثیر و و و
 وید یار بو حالدر کیم روز که حال
 لطف ایدوب مصیقه و قلده و و
 حاصله لیتش و لیا و شرتین
 نور حقه بر مصور و و و و
 ایلدی یار حاکم او کنه چهره و و
 اسکر و و و و و و و و و و
 قنم لستر سک بودم ایتکال کرر
 کوه و و و و و و و و و و و و
 چشم خونبار و و و و و و و و
 کجه و و و و و و و و و و و و

تا بستر اولینم و صله یار یار
 عشق حایه بر عبر و بر عبر
 صند یورده ییانه و این جگر
 مکه حالدر لایق عذر لکال میع
 عذر ایند بلکن و و لیز و و لیز و و لیز
 خیار ایدوب طالب یار اولد و عین و و و و و و
 ایل کار و زار و کبر و و و و و و و و و و و و

ریلین بود استاناک شر صنی
 ایلک طوسکاه شهر یاره وینر یاره
 قلده عذر ایلک بر فکوه مقام
 بعد از لوله کشته یراغن کور و و و
 چکمه لر غنیمت بد کرم و و و و و و
 لاله بود کلور لنتونده خبر
 یلده یار نیت لوله و و و و و و
 صورده لهر ییله و ایتقه پیام
 ویرمه بر کیم اولد جانده نشانه
 کشت ایدر کن ییلد بر کوه اتفاق
 ایلش بر چشمه سار او شمن وطن
 ییبرمه بر خواجہ شهر و و و و و و

عاشق لکون یوق صرد قرار
 سوز و جانو خیرت و و و و و و و و
 کشته و عشق لکون جگر
 کشته و قهره بود و و و و و و و و
 بیله قلش و و و و و و و و و و و و
 روله و و و و و و و و و و و و
 و ایتکال و و و و و و و و و و و و
 ییلد غریب و و و و و و و و و و و و
 انشال و و و و و و و و و و و و و و
 کیم و و و و و و و و و و و و و و و و
 ییبرمه بر یوزمه و و و و و و و و و و
 قلده ییله و و و و و و و و و و و و
 عالم کشت ایدر کشته کشفه
 کور و و و و و و و و و و و و و و
 مجلس تیار قوی و و و و و و و و
 و و و و و و و و و و و و و و و و

لاله غدر کوریکه از لاله
 وار و بن لطیفه ویرم یار ساکرم
 مید یار بلکه صحن تجاری بوز
 مید غدر ای جهاه مهر لری
 شوله صفی و بر جوی نامدار
 شیرمه فرشت طلع صحن
 امه و امه کنده مصروف جهاه
 کورمه و کوزی با اشتی اول سر
 مید یار جوق سیر ایلد که جوق
 از تو فرادینا غنید صحن و زمین
 کوز و یار و یولده اش اول سر
 این هم بهر بهر تفتیش و کوزین
 بوسور روزی ریلیب کند قرار
 جوقه نیم صمد رورمه نفس
 جلدی اینج و نش قطاره سارابه
 لاله غدر امه فی کریانوزار
 کار باه یا بنی و و شب کند یار
 کور و ریر و غدره به بد
 هر یکا ابر و راره کوشه شمال
 شام رولت بر یان کلین جانگ
 مید ر کلا سترایه قوی کرارم
 طو تشر و ر شده راه صحن بوز
 روز و شب سیر ایلن بوز و بر
 قهر و در انده و خوه جان زار
 ۹۰ لاله پایشنی اه و انین
 لطف و جوم نده فجلد یار و کاه
 یا انکله صحن اتش اول سر
 کورمده بورسم شاهن ناوور
 و امه امین سنده اشتد که امین
 فجلد تیلو کوز بول سر
 یا نشانین بول سر یا کنه و زین
 تید یار رولده چشم سارا و تشر
 کوجده حمله قلعه غفلت رور
 غم راه اتدی سحرده کار باه
 و لندیر و و رای و پیری ها کسار
 بر سحر صدی هند و تید یار
 صحنی اولش مرتی جده ۹۱
 کورمه صحن روین ایلر با نیال

ملس

سب و بنار بخ و لیموه و انار
 کار باه کورم کم لوله و بر
 اولیفوه جانومه لده پر و ۹۲
 صحن اسبان جو بر کام اتد ل
 حاطه تجار جوقه لوله پنی یار
 اکمه که کج شاه شام اید و بر
 می یونظلی اغده اجب صحن و
 واریده لوله بر صحن بر عای صفا
 نیمه امه لوصک و صحن بیاده
 اغ و جوق طاشی با تندی
 می یو کوزده قو کالی صحن
 فخره جندة یورمه و ۹۳
 شیر و بر و رنده ایدت رایی
 کار با تده جو کیم الد یار صحن
 لاجومه سراسر قالمقوب کار باه
 یو ف اولش تیر لده فقه باز
 لاله غدر او پیر و لندیر
 نوه اورب یورنده طور یار
 شیل طلعه میار لشو و بر
 سیر کورده لجم و ار او ششار
 قونون خوش قور و ر چاه
 لاله کبی لشد کلکس قده ۹۴
 لاله غدر اید ابرام اتد یار
 ایلد یار بر ایکه جام رختیار
 سر کوه لوله صحن رایت نور
 ابر این قیلد لافایه و و
 قلعه یکرده و کبی اینج مدار
 کتله و صحن بر جی هم ز باه
 شب کبی طوش و رو و زنگار
 روز شب خونیلفید سیر
 یوز رنده قلب مهر و بهاد داغ
 قوش او و زرمه اوله برده اید
 قلعه و صحن شیشه اتد ل
 کورمه رسیال باله طوش جهاه
 هر یکا لوزی قلیار بر و و ار
 کور جاک بو حای قلعه یار نفیر
 تیغ و تیر و کن الاله اورمه
 یوزنده فقه کور و ۹۵

۱۰۹ سینه نقش ریدوب تراشید
 عقد روزه و شش ماهه را بشمار
 بقلبه کاغذ غبره کرده
 صن بولته کیده کوزه شکن زره
 و لیزر و ریخ عریاضه ایتد
 کاشک بغونی ریاضه ارتید لر
 عقد که اکند و جوهر جاهد سی
 بیرکن بیکی اولده غم هفتکاسی
 جوهر بو جوهر یار کورده او یو
 کور لب قوریده نهامنده غریو
 سیال شهوده سونیده نار قهر
 یسای نفسانه قویب عرض اندک مار
 ویدک بوزار زمار ایش ایوه ریخ
 ایکوز بر ایکه کوزه تلخ و تیغ
 حبس ایدو که تفتیش اولسون هر یک
 کتد و رکاز تیر و رکشوری
 تناره قلش و اختینه جاده
 جانار و سوزی و تاپوت و اده
 قید و بند ریدوب فلک حکم عالم
 قالمسوه بر اسر و دافق اختیار
 صحت ایدوب قاور و لسنوای سون
 هر بریه حالین عرض اتوه بین
 خالنه لایق و راست و یح لم
 بیله دیوب کند و قلده غم عش
 اندر لوله جانار و کوه نوشی نش
 اور و در هر برینه بند و کراره
 قلدیل بریتد زنداره اکاه
 نیخ زنداره فیه هزضه بده
 حال عقد و عاصیانیه حال
 دوشه ماه ایچند اولار و سیاه
 ابرم خورشید عفونته بناد
 هر نفس و دم بخاری جان و داف
 روز شب یا قهر هفتده و ارغ
 مهر حقه قونکشی بیرو که
 اولسوه اوله بر یکاه کافز که
 از و باکره و مردم خوار
 قیرغی اوزنه کاشی بار و

گنج ریشکای رسد کاهن و در
 جانوده بار و تین چاهی و در
 بکوز اندند عدم بلکه یوله
 کج وجود رها بختی کج ایله لوله
 جوده ریاضه خانه و اوله جاتار
 کلک انده بولسا سوار و وار
 ریشکای شاهی صلیه و عذر او و لیدر
 قصه ایدو که
 عذر اهل صلیه و نکی سینه بر ایش
 کلون بونی قوه
 و کند و زنه سر کوه قلده و عیدر
 و صلیه و نکی زانده
 صلیه و نوشی برینه کلون خشم او و
 و باغ بر و
 ایلد عذر او و لیدر
 قولار ندنه وار ایدو که
 آه کج گوده بک بد مار و در
 نوشی نشو لطف و زور و قهر و در
 هر نفس ایله کلک برین خار
 غمده ایله غم نکی کوکلینی طار
 داف او رب بونی و ده کوه لاله لالی
 بقدر شبنم و شش اشک زاله لالی
 مهر و ما صلیه یح لایق جان و
 صلیه و شاکه صلیه صلیه و کانی
 بر نهایی سهران و لطفیل
 دوشر طرار غم ماد و غنیل
 یا قین نایکه و رونن او و ل
 ریکدر هر دم غم و صلیه
 کاه ایدر بروح سن کریاضه غم
 نیخ کریاضه سر سر بریاضه غم
 کاه ایدر تا و اور غم با ماه قهر
 قهر و گنج و سر اسر حال و مهر
 طشیل و و کب ایدر ایدر
 باده جانده بلدر بیدر ایدر
 فوه ایدر بوفه انار که و صلیه
 زار ایدر ایوانی روی زره و
 آه کج بر لطفیل
 سیک قهر و وار
 ایدر کج با زهری کج زهری وار

انجمنی کفنه متعاسی پر کدر
 قنیه کج شهید اوله مدد بر یکس
 مرده و کفنه در راه هم دم
 انو کجوه سخن او اندر بوارو
 قله نظر باغ ابرو کبک ابله
 وقت پرواز اوله انده خوار و لور
 حال عالم را در به عبرت بتر
 لایق بر بند و حکمت در به راه
 کج کوکله کوش ایدنا قصیدی
 جو کج جس اولندی اوله بشناید
 شام و درم و کفنه اید کفنه
 بر کوه ایدوب صله هاله اوله اوله
 جوه سرفه کرم الله اید و نید
 یو کرب زندان حاجب ایدین
 شامز و یل سزی از اوله ایدین
 سیز و قی پوزر سورب اید که وعا
 با حقه بوش اسری بند
 اوله زبانیک اید و بر تمام
 صله هاله کور و کرم جائه اوله
 برو فاکتر سیوز بیک جور اید
 از اوله لور لب روانه به خار و خن
 اوم اوله کج افه در و درم
 فوختی کفنه درم کوه کوه
 ایل او ازین زانک قیقه
 دست شاهنده و مام زار و لور
 بر نفس فاکه رجا حضرت بتر
 سویله عذر ایلانته کیم هاله
 قصه نه لایب الار قصیدی
 قالدرو و هفته کجس اوج زار
 و نالنده بدتر ایدی کناری
 صحره و فک شاه و کرم الله
 کمانر که اوله بن اسری بی ستر
 وید یار و وسف اوله ایدین
 بو کج عفو ایلوبن شام ایدین
 لیس الانسافه الا ساسی
 قید و غم زنجیری کفنه
 الد یار کله یار ایدوب کفنه
 کسرت قویضی عذر لور و لور

میدی الکه بنده اوله اید زنگی
 ویر کوز نوش ایلوه بر قی قد
 جو کج سیراب اید جاده باغی شراب
 الب اوله و لور و کوه بنده هاله
 بلده عذر اقصه اوله ایدین
 میدی سیر بنخ فوختی ده شراب
 ایلور زهر اوله دست یارده
 میدی سرکش لکه اید سر و قو
 میدی بنده اتمه جاذ اید کمال
 میدی رکنده سوف کفنه و قی
 میدی رونی ایل قهری شاهنده
 میدی رتی ویر کفنه کجا
 میدی و صلته و شش اید ترک
 میدی لور که اید فضا صر سوزنی
 میدی لور و لعل عطاس بر لور
 میدی لور ایلر سنی باغی سراسر
 میدی لور یا شوق ایلر سن حضور
 میدی لور جبریل لور و وصل یوله
 ایش و بوسوز لور و یواس
 قله او لور کج و قی و اسی رهنرنگی
 جاده و قی حاطریه اوله سوزنی
 ویر لور کج کجی رکنین جوان
 صوت در ز جاده لعل روانه
 جان و لور ایلوبن اید و این
 اسگر نه دم صو زیا قوت ناب
 اب صولده لور ز اغیار و ده
 شاه لور کج اید و ش او کاکرو
 یارده غیر کج یار اید کمال
 وید یار کج هاله و رز و قی کجین
 وید یار فوختی سنج الله ده
 وید یار هاله و قی و کفنه کجا
 وید یار کج یکدرا انده با کور که
 وید یار سیر لور کج قی صر یوزین
 وید یار کج طویم لقاسنه تمام
 وید یار زانک سنی اید و اوله
 وید یار اوله و لور و لور
 وید یار یوز بیک یار اوله و لور
 خشم ایدوب اورده هاله و نیده

میده یوساچی بیکه گشته رآه
 بولدوغن سوپرا و به ایتز نگاه
 خدمت هلد بلب خوش بلمر
 حانی اکبر بر خوش آمد سویمز
 بن رعایت ایدرم قلزم قبول
 اوشن حال کور سوفا ایدم ببول
 جلدی اتش بار بر شش تیز
 اولدی صرصر و شش پرند تیز
 طولدی لبس ایلی و یام و ففاده
 م ترمه صحنی زمین و رستمه
 م یلدیکم این اوله با صی ه یتم
 لعل میگوینده لند جایه خوش
 صمدی تیغ و غنچه سی جانین بیتم
 زلفیکان بندینه بقلندگی
 چشم بستن کورده کنده صر و بوش
 تیفنی ارباب لند موندی قول
 اگرک باش اندرب و یتمز باکی
 این لعلی شربتینه نوش عام
 تامل را غوش ایلیه عذرای اول
 کله عذرا لند اولی بر شمشیر
 آگه و صلتده و لده اوزن کام
 بنوی قان اولدی اغرنده رده
 کم اعلقه مین لوله دیوه است
 طولم اغرنی قان اکل اولمرب
 از قلندیکم و یج ورم یاه جاده
 قلمه لولدکی شفقه طاش
 قولده لوله کلبک ایتدیار غوی
 هر بکاده صحر کبرخ دیو
 غیرن ایدوب اوله نگاره نده جاده
 قلمه بفرده جو غنک شیل قان
 اید کورده نعل اوردی و لندیر
 اولده رستمه فکال لا نظیر
 و لبره افرا و شب بند ایتدیار
 صحنی صربله کر شنه ایتدیار
 قان غرق ایتدیار اوله نازک تن
 جلدیار زنجیر وستی کرم نن
 و لندری و ایلی ایدوب غرق قوه
 بقلب ضرب ایتد رفته بروه
 بقلب ضرب ایتد رفته بروه

بر ناندن سو نش کله یهلمه
 چشم اودونده جوش کلدی یهلمه
 اوریدوب اوله بد فعال ذابکار
 ویدی و کسونه و یتم ارج و دار
 قولنده هر بره دار ایلکوز
 ه لاده قوه جانلده زار ایلکوز
 چونکه سیر ز ایل بر لنده طوب
 هر بر بند کونم یوز کرل اودل
 بو غدا بیل و رب سر حال جاده
 ال غرت سیر ایدوب خلق جهاده
 لند لقصه اوله قرا اشاره
 مور و ونک سرتال فنبشده
 م یوضوا لودی قلور سردار
 خور و خارده ایدر سردار قمار

عذرای و لفقار و اوزرند زاری و این و زیار
وضین ایلیم یسارت و نیر اندن سوفا و لدا و درو
نیازله استعدا و اند و کیدر اخوالا و خلیل این ای
لا احب الا فیلین و یب و رکاهن عظیم قعه و ضباب کریم
مطابق یوز رور و ب تقرو و و عا و جانده ثاقده و عید
 زنگی شب عرض ایدب بنیر حال
 لیده عالم مانع ایدوب قان شال
 جهرن یه ایلیم یورند و مویل
 سینه سی بندیه سهر و که اول
 قطب ایدوب سیرده حال روزگار
 قلمشده و ال و حیرانه زار
 بقلب و را و نغ روز سفید
 بنیر کره کنش لولشیدی بدید
 روی عالمده اژده زهر قمار
 غصه و ریاسینه بانمشدی سهر
 شویلا اولمشدی فلکهار تیغ جاده
 ه سیرمدی کورکده ملکهار الا باه
 ورم و غم بار با که و ایدب بجوم
 غصه و کولم کیشم و یجوم

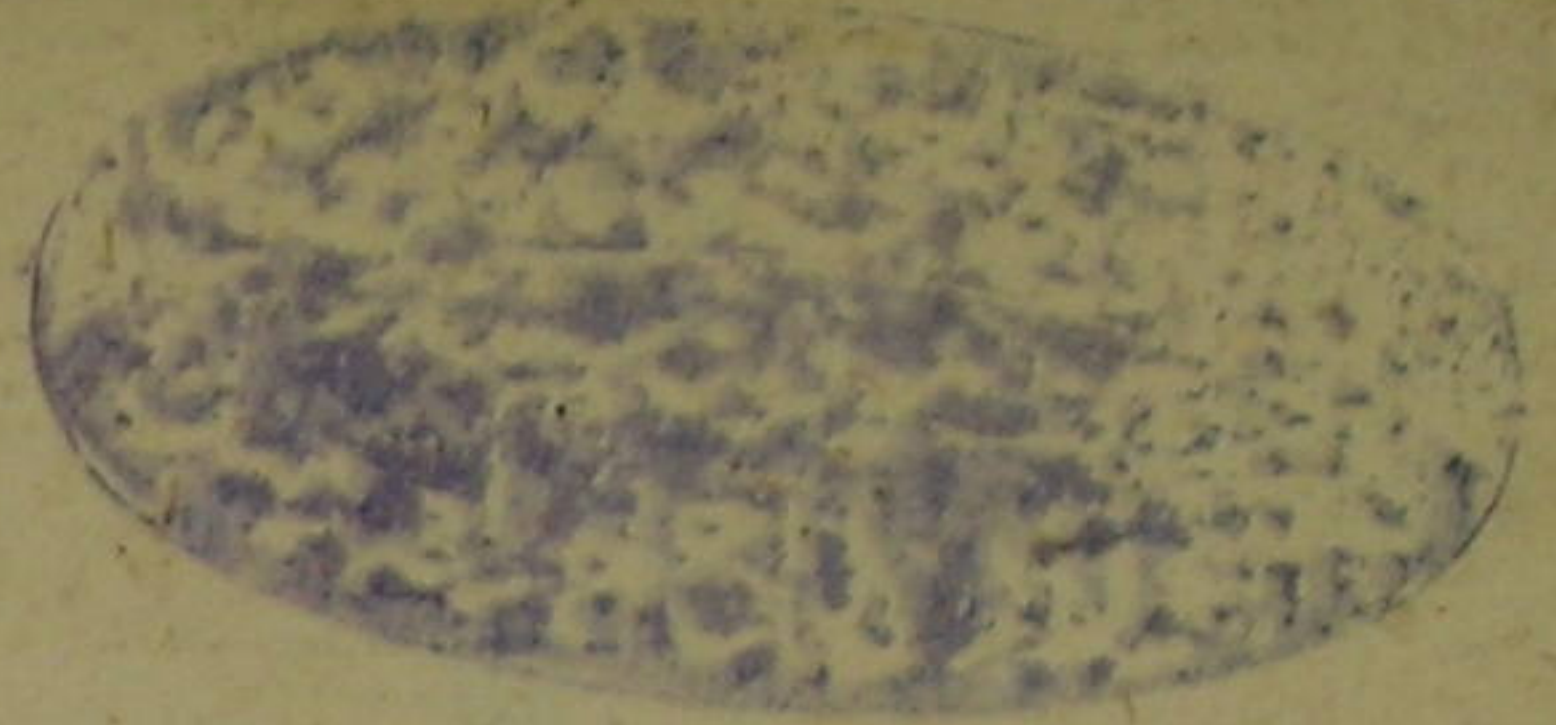
قوم ووز و کس یان هر نطه
 و غ شب حیرا تیب فریاد و صبح
 جو یار سن قلیب اغار میده قافه
 کوشکیر اولمشده بو غده خوس
 عالی عذر ایتموه اولوب غم زده
 بو غنجه ییر و کوه قافه اغلش
 سیر لیدوب بو عالی دورانده نکار
 بلمشده وار حنجه ورجها ده
 اغلامه زو و قهره و آرمه
 لور میب هر و وفاده کسم
 ویده بلسم تولد که افوا که پکار
 بکوز انداجه که بنی ماکه اتمه بن
 هر و کاک شمش ایدب عالم فوز
 بلمم ندم سکاف نا تو زده
 قن کندی هر و که ای روشن ضمیر
 وده مکلده بر قرار کوند بکا
 جو خ جقش وده لیمه نیم
 ایدر یکیز بیلاه و رانید قالد
 اوده لور و یرو ایسه اسماء
 خوفده و بر نیزی باه صبح
 جکشیده و بیده لور و روره
 بقریده خوفده او لور کوس
 بکوز لور و لشدی هر ماه با تم زده
 هر نیش باه بوفه طفلش
 ایدر ییده اکه ایدب جانده نکار
 ویریده سنده مدم یا مستفا
 اغار ییده کفر قه و لدار و ده
 کوروم و و تده جهانه مرم و غم
 که طیکل عوض ایلز بر زح مهر
 کرم جسمه و کله یا که اتمه بن
 ایلزنی وم ویرب اظهار روز
 کم بکا هر دم قلور سن قصه جاده
 کونارم و ده ایلب قلده اسیر
 بسته دلفه طالو و ندر بکا
 صورتی کنه سیاهه نیم
 ایدر یکیز جوف و غم و ده حاله
 اوده لور و یرو ایسه اسماء
 خوفده و بر نیزی باه صبح
 جکشیده و بیده لور و روره
 بقریده خوفده او لور کوس
 بکوز لور و لشدی هر ماه با تم زده
 هر نیش باه بوفه طفلش
 ایدر ییده اکه ایدب جانده نکار
 ویریده سنده مدم یا مستفا
 اغار ییده کفر قه و لدار و ده
 کوروم و و تده جهانه مرم و غم
 که طیکل عوض ایلز بر زح مهر
 کرم جسمه و کله یا که اتمه بن
 ایلزنی وم ویرب اظهار روز
 کم بکا هر دم قلور سن قصه جاده
 کونارم و ده ایلب قلده اسیر
 بسته دلفه طالو و ندر بکا
 صورتی کنه سیاهه نیم
 ایدر یکیز جوف و غم و ده حاله

رو صاف ستارات ابتدا بصفه ماه

جقدی ایدر یکیز فلکده بر جواره
 هر عقده کرم طولش کوهال نور
 کور جاک عذر او جاده بر ماه ده
 میده ای جرشده یوزی صفا
 هر قن ایدر یکیز غم باس ایدر
 قاشک ر حری نویدی عیدم
 ان ر ویکل بر لصفی اسماء
 بر صفامه طری ایلد و ار
 لطف و جوم کده مکلده جوجید
 کونم بر صورتال واد سکان یا کس
 سو یلکس داغ نهانغ قصه بن
 آتش خننده اولوب زده و زار
 ایدر یکیز بو کله فی ماله
 دور لنده صفت جانونا توافه
 لیکه غده جهی بر کرم و فتور
 قاتن غم قلده لور و بانندی صاهه
 کوه یوزیدر نظر هر مهر و وفا
 سن صفر فکار ایدر کوه ایلل یاس
 قنم با بجه کلیدی عیدم
 ایلل بجه عیدم و جاده لور
 سنسن مهر کج ایلل نکار
 نوله قلکس فیه مهر و که بید
 ورم فی و غم ایلکس مالدان سن
 شرو ایلکس سوز جانغ غم سن
 جکرم و سکان کدازه شفو و ار
 ورم جانن سو یلکیز ایلل

صفه عطارم

جقدی ایدر یکیز فلکده بر جواره
 هر عقده کرم طولش کوهال نور
 کور جاک عذر او جاده بر ماه ده
 میده ای جرشده یوزی صفا
 هر قن ایدر یکیز غم باس ایدر
 قاشک ر حری نویدی عیدم
 ان ر ویکل بر لصفی اسماء
 بر صفامه طری ایلد و ار
 لطف و جوم کده مکلده جوجید
 کونم بر صورتال واد سکان یا کس
 سو یلکس داغ نهانغ قصه بن
 آتش خننده اولوب زده و زار
 ایدر یکیز بو کله فی ماله
 نوره و سنسن و فتر ماکه کیر
 مال و کین استی و بیری کس کس
 جاکش ورم و غم قلده شمار
 سن قار سن یرو کوهال جانن ر قن
 جوج کتا بدور اندر قیکس
 جقدی ایدر یکیز فلکده بر جواره
 هر عقده کرم طولش کوهال نور
 کور جاک عذر او جاده بر ماه ده
 میده ای جرشده یوزی صفا
 هر قن ایدر یکیز غم باس ایدر
 قاشک ر حری نویدی عیدم
 ان ر ویکل بر لصفی اسماء
 بر صفامه طری ایلد و ار
 لطف و جوم کده مکلده جوجید
 کونم بر صورتال واد سکان یا کس
 سو یلکس داغ نهانغ قصه بن
 آتش خننده اولوب زده و زار
 ایدر یکیز بو کله فی ماله



نوا صا یان شویدار یلساک
غصه یکن شرفی شریک یلساک
خود کوه اولی خاه کبی سرنیکوه
لقد یحیی المده لشاک خود
دو قساک ولدان کنت نام یی
سویلسک باشم غی ضحاک یی

صفه زهرا

لعل یکن شرمه حانی خاه وار
حقده او جنتی سرآمده برنگار
ساعه النعمه یکن زین ربان
صول النعمه هوش جام شراب
خود لکله قلدی نظر او کله کلفدار
بیرکن مردم یی اولدی یزار
قدی ایه بوکوی جنتی ایلدی
اکه عرض حال ایهست ایلدی
دیرمه قانونه ایدوب اوزر ساهم
میدیه ایه بر بطل زونو عالی مقام
سازکال رقا قیدر خود کوه قلک
تن تنکده بر صفا جانی یلساک
نقده ضحاک لعل ایدوب سازم
یان وار آب صوت غم غم از لم
یکس کو نیلورنده سویلسک
ییکس کو نیلورنده سویلسک

صفه فکری چهارم و حاله غریبه

زهی بویله اولده ارفو بقال
باقده اولدی طالی و کشته حال
نورده مردم یکن سپهره لبتاب
قلده ییک اولدی و کوه غده صغر
میدیک ایه اسمایه یکن نهام
حاط و کوه غده یخوه بوکولشام
شیو اقباله نده سونیکلور
صفی و جانک کوه کونیکلور
فتح باب اولور سنده باکر
نقلز راه ایدیم سرش
ایلمزسک لطف ایدوب اظهار کمال
کال قلو ریاقی وجودم نار کمال

صفه ریح

ایدر یکن بیل عرض مرد سر
ایله کوه و کوه بنجم فتح مرد
میدست و شوکت جقه ناکاه
ریغ و دستا کبی بر قهر ماه
کز فیه طریقه صالمش الی تیغ
اور ستانی طاعیده باغدیغ
ساعده کوه ستر سرتین سن
بر کمال باش ایلش اویسن سن
دور و اب ایل اوله اسر و دور
میدیه ایه جاهد خود انشام
کر بهاکه ایتیکس مقصود کخی
قانه یتر غرق ایدوب یو کوه یی
باش بر الده او کوه کس بنم
نال یی تا کوش ایدوب هر کس بنم
مردم سر حاصله قلب زار و لموه
صورتن کال بیزار اولموه
سکال نده او کله یارک بهاده
ایس بر ازاده جانوم و باده
ایلیب یازده سرم کوییل اوله
شاه و خنده و کوه کوی یازده
بیلد زنجیل ایلک کس کاهم
حاله زارده عرض ایدرکن استاهم

صفه شری

جقه الی بنم فلکده بر غیر
لعل شمش حوام و صاحب تیز
مقدی فرض و یداره شریف
نستله تابنم کرداری لطف
خود نظر قلده اکا اوله و تفکار
حده ایدوب قلده طابونشوار
میدیه ایه سر خلقه لعل شرف
میکم لکله خوچ و لولمشف
جوتکه اهل یکنر ایلش حق سنی
حالتوه الیه بودست طالمش
مردم و کنت ایلش خور و خلیک
حوام اکبش اولمش از سبیل

شده قصه جاده ایدر و راه بها
 غصه اولدم بی شام لیکه
 ای دیکن مشترک عرض حاله
 میر ستر لفته قلو رکتر قبال قاله

صفحه زحل

اولده ییکن فلک ف فانی باب
 قطب عالم و شید ز راه خدا
 کورده ای جو کله اولم کله راه
 میده ای شیخ طریقه تمنا
 صومعه طایفه نیکو نکل
 بود لطفه راه حاله صبیح نولا
 سیر ایدوب بروا فرود یار بهار
 کورده کیوانده می یوقدره
 پس ضلیل این او جاده رحمت
 یوز اورب حقه یکه آه ایلد
 میده یکه ای خالق ارض و سما
 صفر عوکل کیم اولم راه بر
 سنده اولم لایق که ابر لطف خاص
 اکرم خلقت اولده و لستاه
 غرق طوفانه ده نمیکن کاینست

حقه بر نور آیفی سیر و کایک
 طلقه سنده برق اور در توری خدا
 ناله لاریدوب مرونده قلده
 بن اسری مستند در حشر اربع
 فکر احسان فلور کوه ملک
 جانور لده ایلسن بر کرم دعا
 تافدا لایم بوجاه زاری بر
 روله قبول کله حلالی رنده
 میده ای لا احب الا فیلین
 و و لای کولک راه ایلد
 سیر و کولک احسان سنر بهما
 ازم با اعزیه و شتی یوق خدا
 نیم سنده او نور احسان لطفه
 ایلد و کله سزده که اوده کله
 نوم احسان کله ویرد یکت

اکم کاندک اشغال فقه نظر
 به سید فضل و احسان کنگار
 قدر کله جلوه ساز و نشین جهان
 ابر نطلده ویر رسن باغ فر
 دوه و سکن بر جوخ اور در قضا
 حاله عالم کوه کله طایفه
 کاینات افرین عکله رحیم
 هر و با بهای سوزی ساز کله
 و یکن اشترک سنم و رغبت یوق
 حاله زارنده نه خوض ایدم سفا
 جان کله دم غده لولوب قضا
 کونن ار تورب اینا یکن
 کریم احسان نوده نافی
 اولده بوقصه و زاری تمام
 انده و غای ابر کور شام
 جو کله ارعوم رضا بنده صفا

دشده باطن بطنه او لطف
 بوالعجب در روح و عاقل کنگار
 عکله هر و باز و کاینات
 مارده کله خان فقه لعل و کله
 طور و سکن کوه طایفه و ایدر قرار
 یوق ابر و یوز سزده قاپو کله
 یوقدره کله انبار و ضلیط
 کاینات هر نیازی ساک و
 طلقه سیر نده ابر و سیر یوق
 یوز عکله ابر و شتی لطفه کله
 یار کور کله و ایدم بر نظر
 ایلیم تسلیم اوستن مایه
 قاله بوجاه عقول بین لطفه کله
 جو کله کله رحمتی رب الانام
 شکی و کله حقه اجاب ابر و
 استجابنده او نور و صفا

همه کله قریه سماه میا یوق لقا سزده بر و ار کجیل
اوله کله و این سنر و نه طوبی و ابر و غای اوز و نه
عنده کله و ایدم و لطفه کله و ایدم و لطفه کله

و ز قیرین و ناله عی شکیبازین کوفتی ایدوب انداکله
 فی البصر و الحیا نسیم اسما صحت و هو الحیا اندو کیر

ایستاده سن و ضایده بوقصدت کمال
 بهار هاله که میو و دم خوار ایدیک
 و خمره سلطان کشمیر که اول
 بر کمر لاشه لاشه صوح عطا
 صحرایک بن سی شاه صفتی
 بن آتش طری سی و صبح خوار
 حب کفانه ز کفانه نشانی
 لایب لعل بدخشانه حمال
 ناله و صنی مثال در بناله
 غمخ سی جاله مین و مستن و تنغ
 جوه صنوبر قاشنه لور و دم
 هکنیز صنفه ها ووسی سما
 بوبیانه لایته شاه لایب
 لیل نطله کجی و طوغه ماه
 جوی لصالین بویر جافیتیر
 لطف و قلع اصبلی غایت بریک
 کورده جوه عذرا بویکار اولوغز
 بویل یزیش طبعنی غفتم کمال
 هفت تنم بر بره زو و ایدیک
 بولمشه که غارت پر لایول
 زلفشک اشفته سی جین و خطا
 جیسی روم لاشه طغش کیش
 جشی بوزارنده لور و صریل باج
 صرته و و با با هم فته
 لیلانده قندی مصری منفصل
 قشری لور و ستی طواری جاک
 سیر لیلان جاننی ایتدی و رف
 اولده بلشنه الکسشتوغ
 انشی امی لور و شدی همکار
 قان طشده جف کل لعل ناب
 کوه کبی جوهر ویر حاکم لیا
 خارده کال خان ده سنبستر
 یوغیده ورمه لیلیج شکر
 ورم و غم آرنج بر و اولوغز

بغوی بندرمه ناره زو
 وار و بن زیاده و لایب مکل
 کوش ایدوب اوله کال لیلان
 ناله سنده بلده حای زارنی
 صرقلدی تال و لکی نیم شب
 اویج اغیارده حای جهاد
 لایب ورمه زار و لاین
 لطف اوله ایکی با می بند جاده
 اه ایدوب ورمه لیلانده کرم
 لایب بویبیک نوز و شکر لوم
 ناله کورده قاصه اندم ز خراف
 جاکوفه یی اودم و لور و کوز
 شاه کلستر ناله کوز بلبل کبی
 و اغزا و کت و اغ اورش فکر
 خنکوز صحنی غ شام لایلی
 بیل و یوب اوله کف خوشی بیا
 شرب و نفی کترو ب به صفا
 اوله اسحا قلدی احضاد تان جاذ
 قالدرب بلش هزار لاه صغیر
 مکلده مکلده جوشه بویکار
 فی کبی بند و رونده ککل
 قان و غز انده رضیک لالانی
 لکلده عقیله و یازارنی
 کبی و غز ایتدی شور و شغیر
 طوره ویرنده او ماهی لایله
 ارمه و اوله ایبار بن جوز
 طوته بر بریم اندورده لیلان
 هر بریکال بند لایله نرم و نرم
 ویدیه ای کف کشتا ورمه و غم
 بوباله ورمه و غم نیرمه اراق
 کبویاندرده و سمه ورمه و کوز
 بکاز کفرا لاشنه کال کبی
 کوش ایدوب انفا ناله ایکار
 سیر ورمه و لاف کف و شام لیل
 بر برستاده اوله لایله
 اجروب بر برینه جاله ناب
 لطف بولده هر بری تا بولور
 لایب ورمه و لایله لطف

ویدی عذرا ای قوت اهل جا
 صفتی واریسنی عیشی نفس
 صورتی نفسی پیری خلقه ملک
 رفته بر و صبا حده یوزک
 بنی کاندنر بیا ای صوهرک
 دیور ایجن من خوری لقا
 بی کهر ورجین اجب ویدی سما
 اشبو طالع کی سیری قلدی سیر
 قهر و بانق و سر اسریش سی
 و ختری بیج بن اشک قمار عظام
 سیری کوروم سیر اهل کور
 ویدی عذرا یو که طوتر کور
 لیلای صلیه اخو کور عیاد
 بینج بید لطف و اصاف اشک ک
 طایو که صی بنیج ویدر مسوه
 شام خسته اوزندر غصه اوز
 ورم و جیرتد قو اطار ووز
 زام ووزغ ایلز کوز یاشید
 لطف قود و قهر و اندک لاشکا
 حسن و خلقه فی داری عاده
 کمنی اولد له بوم وریا ورس
 منک سر کشته سی کون فلک
 کوهی ورجی اهل و صبر سوزک
 قنق عیاده صغیر کوهی ک
 صوح بلور روح القدس مطلقا
 ای رخ رینه عالج نیما
 روز شب انوک اشید و آروبر
 کلب غارت ورمین اندیش سی
 و آلام کشیری و رای خوش نیا
 غصه کوز وده بوم اوزوم و کور
 ظلمت اوزور نظری اوزاری صی
 الجور شلومرم و صی و کور عاده
 اولیشین تان عاده ویرم ک باغدا
 کلشن وایام الیش کیر مسوه
 سوبلسک یلار و کمر قضا ووز
 مریع عبرتد سراسر کار ووز
 کج کار وای اولد ابر یاشید
 حاکم پسر شاک فلک و منک

نای و کتی عیاد تار آج ایلد وک
 جوده ورم و غصه او باهک مهر و وار
 زلفه ارین یام ایدوب بیکر وقل
 بلرز بونده اوتاسن نولیر
 حق یوز بیکر سنت و شرو شنا
 اولشیکند جانده کور و کور
 با حصا اولد بوم خوه بلبلان کیر
 بشیج بر با شنده غصه سن
 نیم یوز وده اولد و غر غصه زار
 راه کمنق المار کید و کین
 عالم کمنق و طواری اندکارین
 و صلیه و اصاف لاشام اولد غر
 و لندیر و کمنق حالن تمام
 صلیوب قافه لاشام ایدوب اولد غر
 قلدوب با شین ویدی اونیما
 ورم و کوش لاشام غصه طاش
 یو باهی کوه و باهوه حکما
 اکلد کرم وده بوم ستان قهر
 صلیکوز سن ایشین جایشکوز
 بونم کلد وک واریه ایلد وک
 کک طویع طلیک ورم و وار
 ایغ بیری بوم بوشو قیلا
 ورم و غصه بغر قافه طویس
 قد خرواله ایدوب ورم و غصه
 طلقه وده قنق ابر کور و کور
 سینن صدیان ایدوب کک کین
 سوبلدی اخو اولد و غر قشین
 ورم و یار یار قلدر تر کد یار
 غنیمت اقلینم غار چکد و کین
 لایحانید سیر قاف لاشکارین
 یند کاره لاه و قریار اولد غر
 سوبلدی بر اوزار و ستیام
 یانار بنی لکار یید زار و زار
 لایحانید طلقه و قنق لقا
 ورم و کوش لاشام غصه طاش
 بونم و غر و غصه حکما
 بونم و کتا بینه و ورم و غر
 رسمی خیر لاه ایدوب ستیام ورم

ایشو کونده بیلکوز یارم سینه جا فوله لده خوش برستارم سینه
 دیر سکوز بوم قیاسی ترکه یار این یخ سیر کل جانده غرم یار
 یانیه بر یقه یه یارم یخ کانیایه من صولده این یخ
 میده عزالیه نگاره سرو قد یاسنی تن کله دار و لاله قد
 قالمه شدر بلفه یوزم ستره یار ایلمدی و فوله سرکته یار
 صنم ایچ بغور قند یار هر لاله جانده جسمی یار و
 انصقارایه یخ کلر و رس ایتمک لولم غافل اولوب فکر ستر
 این لاله اوله ناکاه لاله ای کل سر جا و زالا شین شاع
 او جو وفه ایرتیب ایشو بوم بر سر یه او اولم سف صمکن
 اوله کجایم ارده سنج بوباله برتیب و ش کور و رم بن بته
 او رم کیم عن قریب اوله شای یار ایرتیب صوم عن برام و وار
 بوباله فوله بزر افار لایله کوکلر شین جا نمر شام لایله
 یس بوا بند اوزن قاکر بیه کوه اوله باله وار نزم زار و سرکنز
 روزنیت زکساری بوله کوز لیو در و غمه لاله و ش قاه اغلیو
 کتده کوکلنده کوز نره صبر و کل قلمه هرگز تنو جانم تاب
دایم خنده راه انش برستار لاله از او و طویله
بی اب و برکه زار باه سرکته نهاده کیه کوه و وادی
و هوایه بوا و یوزا و روب جنون صف اوله لایله
لیله غمده و خوش و طیور له صحت و الفه ایدوب

91 روز کار له بر شهر حرم دیار ایو شعب کار بانله
 و افعت ایدوب طریقه غم کشتاوه و یو کج ایلمک
 ار ساهه اولدوب کشف راز و نهاده قلد و عینده
 شرو اینده سرکته شین و افعل بیل یازمش قصص اوله غافل
 اولمچ از امانته اوجا یوله و شدی اب چشم ایدوب و ده
 کوه با اوده و بیوب لیل و نهاده قلدی بر یقه اگه کوه قرار
 ساسی اولم یار و حرقی انشاک و لایله ایدوب کوه کوفه
 ناله سنده اکلایده طایغ و کلش مین سنده اقدردی قتل و یان
 قلدرب اهلای علم و ش عرض سر لولشیم شهر یار و بحر و بر
 و ش طریقه لایله رافقانه یچو او نور و دی سید و ش یان
 کاه اولوب هم صحتی ایلوب اسکل اولدوب شت و ده منده برکه شت
 انکاریده سینه جو ش ایلوب میده بیه بوین و راغوش ایلوب
 طلعه لاله در و ش لکال او یکنز اوله سرو کده ش لکال
 هر نفس اوله فیه یارک سنک پنجه بکر یان رفکار ک سنک
 کاه او بیه چشم صیاحن سوار و یسرو و قاه یانین ایدوب یار
 و بدم نهالیت صبر و شکیب خوشمید اوله زکس جاف و قریب
 اک یارب کله کیم کمر نازر او نیب کیم لایله مین باز
 لایله قریبه ی شرفنده کاه غنیمی طوقر اکب ایلد ک راه
 لول و خیب طریقه و ده نهاده لوله و بر سر و ج لاله نهاده

رشتو اسلوبیله ایله ی تمام
 لیرمه افر بر بقطر شهن اول
 کور و کج بر کار باغیر و فاق
 ایلیم اول و نیم خوشو آه
 کتیل بر نیم کوفه بو حاله
 ریلیج بور سم کشتیامیه
 میدر رنزمیکدر نهنگام شام
 قوندرا اولیرمه ارام ایلیم
 انی کور و یار که ارمه ناکه اها
 بری زرد و برینکی بوفه سیاه
 قشم و کبر و کینله یور تب کلور
 افرنه بر کف اشتری سر و دار
 جام جشمی باغ و اصفوایر
 سینه سنگل جوش کور کور کبر
 صورتو صوبی کلب و سلهنگ
 ایرمه بر تشویر له اوله ایگل بشر
 که ایدن بر کوشه و اوس نیاه
 کار بانگل قلده فریاده نی کوش
 جشمی اجیب کور و ایله شرفه
 کور بدی اجموع کتده صبح و شام
 بولده اها هه سراقده نزل
 خوشو افرنه کور شمشیر آه
 صلیب رازده بیایغ اولیده روزه
 هر بری بر نوع قیل و قاله
 ایر و بر و افه ی جامیه
 راه و اوه و دور و ایر و ظاهر
 ایلیم این عشق و شام ریلیج
 ازمه باکو راکم شیر و زیاده
 تب بکر تلمز قن رنکس نگاه
 نیم کور یوزده بر تب کلور
 قطره اولش قیدی مانده مار
 بلکه خشمند می افر له بر
 میدر ادر بر یوزنده ازمه
 مهر عکس طولنه تلمز زنگ یاک
 کار بانده قویدیه فریاده و فیض
 مهر و عذبه ایله یکه و اه
 قلدر بر سر ایلد جاتده فروش
 هر بری کفار صحر مانده شرف

صحرایوب و اوس یزند قرق ساه
 ایتمیه اوله یه لوازه بر قلی یاک
 کوریک که بو حاله انده کار یاف
 باش اورب یاشیه یوزر سور و کور
 و مسکن و روانه یور هر یوشن
 ضد غزله خانه و هر یو غارتار
 اوله بر اژدر له حاله ضد و غل
 کنج پر کور هر کبی صاحب کمال
 می ایدوب اوله قوم بکدر اعدار
 بیت قلعه لطف اید ب قضا سیاه
 میدیه و اوس ای جهانه مهر لری
 مهر و عذر سر آسرققم نیم
 بیلد صلیب بر ناه قلده ایلن
 باشلیب راز و نهان سو یلده
 شمه و لدار یی طلب کارم هیده
 ریشوب اوله قوم ضرت ایلد لاله
 میدیه ایچنده بریه ای شهر یار
 بو ذرا قن بچ کج ایجا یلن
 بر جوانده سر سر کوش اتمیم
 دعد کبی نور لیت ایر و سیاه
 هر بری بر مشتله قلدر صفا کج
 هر بری جاده اتوب ایر و سیاه
 نیم شمشیر و یو اوسین سور و یار
 اوله ناظر خلعت یخون سن
 مسکن شیر و له تا که بیت وار
 بر اوله شایه نهانی ضد و غل
 قدر بولمرا اتمده عرض حاله
 میدر لایه یه لوازه نامدار
 ایلسکه رازی و لو جانر عبایه
 غر و له و صخره اختر لری
 شمر و اوله شمشیر که غم نیم
 و ونه ی باشین قلدر بر زاضین
 سر کد شین سر شمر و ایلد
 روز شب عذبه و لفقار و مید
 کتنده اوله لاله شفته حاله
 قله جهانه ایچن مقصود که کنار
 بلکه تفصیل روزه بریر حاله
 شمه اکر و کفر اوس ایتیم

اوله جو انکله امیه کله شاهیده
برفتن بخانه لیدکه بر فراغ
بن همراه اوله ناکه بشی کشی
چا سی یار و یف و یف قدم
هر بر نیکن کوفه یوزی لینه وار
لیکله ابر لکین مانه یی مژ
لشک خونیله هر جنبه یی
اوله جو اذک بوغی قلعه بیاض
برکوه انده ایلکه تفتش حاله
میده یاده قلش بر شهر یار
امیه و امیه و رخت منقعی
رزم بر من سویلب غلامی زار
کار باذ لفسانه یساذ روزو
کیدر یکنی یوچ بر کوف رتفاق
بر حصار لالتنه قوند شاه کام
زنکی ایشی اوله حصار که قوی هر
کار باذ رهال مقابل اوله
تالق اوله بشی یار و ده کشف
لند اوله قوی شوله مکلوه
بکر با و خنم ذرات ماهید
کور مشیک هند و سنجه یی
کاکو مکی اده و اده ایدی راشی
جا و فله ذ روز شب بره و دم
کرد خنده اگر کزنده آر
کزن و بر اش فکر او جند
شع و ش یا شوق بقلی آشک
بر حصار نو خط ایدی اوله جو اذ
اوله فغانو ناله و ایدی سوله
اولش و اولش و شهر و یار
صلح و صلح و قد منور طلعتی
ولا مقید یی سوز در لیل و نهار
سویلدر می انکه ایدوب طبل
بر حب بند اندی و فر نفاق
ایلب ارام قلعه و شش و شام
ایر و طرب تلجایغ شبر
باله و یرب و فقه قبال اوله
هر بر یی بر یی یی یی
لشک روزه و ایدی حصار

جو کله اوله زنکی را ایدی
بولدی اوله کبیج تو اراید کجان
شده بدم بو قدر بن صیافه
شک مکی ادمکن و لا قدر سکر
قصه یی صوف سویلدر اوله و
جوه زاده لاله اولوب قلعه یی
میده ای طوطی لیلن شکر بیاض
هر و ویی بلکه نه حاجتده
اوله حصار بر باله و ویرنه
وارا امینم کج بولام و لدر ساغ
بوراهه میده رای شهر یار
لیک غایت بر مها کدر یو
بین او لیدی طریق استیقم
میده و امیه ایلکوز نه قرین
عوف صو ایدوب قلم اوله یو یال
کار باذ رهال قلم و لده معا
کار و فر لیلی و رشده کید
قانع غنم لست سکر بیلا یوز
یوبله ملیل اوله شب ارام اندر
اوله بنر و ده و فی هر تر امیه
اولدی باقی کار باذ سر و جلدت
انار و کله مظلومی سنن و کمان
کج تو قصه یی و لا قدر سکر
یاقه و یرب صوف و یی شهر یار
بر ناله و ده قلعه و یی یی
هم کله یی زهر و یی تر یالک جافه
ریم لور و کله یار و صاحب غما
تا که غنم یار لیدیم بن جافه فیه
لورم اوله تو یی جاک کاهینه مان
بیازید یی اندر لدر حصار
از و و و یو و یو و یو یو
لیک طو لشیج لجانته لند یی
بن غریب اوله یو ل و غنم اندی یی
ایلم و لدر لدر کف جلال حاک
مستکیر که میده در اوله و یی
باشن یی یی و رشده کید
برنم و زرم لست سکر بیلا یوز
صوف اوله صوفی شام اندر

و این سرگرمی کار باند هم غنا و لب کید کنز
از در و اهرمن و سایر رهنمندی اول و احوال
و عصاره صلیب و ارب رکنی که صاف که قلد و غنید

[illegible][illegible]

لهر نهار ایلین بجه صد ساله که
 آید زین نامه اوله اقلیم بکه
 این اوله کیم و ریند و وح
 آید و سید کچی کوه زنگنه
 قوندلر بر چایکاهن ۹۲ =
 میدر غفلت کرکیز نوم ۹۱
 لیر شب بر کیم قوم سلهاله =
 کار باه قصه ایدر بر کاه
 میدی و این فارغ اولب یانار
 حال ایدک قابو پراغ یا تانار =
 جانور لده مقصدا همگی نی
 رفع ایدم عوه صوح ایدوب شمن
 لب ایدوب بولر شمالته سرور
 ایلدی لوله قوم سراسر منصور
 چونکه افر اولدی روز ایشیک
 کسرت شکست سیه بوالجی
 روی زنگی کیمی اولدی غ فوش
 رجم یوز طوندی فلک مده سرول
 بین طوندی داغ شبده بصص
 بیفد کیم هر بری و خوشاب
 بون مقام ایدم کولون زنگی شام
 مشاده کوسر دی بر بر صبح فام
 کار باه سلهاله لوب خبر
 جوش ایدوب اوج اوردی کشور
 لوله فلک ساه قلصده اید و نول
 زب و غارت قصه اید و اید و
 صاه نیستافه لجن یکسر شده اود
 طو تشب طوندی جهها فی الجنی و
 بر کین کاهن ایدب و این نیا
 لصب رفاه که ایلدی نکاه
 کورمیک طاشوب کاور سیاه
 واروی طوفاه بالده و غده
 اوله کینه صحراب طنده کاه
 بر کین کاهن ایدب و این نیا
 لصب رفاه که ایلدی نکاه
 کورمیک طاشوب کاور سیاه
 واروی طوفاه بالده و غده
 اوله کینه صحراب طنده کاه
 من شهاب سیدی اوتیف برق وار
 کما شیا طین قوین اندی خاکسار
 ایلدی تیریل اوله دکلوهاله
 کشاده کوه وندی صحنی حاک

اوله سید لاه قلمایجوج شهره یار
 کوه کیم جلدی بر افش بار بقی
 سر تر بروم اندی قاریر
 سلهاله کورمیک باشد اشد
 اکم بلده مک طور فر و بیل
 قنق سن دیوب عصار اوله نابکار
 قلم سینه ایر شب قلده کین
 جسمه که زنگیری اوله شهر یار
 قافده چنگ کنش قلدر دی کیش
 موندی سید لاه شیش سر کویک
 قلعه لوزن طغه فشیل شاه
 اوله عصار کیم سیر ایدوب یا یوشی
 نوره کیم قابو لوزن کرکیز کاه
 قافه اورسکی نونه التور توشی
 الوب اوله کرکیز کرا فی شهر یار
 ایلدی قابو یو بر کرا ایلد ضرب
 ایشیر سر ساه مده سلهاله
 وارده اندر مده عزای ملین
 د لیزیه و افی قلده منجاف
 صله اوله قوم اوزع رشن روق
 طالعیدوب زنگیری باشد سیف
 زنگیر و قویده فریاد و نیر
 کند و لجه اولدی لابد جان صو
 اسام و زاله اولسوه تقریر و بال
 عکره قویب بهما اندی فرار
 قاپو یی و بولر ایدوب و لیدین
 شام کیم کیم قلده خاکسار
 طولدی نورانی علم طاع و طاش
 الدی کور و ده قلعه سن بر طوبال
 سر عتده قالدی چرافه و فو باه
 بولدی و لاه ایلین قاپو یی
 ضعه ایشیر و اوزع هر ساه
 سره و ادا ایدر فلک توشی
 مذهب بر سریدی کز و فر وار
 یا نفلندی طاع و طاش و شوق
 ایلین فلک خالص حاه هاه
 بر سید جوله لجن هر دی رجن
 ایلین براته بر کندی بهما

باب سیرین قلعه نیک احمد همین
 طو تده زاده طوسی اوله دیو به جسم
 کجه کوند ز اوله فین اش فسام
 دیلیب بر حصنی اوله بد بر نیا
 باله تجاریل شاه اوله ملشه اوله
 بلده اقباله کرا او یارلند و لیکن
 میدیه عونم طوسه جارم همین
 دایفی لنده غیره یوقدر جایگاه
 بر اکره لدره ریلیم پیشکش
 کجه عالم طو لور روم بنی
 لیکه شه فضل و کرم غایه در
 صوة کیه ریش او لور و ای کرم

تشبیه نفس خود

ای خدا آری بنم یی اوله رو سیاه
 ایلم حصن حصین و کبره دار
 نهی نه تجار عقل و مین اوله
 روز و شب کارم فسام اوله ملشه
 عا و سر کشته قلم عاقبت
 عدله ایدر سکر روز بشرفلر بنم

کجا قرار دتم در یی لطفکده آه
 بوم لیدت بی حد کجرم روزگار
 نفس الله شاه بر تملکن اوله
 بوم و عطیانو غنام اوله ملشه
 یوز سرب قاپو که کلمه عاقبت
 فضلی ایدر سکر تا ابد هالت بنم

لا اله الا الله ریل سکر قرار
 عاقبت اوله زلیله و حاله راه
 صلواته زنگه و این شریفکی الله قرار ایدوب لطفه
 طوس میزبان نامدار و ارب عزرا و اوله لیدری جایگاه
 رمد و یو پیشکش و رمد و کیدر سلطه طوس اندک
 کورم کرم بلوب غصب اثنین فر و زرافه و صلهایه پیشکش
 زنده ایلیم و این و بیکار و اوه اند و کیدر
 جو کله غرم طوس قلدری بملهاه
 ایتمشه میزبانه عونم و شکار
 اوله توز و لور و قی افخر بر و
 قولله شاکه لقیش و سیاه کیه
 ایکه شوع لشد یار ایدت او توزی
 کورم یار بر نیمه دیوی روسیه
 طفولوب خنذیر و شن یوز تب کار
 کور و ب اذ قولله شاکه بملهاه
 میدیلر بخیر فر اوله یی کراه
 انار و که قصه کوریکال بملهاه
 میدیه بن کام یاغی صنما کوز
 نشاه طوس سکر بنم بیسم بی کاه
 قلدر کوه روزع اهنده صفا
 بایب مقدر سلجاء که اشتباه
 صلهایه زنگه و این شریفکی الله قرار ایدوب لطفه
 طوس میزبان نامدار و ارب عزرا و اوله لیدری جایگاه
 رمد و یو پیشکش و رمد و کیدر سلطه طوس اندک
 کورم کرم بلوب غصب اثنین فر و زرافه و صلهایه پیشکش
 زنده ایلیم و این و بیکار و اوه اند و کیدر
 جو کله غرم طوس قلدری بملهاه
 ایتمشه میزبانه عونم و شکار
 اوله توز و لور و قی افخر بر و
 قولله شاکه لقیش و سیاه کیه
 ایکه شوع لشد یار ایدت او توزی
 کورم یار بر نیمه دیوی روسیه
 طفولوب خنذیر و شن یوز تب کار
 کور و ب اذ قولله شاکه بملهاه
 میدیلر بخیر فر اوله یی کراه
 انار و که قصه کوریکال بملهاه
 میدیه بن کام یاغی صنما کوز
 نشاه طوس سکر بنم بیسم بی کاه
 قلدر کوه روزع اهنده صفا
 بایب مقدر سلجاء که اشتباه

میدی زار یلیوب اوله کلقدار
 میده مده قافه یاشن اید و هیبار
 ماکه یاه شهیده ایدله سفر
 بو قراباشغ نرگور و کور
 بخت و اقبال ایدوب اوباراه
 مده مده کونرم اولدی سیاه
 زهر خفته قندی دوراه اش
 جوق قران کونله کتورم کیش
 طالع یاری قلع ببار اولدی
 به سر و پا حد شر لشم عوراه
 جان کلدخ وصال یاه ایدمه
 باشلیب مالین مکایه ایلک
 کافو به دین ایدرم و نه
 میده افرینجه کلدخ شهر یار
 منظم اولوب بو نوک قاصدغن
 نوش ایدوب بو ققدی شاه جهاد
 بهله مده فویدیه ای و بوا این
 بهنج شرم و صوحه که به زناه
 ایلیم کل برکنه اشکنی
 یروکوک طولش و صوحه کده فساد
 پین نر اولش غور کده فساد
 افر ایدوب اوله میده زنجیر اولد
 بولد بر بیکر مانه کد صبا
 میده مده قافه یاشن اید و هیبار
 بو قراباشغ نرگور و کور
 مده مده کونرم اولدی سیاه
 جوق قران کونله کتورم کیش
 مده ستار مده شرفدار اولدی
 مده مده مده فلکده اده واه
 تشار که نور مده یوز که جاده ویرمه
 بهله مده مده جوق شکایه ایلک
 بوننه یو قدر میده ای شاه جهاد
 انک اولد و غرقو شهر و م بار
 بار و نیکاهن سر اسر صحر و فر
 طولدی چشم قشیم دیمه برلم قاف
 مفسد و بد صیله و خود و این
 صورت بد سر تکرید زبانه
 اوه یقش سن بوا یک غنیم
 کعبه یقش سن ای کاف زنهام
 یاکه ایدم مده شرد کده سکر
 اوله ایکه فور که یراغن کور و
 مده مده اساطیر و مکر و سببا

بهله مده شهرین ارساله اندیل
 بر ایدوب اوله طایر فخرم ناله
 کشت ایدوب بر مده مده شرد
 المده شهر ی شه ویرب لاله
 کجه ماله که اینش اوه اوله مده
 روله صفا کفنه استرمی مده
 میده که انکله عسرت اندوکن
 عفتنه سو یایم و روز شب
 بریکه بهلن مده ایدوب این
 پیر و دایه قدرش خیر ایدوب
 غارنده اکلایم نه سیر
 طونده شهر ی مده و غنیم مده
 اوقده و اوه جوشا مده مده
 اوله صبار قتان ویرم که کل کل
 اندر لوله مده کوه کوه کوشار
 اوقده ی فی الحاله غنیم کوی یار
 یاشن اورب میده مده بخشار
 بهر مده و ارفند مکر اوایت کجا
 بنم رضخ و ارفند ساه ره نور
 مینه یایده عرض احوال اندیل
 سیر و سرعت برلم مانه کد ضیال
 بهله مده شهرین ایدوب مده
 لیکه ولداری بجه ایلدی کما
 کشت ایدوب ویرانلای مانه بوم
 جوق تسلیم ویرم مده ویرم
 مده لرو که اوله قله غنیم اندوکن
 حالتن شرد ایلایم روز شب
 مده لندیر که سیر مده و غنیم
 بر بیکن اینه ایدوب
 مده مده اکلایم مده و مده
 مینه بیکن تا که ایدوب مده
 سونیم یکسر فخرده جاده
 شام لقا ایلوب بلبر کین
 اولدی بیکی اطراف کوه مده
 اوقده ی شهر یار و مده
 ماکه بیکی جوضتا و افتخار
 با که بیکی مده مده مده
 وقت سیر آره مده مده مده

کرمه کور فر صبا ضحک غم
 خدایتجو به جل کلسو قایک
 بکن و باغ جل بند و لکه در
 سن کشته بود در بر مقصود جا
 سر سب عای جنا بکده بی
 قویسن بیک اوج ره نور
 و آرو بن م لدار بر داف کورم
 ز غوا نایب ایلین حاکم کوزه
 د یلب و من اتا کاش شایده
 اوله شاکر کفاری جوده شاه اندک
 هر نه کور کور و افغانه سنوکه
 پس کور لیدی بهرینج وار و بران
 خود بر شوق اولب قلع سفر
 خاقانک صور صفا ایلکز اقصه
 نکته و رکک ایلین بزم و ک
 اوله یار اده و فایده و ک

و این بکمن و پیر و دایم و مهای سعادتی سایه بر طوس
 پرواز ایدوب سلطانه بکریله و حیل کشیله استقبالیام
 اندکیده و این و بکمن دین غنای او و لیدر ایل بولش بک
 مدت لیا و نهار جام خوشنوار لعلش و وصال ایلد کیده

۹۹
 لیلده جوده ضرور چین غم طوس
 شاهار سجنی بیدرمه بیدکه
 بر نه کج لاین شاهیدر تمام
 قلده یار نازله بنظره رانی طی
 بصدر بار جو کینج دیار طوس با
 قلده استقباله اکایک روز اه
 کور بکجه سلطانه طوس شایار
 د اقلک خبک بکمان کور و شاه
 شوق او دنده قنایب خوش اندک
 شوق قدر شاه لیلده کور و نثار
 قوم کبش ببقدر اولب و کور
 ایر شبت لره بکجه بکمن او بیدک
 بکمن کور و کور شاهین نیکن نام
 اکمل اروغی مهای سر فرار
 دیدیه و این ای شاکر کفاری
 اوله قدر تو لقله لیتش در کج
 قلع حنی حش و که او مریاضه
 شد و فی اکرام ایدوب بهر کجا
 ایر شبت الققه پیر و دایم هم

جکده یا نخی مهای سنجانی کوس
 قلده جیر لره مهر و ماه و نه فکر
 رنده ترتیب اوزن اوله سرو فوم
 کسلر صحراد کوه و دشت و دی
 ضرور طوس ایشوب سروی صفا
 نیتکج بیدر اولجی فر شیده ماه
 اولده مهر نده و رو نیاید ار
 جوضه و کدره و سرور نده کله
 بر رده جانده و راغوش لندک
 کینج کور و و اولده زکام و شارسار
 اولده یاز یاز یوزی بر یکم و ز
 جوق تو افق قلده اوله و و دیلر
 ایلده حده و بروه اکرام و نام
 لوبده شاهین مستنجا باغ و ناز
 صله لکمل قیزیدر بولر شبت
 جله فر شرمین سی یز و شبر
 صورتش لطف و بقور و بوفاه
 مایه صین سیر ایدوب قلده کله
 سرور یوز لرا اولب کاله قدم

ادوبن برنج ادا آب مایه که
 و این تو نذر می فکری خاصه
 مکره باین اجب شاهن جهان
 کوسری شاهن قد و منده سیکان
 و ز صراصل طوطی و مناد
 شمع کافور هزار اچیم مثال
 نطو اسقف فلک و شن زرنگار
 ضد کر موده بکی زرین طباب
 سایبان و فاطمه بلند
 جامه لریکه بوکه کمر در شمار
 خوب اندر سیم ایریزین او یاف
 بنی یوز و در غلام و خوب و
 همه که شرط و و تدر تمام
 کور ایوب یارین و بی شاه کوزین
 اند کور و یک مایه بلبس بکی
 صائب بیکر و نو و نازک
 و بنی و لندیر و کلند آر
 هر بر نیک سر و قد و مرغ و غ
 کوریکر و اری شاه و اختیار

شهر کلد یار قلب سیر و سلوک
 افرین اوله صام و کاک افلاک
 شوله قدر لطف اندک المیزبایه
 و بر بیده نزل و نهی و بکین
 نقلیه بزم الهی یا قعنه ناب
 جوهره فانی و ساگر موده فیال
 مهر انور شمس و رنم زار
 قص و و قوام و نجوم و اقیان
 کاکل نور اکبر اشکین کند
 سیم و زر و قطار و قاتر قطار
 کیم تمام سینه طوینز انس و جاف
 جاف و بر و سینه قویما ف صو
 به قصور اندک شهر و قصه فام
 بول و ترکی و ارد و کشد کوزین
 طوین و سبک کار و کهر بکی
 بر و و اولوب کار اغوز نازک
 و آیه و اوق کیر اولمش سایه
 ایلمشده ماه نو مانند و غ
 صوب و بر و بکی و موده برو و

ایرتیب بونی بصدی ل غلیو
 کور و بر یکدن او باه و لکش کاله
 ز غفراة ابتش کلن تهرانشی
 یاشته و سینه شاهن سر فرکز
 ایرتیب ارد و بنی انوک و لندیر
 کوریکر اوله مایه موده ناتوا
 او ایدین او ترم و سمان یانه
 هر نه کا و لده اشکارا و نهاده
 کاه سکر و که شکار و اید یار
 یار و یار لطفیل و شاهن سر
 صدمه ایدوب شاه و راده مزباف
 هر طلعه ساقیا فیه لغوز
 هر بر و طوبند و فرغانه کوز
 پس اشارت اولدی که مایه قو
 دست اور بزم و طرب بنیام نه
 صفت ساعد لری و بر فراغ
 بکین و و ایلیم جام شراب
 ایلیم و غلفه جگر موده بلبل
 سر تخر موده ایدوب جانان خوش

صرت او موده جگر و طفلیو
 ایلمش قاشی بکی و و راده فیال
 مایه و غش زنگار و و لوشی
 الیه کت او سینه کلد و بنی یاز
 باش اور ب کسندر او کسندر او بکی
 صوف نوازش ایلدی شاهن جهان
 باشد یار و مرغ و سنان
 سر کز شین هر بر و قلد و عیاف
 حاله مایه موده صکب اید یار
 ویدیه ای شاهن شهر و روشن ضمیر
 ویریشی سیر و بر می و رواف
 زهر و عشرت مطرباف ساز و سوز
 او و لریک کرب سلطان یوز
 اور و یار شاهن او کسندر و
 هر بر و سکارین الیه یانه
 بر نه باشد و طبعی ساقیا یاف
 جهر و اولدی صفاف و اقیان
 نفیر و تعلیم اندک بلبل
 ایلدی و بکین ایلین بر خوش

بنار و که به جاده دور کنن قابله
 گرم ایدوب طویلی این سویالیدار
 دمار و که به کسین یاغ سینیدی
 ماه و روز و کرمی مهر و ار
 باصه در او لشاری ویر کور دیار
 با نفلندی سر تر طاق و فلک
 اشوا اسلوبیل اوده نو در و ر و ب
 پنج گز و عوهر اندی پسر باده
 ریلیب جانیه عشرت کسری
 بلدی بو قدر نطامه غدی کار
 جان و لده عشقه اولمش غلام
 شیل تلمش هر برده وینار ستر
 دست پوسیدی اولو جی ناری
 گر کج به قد ایدیه شور و نهیب
 میز باغی بنه تلمشده بو حاله
 طوس جیم رو بکلمه طین و غطا
 وصال ایدوب سر جمال اوله قتره
 بهن زاده استر در سیکم کر
 بویکا و اهی میخی لیل و نههار

عیسوی و بار و رب اطرب پس
 عامل بلبلان کس اکلندی کر
 اولدی بو طوطیا و که ایدنی
 صر صلب بر کو مادی و از و دیار
 و خرمه لفر لایر کور دیار
 و جن کلمدی حور و رضوان و ملک
 ایلدی یار عشرتو عیش و طرب
 کج اکل و صفن قاصد و بیایه
 امتیاز قلدی اوله عاشق کیر
 پاک کلمدی یولادی لیل و نههار
 ایلشال نفس نافر جام رلام
 ارزو جامی شر اولمش شکس
 عیش و نوشده یمن محبت کیر
 بر کمالید و چی صنو ادب
 یونار و که پیونده ایلا دی خیا
 این و من اولون جانده اتمام
 کیم کوندن این در عشرت ناری
 هر کیم مقصود جاندر این کر
 کر چه عشرت بر ایدیه کاکار

جاقی آتش قلب مهری پسر
 بلزم حالن ندر خاه ارنی
 وقتدر کج این وز غم و یار
 بامر سیکونکه رو بی یایی
 انار و که کو کلن جویر غ ایلدی
 چونکه بنده و تازی سر حود اده
 حاکه اولوب جوته عذر حاقی ایل
 بنیر اولد و یمن امیری طوس بار
 نوله اوله لفا ایدر سرور و
 لیکه ولد ار که در امین بلزم
 اولدی ایلا و فکره والدین
 و لیدر و که و اخی مقصود یندر
 ویدیه یمن ای شمل فرض کلام
 او ایدر کس بن کلمه جین سحر
 صحت شله و و عار ایلیم
 این و الب اجازت غم جین
 و لبر و که و لای ز صایسر رضا
 کوندرب غنیمت سیکان نامه بر
 شاه غنیمت تسلیم تر کرد

ایلدی روز شب فکر و سفر
 الیه جانغ شو و سلطانه اتم
 خاه اولکن جهرم ایدم حاکار
 کله ایدینج حاکه صنت ساینی
 عاق اولوب بیرم جهرم ایلدی
 ایلاک عالمی بجر بیرم اوده
 اوزم کج دفع رفات ایلیم
 لطفی خود کج قور اکل شمار
 بفع قاذ شرم و انصاف و ام
 بخود زکاری و نهاده بلزم
 بیز رای اوله هر در تفقین
 جاده بر تابش کی اوده یندر
 لطف و لفا اولون ایدک تمام
 شاه طوس اولکن اوسح حاکار
 عذر ایدوب بی حد نادر ایل
 بنیر ایدک بر عاقل و هر ایجن
 ایل شاه یمن هر نه ایسم اقتصاک
 وینج حال نکا ر لیده ضر
 صب و حاله بلس اولور کو کل شمار

تنگی و کاه و رخ آید رسن شاهل
 غم آید بکال یومر و رخشاوه
 خوشتر سن نره شیر اده شیر
 آید و کج عیال بخوه شیرین و
 بود و رین بنونگی راجی عین
 بکشی راین آید و آید و آید
 قلدر اول کج بود ای از بزم
 بود و آید و آید و آید و آید

و ایوب به قرار بمانی نامداره یزباده تا جدان و نیده
 و باز زیارت اجازت طلب ایتمکین بقدر حاجت آید
 ار سال آید و کید یزباده دفع کاه افات روز
 اول مقدمه مبارک و کاه شدت برده سبک و صحت
 و در شتاب با بنا قصه ابراز آید و عین و سن
 طوس بنای کورب عین و آید و کید

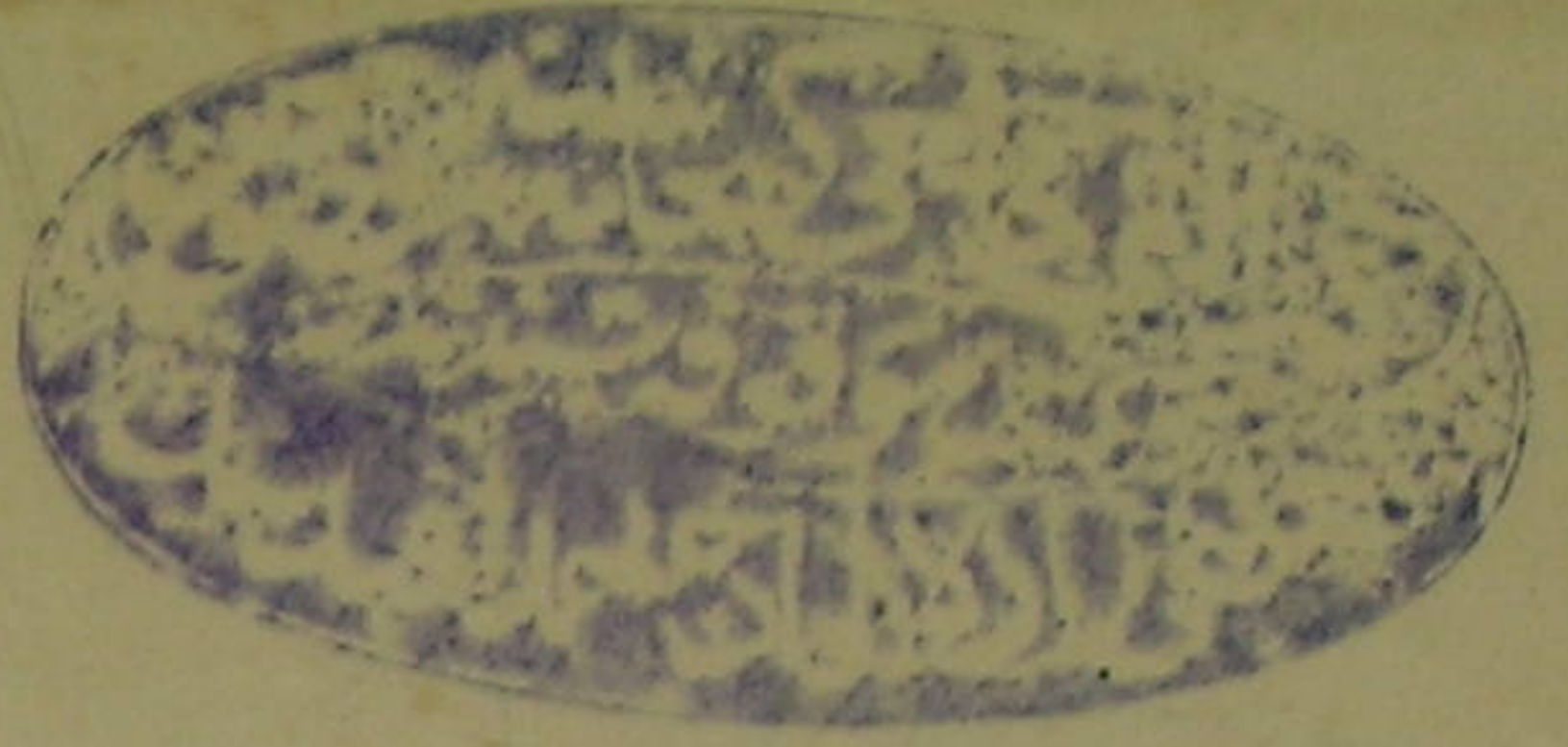
چونکه مشرقه کور و کور و کور
 جاک آید و طلب لبا سنی شهر
 خوابده و ایوب و قلد و کور
 او قوی و دله غریبت ناهن
 ایلب بمانی و عی قویلی یا

خرد و طوسک آید و قاپوسنه
 آید و عین قلب قدنی لام
 آید و آید و آید و آید و آید
 آید و آید و آید و آید و آید
 آید و آید و آید و آید و آید
 آید و آید و آید و آید و آید
 آید و آید و آید و آید و آید
 آید و آید و آید و آید و آید

و ایوب به قرار بمانی نامداره یزباده تا جدان و نیده
 و باز زیارت اجازت طلب ایتمکین بقدر حاجت آید
 ار سال آید و کید یزباده دفع کاه افات روز
 اول مقدمه مبارک و کاه شدت برده سبک و صحت
 و در شتاب با بنا قصه ابراز آید و عین و سن
 طوس بنای کورب عین و آید و کید

چونکه مشرقه کور و کور و کور
 جاک آید و طلب لبا سنی شهر
 خوابده و ایوب و قلد و کور
 او قوی و دله غریبت ناهن
 ایلب بمانی و عی قویلی یا

کلمات در وصف شتاب



روز شب از جد رسوب کوز تیر و بار آشتا
 کورید که کوه ز منید شسوار خرواثر
 بونو تابیل که اولدی شلو ریزین و فلک
 ازین قید بند لیدوب زینک و یونی
 اغلقده قلده بقوب فلک جستن قید
 کوهی سیمین صمکوز پیر کورین طفلای
 بود عظام بیم فلک غنقاسی کوه قافوش
 اوص یا قورتن بر دم اغار اورون
 برص اوص کوکس مهر که جشم سنی طده کج
 عالمی آتش رست اندر سما نرسمه
 نه سوار بر وقو ایله نه سنجاب فلک
 یلبه اکفانه طولسه نطاکه تابون جو
 رکف ابدی کجوش عالم یورنی روزگار
 لایعی آتش کنارین قوم الد فهر نفس

صدامین تن فلکن کردانه آشتا

یکای یوق طقوز و زنه بره گننه خانک
 نکته اند ضروره و راه افه اشکو اقلیر
 عرض خاکه من عبودت در جو شمع عرض
 اوج و غامدین بهار این و مید صبح
 غم بیایانم اولسا کلک سیه آشتا
 بوجوح سوز لرزه یونیت خجده آشتا
 اوله بهار جود اوکنه اچاه آشتا
 لاله و کهر و به ابره کجده آشتا

عاجده کت اورنب کیدک قاتل
 بهر قیوم بوست بوس و بهر میتر نقد
 و بهر میسامه حق سوسه و شکله بوستین
 او قوسوه خلصا که بزمن خلصا کیم
 کت ز آره کلک سر سوزالسن مبدم
 تان طوسوه یوی باغ کلک بر مجید
 یون رویر و کج او و ده تان آشتا

میر باه جوده وصف حال سید
 مدیه سن حاج جوده معلوم افه
 رای تدبیری بود برین جا کرک
 سن شهر خاقان ایر ساله ایلم
 شهر یار که و افی اتون ناه سن
 سرکده شتی جلد تقریر این سن
 غریب سلطانینه صالحه ایلم
 اکر و افی ایلم اعظم و حال
 اره شیره پیری ایر ساله ایلم
 بهر بر سینه کیدوب صبر و قرار
 بهر بره اید بنم تشریف و دیار
 بهر قوم ابر کوه بهر زینر اولور
 شوق بی سرباز جود اندک صیوان
 اولدوغی رویه سن بالنگاه آشتا
 ایلغوز اشجار و ورده کبی آشتا
 کاه آشتار و بهار و ماه و یوانه آشتا
 خلصه برف اولدوغی بهر با صا آشتا

بزم و قتی عشرت آتای کلور
 عرس بنیاد این بی را بنیاد
 سرتر گلین کو کلار شاه لاف
 بود از صندم اصف رایع قبول
 جوة نبع فرخ مکلر شاه عار
 قلعه یو کو هر زی بلکن جو کوش
 افرینار آندک الوک را این
 و انتفال کلعه او کنف اورمیکر
 جملتن اوله رای کورم یار بلند
 میده ز بوی کیم اولسوة عیش و نوش
 فی کبی شوقیل م یار قلعه لر
 ایلد یار صبی که اوله کیم بنرم
 شهر یار طوس و یار طوس و ای و عذر او بهمن و ولید
 بجمه این شاه و ترین یار شاه او زره عرس اسر
 بلکن جین خاقان و مایه غزنه سلطان و پیر
 خوشاوه خاقان م کون و عورت اید کوندر م کیند و بو
 اثناف پیر یار کلور لاهجاء و فرنگ غوز نام امون النیر
 گرفتار و قبوس اولد و غن و سلطانه قانلی انار که خاله
 حسنه مایوس اولد و غن اعظم ایلد بر یار ل غنم قا

۱۵۶
 ف و غور له رزم اصاف ایدوب بقوه رتانی
 فیه ولا هیاه قورتر و قیصر الطیده علی آراو
 کلعه جاده اتنی و رود و غن
 صفی نور روز یازم صاف
 ناه بقوه مله بی یار و لور
 و و رای ویرینی بر ایلم شراب
 به نفس بر تاب و بهی قالی نظر
 لاهی معلومدر سرچل حال
 بترایع و غنل بیاه اید قصیدی
 جو کیم شاه طوس اوله تاین شمع
 چیت مملدی ناه بیلا لایمنی
 و یارینی کوندر روی غنین شاهین
 اره شش پیرک ایر سال ایلدی
 غنم را بهیجوه کورب و پیر یارغ
 جاده الوین کیمکن بوزنار و زشب
 ایلشده بر صحر غنم و شکار
 لاهیاف ظن ایدب شاه اولد که
 کور و کیم ایرمه پیر یار غنم زه
 ناله ایدب او در لوطر اید روی
 زربکه حالص او لور فی اولی
 مکر فی ایتمند و دوی شمع صرف
 بشع بی تاب بی بی او لور
 و ناه بقوه ایلد کتاب
 قلمک هر غلو غننه یاکه ایدر
 الکسک کور اید زاید قیصال و قاله
 قصه م بند اهل اولو قصیدی
 ایدر اولدی خانی صی طونه قو
 ویده کیر و ساغ و اسن کورم سنی
 حای اعظم ایلدی و رکاهین
 اکو ایف و رض احوال ایلدی
 هر بری بر یاکه کندی بر فراغ
 قلعه و ایو ایلو عیش و طرب
 ناگهاده اولد بر یار لشکار
 جکدی رخش باشین اولد قوم نهاد
 قان کیمش قو باغ رف
 وید یار ای شهر یار کام حوک

تنه لعل من شاه اولد قه جاده
 کوندر بن شاه بنده شاه قضا
 شکار کورده کورده کورده شاه
 قصه از ویر اگر بیک صداع
 کرمی تقریر صفر غصه مر
 قویا تفصیل احوال این قوم
 کوه قاف از ویر و دار و بر تمام
 بزم اولد زین باغ از م
 بزم از این انواع طيور
 میوزارنده ضایع میوزم و
 سنی بن بطمان جاده یازق ضور
 لاله زار کرمی خود روید
 نوهاره تا ابد کور فرخا
 سکی و غیره در سراسر طایفه
 بهما شد از این باده ام
 اولفن را اینم انکه کوه نار
 طوبی طوور و لاله و در م
 چونکه جسته بدله اولد تمام
 بار و علوبدر قمر منظر لکله

بن و نیکان اولد سوه انوجاه
 بیده اقلی تمام ایتکه طواف
 شکار کمال طایفه حاصله درام
 لطف ایدوب بر مع شاه استن تمام
 بر غ و در و و به و در قصه از
 مکسوه شاه عرض احوال این قوم
 ام اکام احوال این قوم
 صوریه کورده کورده کورده
 نفی و رکله ایتکه رقص این قوم
 شده و شکار سینه اولد قن
 کلانیکال صومعه شافیه ضور
 کلشنی جسته کبی خوش بوید
 از این عیشی و بهر باده و زلف
 جانوده ایتکه بهر سیرتی
 کشت قلمش کرمی جوقه عالی
 پنجم ام بود و بار ایتکه گذار
 دیو و در و در این غی پریم
 بن و لطف بر یکا رسد تمام
 بر غی عفتی شکر شکر

غار و وز و کبی یوق جانق نور
 پنجم یوز بیک نتر حکیمه ام
 قهر باقی قافدر اولد به کله
 کاوس و و پیا شکر و کوه روی
 شکر و زور و در و در اولد
 جشمیکر ای زهر اولد افر
 عرصه سی اولد بر بهار و دور
 باره از و در و در و در و در
 بویله شده ناکه هاه سو و وقفا
 بزم ایدر کن لاله جانیه فری
 عورتو عیش ایا یکم شاه باه
 غفلتله رزم به هتکام ایدر
 اولدی بزمه بر یز جان کر
 پنجم کوشک میرن سلطانه قضا
 بولدی بهر جیک اند کیم انور ام
 عابوز و لوب بزمه صله طاوله
 صغیر کمن شاه صله قوتی نور
 اغلقده کوزری اولدی رمد
 اینو بود و مروتدر طیکان

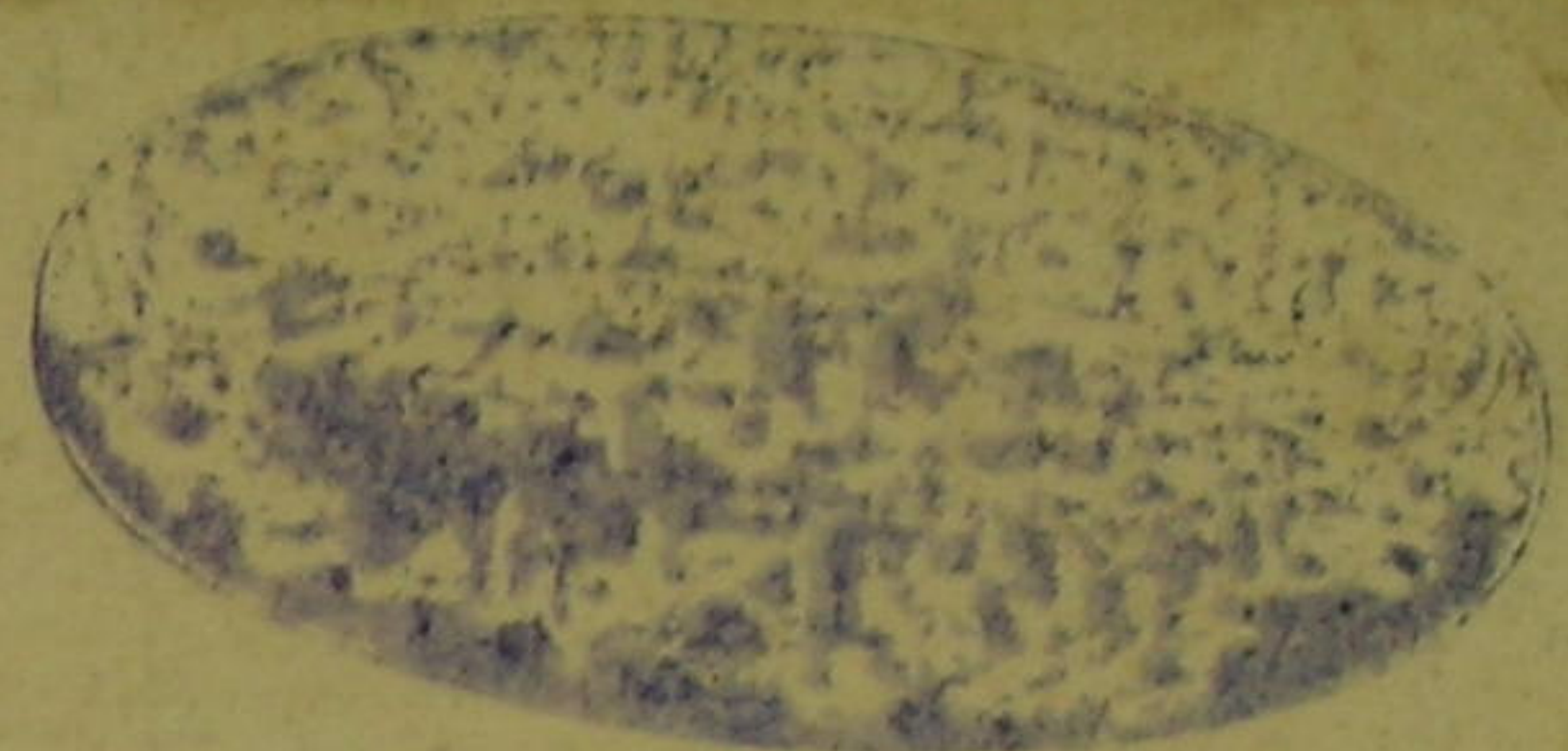
ای کمال طاشی محنت اده غور
 روز بیداره بهر بری مانند سام
 قورق و ازنده جلد جلد و کور
 جگر جوی و بی لاله و تنه و حوله
 عرصه سی اولد غی و محنت شکر
 کلشنی باده ایدر کبی بفر
 کلانیکال قاعا ش بکرنه نور
 حاکم بر خارا ایدر بر خاری
 کما اذا جاء القضا صاف القضا
 بخت کیم و وزیر می قوم بری
 ایتکه ناکه او کوه قهر باه
 ایکن اولد ایکی شاه و ام ایدر
 سور و کوه او و در ابر بال ویر
 ایدر اولد قهر مایند به صاف
 لکله قافان اشی اولدی تمام
 کلد و کوشش یوزر سر و قایل
 لطف و احصاه او و او غلغله
 حاکم نایکده او و شکر ایدر
 کما اذا جاء القضا صاف القضا

عهد و مابین نه حاصد و میساک
 نهف اند فکر جوة الهه افه
 بیل دیوب که دیار شوله کلوش
 فکلیس و اونی جاکرمه قلده جوش
 پس شکاری قویب آتیه غم شکار
 قصه بر برهکایت ایلدی
 ویده یوقدر باکره ساعه قرار
 وار امینم که فدای فاطمه
 بویسم اوله که غنای صباغ
 برکن چو فی ایدوب بر زمزمه
 مرد و عذره قورتم اوله جانک
 هر بره اوب کلم بویسم شاک
 که بر باد و قوالدم حنیر
 اما مشرب بر نده کام جاده
 ویده عذرا ایلیم و دیار زار
 فرقت کرمه بنی پر غم قلور
 اقدم بر پنجه کوه بهر کلا پیش
 یلنه صالب طایک رت الانام
 کوه یوز کده مکی بر نور اولم
 اوله قدیمه حق و ناله و نعل
 لطف ایدوب شهده بکار افه
 قان ویندی لعل کین طالع و طاش
 قنویان بر اولوب آتیه فروش
 کله دی عذرا یانیه بر دور و قهر
 کاه زار که شکار یق ایلدی
 غم کوه قافدر صفا کار
 قیل یاری و لولایم قتاله
 ایلیم و و راه ایکنم رویم غ
 یلیم بر نو شک قویم عالم
 که مله غرقه و احسانک
 اوله و صلت و منم بر مراد
 و اف اوله ایکه شاک فرضم فر
 کرمه عیش اید بر عیش بر ناله
 و قه عیش و لولا ای شهر یار
 بنی پر غم بغوی یوم قیلور
 جان صبر ایدیم بهم بود و طاش
 این سر صفتا شایم شام و کام
 اوله ایکه جان کور بر سر اولم

پس بو عهد اوزع ادب و آمو قرار
 چار و ناچار اولدی ویرمه ضیا
 ایلیم و اونی بهماه مله و واه
 نیک ناک بیری ایدین رختیار
 هم جکب جوة اوله عقاب ایدین
 و کله دی روجی کور لیم شربازوش
 قوم جاده یا بنی پرواز اید یار
 میزبان و و لیدیر بالا شکار
 او شوم کندی او شوم کندی ویدر که
 جکده عذرا باقسن آتیه جاکه
 شاه طوس قلدر راعالم کار
 بیل ایمن دید یار سو و قضا
 ویده بهت برله ایلک اتباغ
 صن کشدر اوله شیر اوزع سوار
 برهم اوج قلدر سیرک شش چهار
 شیده کندی کوریدی ظلم کنش
 قافه اهنکال و ساز اید یار
 خال دیار اید بنی باقب فکال و زار
 غایب اولدی شاه با نندی یلک
 نبله و مله بوشهر و رفد ناک

ربیع از راه عذرا

ای به و ص سینک شیره جی کلیم
 عوف صو این صاه که این سن ابرینی
 کوزرم یا شنی ایره که سنک صو ایدیم
 کلر کده کلیم جاننی خوش بوی ایدیم
 خوش صیفب این خدا کال یوز و کلام
 غنای لعل لیکده قوا سر اریه صوم
 او رم این بو براه شید و زو صاه
 افوت حق اولور سم این سن با حاله
 قهر ما نایم ایلیم رستم شکر شکی
 یورک شایم یوریه اصم لدم الله سنی
 رویم قان و بویب ناله و خود و ییسم
 یوریه یوریه یوریه سنی
 یوریه شایم یوریه اصم لدم الله سنی
 جاده لوزیه اوله منور سر لیم ایدیم
 یوریه شایم یوریه اصم لدم الله سنی



موسوی باد خوانند بهار که طالع
 یکم کوندز بود روزنامه سی بن بلیکال
 یور که شایع یور که اصلدم آله سی

چون بر یار غم و ساز اولد یار	طرقه الهی ابره قافی بولد یار
شهر یار قاف اشدوب اولد یار	واغ کوره کن اولد یار غم تیار
نوز سورت یار یوز کز اوره یار	شولقد زارده قلم اقدده یار
قاف یار یوزده قلم یوزده یار	هوی و نه کوره قافان هرده یار
میسوبن قاف یوزده یار	بیل زار که ایلار یوزده قاف
اغلیب و اوجده یوزده یار	خیر اوجده ای شاهن عالم ویردی
اشن هرده قوزده یار	جانی ورم یار سوزده یار
صواید به صمنی مانده رصاص	اولد ایلد ایلد ایلد ایلد
عکسده یوزده یار	بی توقف قلمده غم مصاف
ایر ویر یوزده یار	لوشدی سر سوارده یار
بلیشده یوزده یار	یوقدر اولد ایلد ایلد
کور میشده ایلد یوزده یار	بیلدی ورمده یوزده یار
هر قن ورتنه ایلد	اتنریده یوزده یار
ایلین اصلینه اولد یار	ویدیکده یوزده یار
یس اولد قدرتده یوزده یار	واغ کوره یوزده یار
بعد ازده صویدده یوزده یار	کلی صیقلده ایلد یوزده یار

ویدیکده شایه یوزده یار	چون قوت و کوره یوزده یار
روز و شب استر اولد ایلد	یوزده فصلده یوزده یار
ووز لاش ویرسم هر دم جان یار	بوسکا هر دم ایلد ایلد
ایر و شایه یوزده یار	اولد یار ایلد ایلد
بیلد دیب جوحه یوزده یار	خوش هوا و جنه شهار ایلد
کجه اولد یوزده یار	نیلد یار ایلد ایلد
ایرد ورام ایلد ایلد	بیلد ایلد ایلد ایلد
شایه صلدی یوزده یار	بیلد ایلد ایلد ایلد
واغ کوره یوزده یار	ویدیکده یوزده یار
شاک کمال یوزده یار	خاقان اولد ایلد ایلد
بیلد یوزده یار	نیلد یار ایلد ایلد
ظاهر اولد یوزده یار	طولده یوزده یار
یوزده یوزده یوزده یار	صاف ایلد ایلد ایلد
عجب صورت کورنده یوزده یار	کورده یوزده یار
برده و ایلد ایلد ایلد	رعد و ایلد ایلد ایلد
هر بر یوزده یار	کوزده یوزده یار
نوزده یوزده یار	ایلد ایلد ایلد ایلد
یوزده یوزده یار	قدرده یوزده یار
یوزده یوزده یار	ایلد ایلد ایلد ایلد

او قده لوله قتل جنک شری یار
 بر ناه قاه اعلیٰ اندک این
 پس موبن اطراف بقدر شهر یار
 بر سر سفینه بر عجب زاری کلور
 کوشن ایدوب اوله ناله و اینه
 ال اورب قفله ویرمه کوشمال
 فتح ایدوب اوله قاپوین اوله سا اوله
 پس نظر صله و کورده شهر یار
 طو لب زنجیر از در کبی
 ایر شب و این بهاندم اورده
 هر برسی اقدب و جاننا پیش
 هر بره و این مدی ایدب کنار
 صور در احوال غوره دیدگاه
 د ویدر تشاک الی بعد از اذ
 حقه نسیلین کورده سیری صاغ
 سینه کوه کبی پر نور ایلدم
 حوه برادر لوله تمام او اینه
 ایلد یار لوله بقای جت و جو
 هر بره بر کشور که شرا اینه

او ایدوب موده و رنده اوله
 ویدر محبت این رتب العالمین
 کورده بر سر بابا وار استوار
 ملکه برده کوشن این حضرت الور
 اوله قیومه باکم فی الاله ایدجه
 این تار از نهانده کشف حال
 صید جاده ایا کبی قلده صلول
 اوله اکه جان بتر بند ایدر
 هر بره بفو شری نهر کبی
 هر برینک جهل بنده قلده حال
 شهر یار که اورده ریانه شین
 قلدر است سرورده جو یار
 لوله کفینا نیمی اوله و غز نیا
 میدی جانده تمام او تو به کاه
 قومعه در و کوز بفرین یان
 بودله ویرا خه جور ایلدم
 یایلب اوله ملکه سرتاسر سپاه
 بولد برینج سرولال رور
 قد رینک سر و فانی از اها

جو و ش قاه نشاده ایدوب روله
 هر برینک قیتی ملک جهاه
 انم ایدبه لفسره هوشنگ هم
 ساج خوانک لباسی لاله
 شاه طوس قفله کوه شهر یار
 سیارین یغا بیورده عسک
 مهر و ماه لوله ویرمه کسک
 هرته جانک نه تین بند اوله ایدر
 اخون سر مایسید بزل جو
 باشه بو که کل اولور فریاد رس
 اهل حکمده صور بکشد
 بوایکه کوهار که نینلر
 شهر یار کوه ضا الناج اولفا
 قنفیس تاینه دور روشن ایدر
 میش اوله بحر صفا ایدوب خوش
 ملکه بولنده شخا کوه هرین
 ر سنجانک بن کسید انس جاده
 جنت لوله قیوسن اجن اوله
 نیکر بنه کیم بوفضه و الجاله

تنگه بند بله اولش ناوله
 کیم بهما بترسد لولر انو جاده
 هم سیاوش سفه می هم جادم
 پنج یوز بیکی یاد کاری عالم
 انارو که بر قاجن لندک اختار
 خوب اقدار ایلد اوله کسوت
 حاکم راه اولور کرکیم و زرک
 عالم خلقن کو طرده قول ایدر
 سلطنت بر ایدر بندل جو
 سیدی احاده الی صید کس
 میش ای صاحب شمشیر وار میشند
 کیم شجاعه بری بری سخی
 خلق عالم اکه قتا و اولفا
 جانی علی مکرده کلشن ایدر
 باک طوت برده صدق و ش کوفن
 در و سر قلندر شجاعه افسرین
 بیرو کو که افکن سید هرزه
 بر اصفه غیر یار ایل قاجن اوله
 صق سلطان ویرده بر کمال

ویرسد دنیا بکنی بر قو لیس
 نوکده ریشد ریلما یون اکا
 دوله سلیماندر سخا و رخا یلی
 ای سیمانه قوچو و بر وکده
 التفاکنده در رکویا لقی
 یخه انوکده میدر مد و شاه
 میرند کلو حاکم کما فخر ایدر
وامن جهانه دار لاهجانه و فری و عسکری پیری ایل
دیار شاه قافه کلوب این بر قو کوه عیش و عشرت
اندک ایدر بهزاره ترتیب خاصه و این پادشاه
بر شهر طوس عرس یخه غنیمت ایلد و کیدر راز
 چونکه و این ایلده غوری تمام
 پنج کونار اوله دیار یار قلدی سیر
 شام و خنده بیل اوله شهنشاه
 اوکار بنده م جکب سلطان قاف
 ایلد بخت عبور بحر و بر
 بر ایگه کوه این آرام رند
 بعض مقصود اصانه فکر ایدوبه
 قلدیر سرجه اوله یوزده هزار
 ضیاع کوملن ترقه و بولینه
 طوس حکم بیدی اقلین نولا
 بن قلدی بهزاره خا یلی
 لایق اورکنی واره در ک
 ضلع عالم ایچ بر و الف
 بخ و خیرت در یوی به اختیار
 جوه قبوکل کیمیا س این زر
 کده طلوع رولده عالم تابناکه
 بعد از ازه رنده بر یار بر ل طیر
 فید و بنده و اینه ازان در
 زهر و بالاقلدی یار و هر که طوفان
 گنگنه یی قافه قلدی یار
 عیش و روز مهت و شام اندر
 نیستی سلطه طوسکای فکر ایدوب
 عشرتچوه اینم رکوسه ایدر

عرس شاهنشاه به عرس این ر
 این وصال اقصای فریه و لاهجانه
 الشیونیت روزن شاهین بکل تاق
 الدی نامه رکف رکده بروه
 بهر بری بر یار کاره و بهریدی
 جو عیش بلزده یک اسمی
 او قلدی بدینه کلدی نیت
 بهر بری صرصر صفت رفاه
 جهان شهنشاه رکن رند
 بنده بر سر و دین و این و
 بر اجب بر بنم ر غنقا کیم
 شاه طوس انا رده الدی خیر
 ایلده قوین سر تا سر رند
 جقد در هر ای استبقاله این
 کورده رکده یوزده طغش بری
 باد را اقبال قار شمش کاور
 صانسن ایلما زین اولمش کتب
 نیت برده و جکب ازور این
 دیر راز و سنن مهر و رکوار
 لایقچوه ایلیم خنده
 بلده سر تا سر ایش و جاده
 خنده بجهوه ایلیم جانینی صاف
 کورده جهر رده قالدی غنقا و فتنه
 غیرت کرده و باه و مهریدی
 با کرده اقل و لول و قشیمی
 جاکه رولورده و بهارنده زهر
 ایدر بکر کیده و وارتک
 طوس جاندی غم ایدر فشن اندر
 غم مضنون اده اوله شلون و
 بری یار یولدر ورتقا کیم
 کایرده بر یار شاه بحر و
 بر کیم و ار عسک و بهر و کدا
 جهان شاه بر ل قیل و قال این
 مهر و باهک قلاش نوز و فری
 جنیر اده به بار شمش کاور
 یار جانیه ملقه سرب
 جهان سن کچن کاور صرصر این
 طاقه باشن اندر یار

بیرون کرده و بن بیکش کنش
 میزبان کور و کن ایضا قاله لاله
 جوده صواو ایلده و این نظر
 ایلاکن هر یکا سیر و نگاه
 بلده کلش در استقباله این
 او اولده سر سترتری له
 شهر به یاری میزبان قشود لایه
 ایلاک و کش جوگی جوش ایندر
 بعد از اراة سلطانه قاف و لا ایا
 میدی و این ای شهر اعد اشکر
 لا ایا اندر اوله قمر طلعت جوا
 ایا که ارد بنی کور تین در فر
 هر بره معلوم اید نلب میزبان
 هر کیم این شاه سیر تمام
 صولده یار یو لاله مارود ل
 قوندرب یر یار کلش نمار
 عود اسکر و غیره یار بخور
 شهر او جن شاه طوساکن بهتر
 قوندرب سلطانه قافی این هم

ندر السن خیر اده سایه و ش
 اولده خیر نده ایکن بر کنه
 کورده صواو اولش اقام سر ستر
 میزبان عسکر اچک کورده
 طایو ایوه غرت اچالده این
 شام و خندانه اندر کور کده ی
 کوزیشنده یو لاله صولده
 بر بره جانده در اغوش اندر
 میزبانده باکم اولدیار واده
 اوله غافا قاف شاه کلش
 جوده مینو خلقه کانون لطف خا
 ر سکر رضوانه غرت خور و فیر
 غرت و تفیطم قلده جکر اده
 ایلده یار بر برینه و السلام
 اسکر و غیره هم اولدی کرده
 مار هوش چشمه و روشن
 بولده اسایش قبله جانده حضور
 وارده بر باغ جنت و شکر
 مید لوسن شاه هکسین بولده هم

۱۱۲
 شوق ایدوب به ایا سن و ض
 حد و وصفن کما قور انو که بیاده
 تیغ ایا سده خوشید تاب
 ز سیر کورده کبی ایلده زار
 نگاه و کورده مرتضی تاجار
 بیک و بری جمع ایدر سر خضر
 بونع بوحاله اولدی خورشید
 اوله مکر الون قد و منده خبر
 کورده ایر شده بر یار جوج صوا
 یاریه استقباله یراجوب عین
 بر نمانده کورده یک اوله هم تمام
 کوریکه عذر اده طه که تاب شوق
 جود یار که کورده روشن کورده یوز
 دامنده طنه حکم و لیدیر
 پس اینب اوله بامده بر شوق فوق
 بر بری قوصه جانو تن کبی
 اندر افغانه کویا قهر غم
 دور ایدوب جام طره کورده ناله
 اولده بر ایلاک جام اوز نامه نوش

تولدی صوا پیش شده طوله عرض
 مدید از جمیع اوله اهل میانه
 هر بریک قبضه سی باقوت ناب
 دور اچنم هر بری کرده اندر
 جوف اهلش و شکر عین میا جال
 بیکم بیره یان و لطف نده شکر
 قمر طای اوزن جوش و نیکار
 کوز و یکم کرده و نه ایلده نظر
 کورده کبی تولدی درونی تاب شوق
 او بهی استرمی اورش صرعین
 ایردی قور و کورده لک بر شاه
 تولدی نر کس و ارضین این شوق
 طامده بر تاب قصه انده اوزین
 مدید جمع ایه کنده ایه و شکر صیر
 قوتلده ایدوب جایله و اروطوح
 همدم اولدی کورده کوسن کبی
 شام و حرم قلدر بنیام غم
 حاله باضنده اولنده یقال و قال
 اوقیب بوشعیر عذر ایه حوش

ورثہ از زبانه عذرا

این نقشه چشمه سار ای قزوین کلین
کشته قاف شده سیاه صبر حرمی
اولین و صلیله تان جاده وین
لبار و که جا بیله عمر و جا و زاده ویر
کوه یوز کرده لبار که جانمی وین
سام و رسم اتدی اوله ایشی کم سن ایلده
بیم نم غ اص چشمی قافنی شده کیرد
زنگ مهر و ماد ایدم و راننی شده کیرد
یرد و قزاقه ایدر رسم جانمی بو شکرانه

و رتبه سواران را در بخشش و صلح و توانایی

حقه است نه تمام ما فی السن کور و سنی

نرم اولوب بوشلوق قلدرده يک طالو و يرد ي بويوزده فوجان اوله کامو

و بتی از زیاده و اوه

ای صبا صبح بزم بهار که در لطف گلشن
گل یوز که در پرده و راتنش در آید
طالعش خاوه در چشم کن از جبهه
غنی کین ایستد بفری در میان
صرت و فعل لکیده کاشیدر جاده لب
بر نفس و نیاغ سنز نیلرم جانوش
حق یوز بیکی شکر و نیش صانع است
و بدم بلباه این فریاد اید و ب غار
حق یوز بیکی
صا شد به چشم تاب غی صحرای تب

113

۱۱۳
 صد یوز بیکر
 اشکر سیاه و سیخ صحنی خاک آلودین
 صد یوز بیکر
 هزاره باشی سر بند و قره آلودین
 قمر الله صوندی زهر نایاب صراوه لک
 صد یوز بیکر شکر و آتش صانع اسن پودین
 نیم کر قلده سرو جاده قصین فواره لک
 اولشکنیز و خواجهم کوزا جب صراوه لک

سرمه از خنثوانه ارد مشرک و سیریسالار غنچه بن عذیرا

آماسی جہاں کثیر شہر طوبہ کلمہ و ایہ و ہینر باہ پینر

افقده و پذیر و عذایم بافتگان انکارید

بهیو ایدۀ انبیر شاه قصیدی
 و عشایار کن شاهی چین پیشکش
 و پیرای شاه چین ابرشاهی پیر
 بهیو با قیو قیو قیو قیو
 و بهیو استقبالی و لیسو استقبالی
 شاه چین کورم کورم پیری شاه
 و بهیو در باب تازی جو فی رنگ
 و بهیو و بهیو در کابین سایه وار
 و بهیو در کوزه یوزده طهه غیار
 و بهیو در کوزه چین صرنا و کوس
 و بهیو یقین کلهه طور می ایک قول

قشومده شامی کور کجای ارده شیر
 یکن لورب رویشی قلده با پمال
 یس اشارت قلده اولده شاه چین
 ایلیم اکر آم و غنای بی شمار
 اولک تفتیشی اولدی نفق
 شهر طوسه قوندر برب بریانه
 ایکه جابنده صد ایا بی قیاس
 ه لیزیر لولب بویا کاشاه ماه
 ایرشیت اویده این بوز شرم
 مضربنی چونکه کورده ارده شیر
 شهر یار که لطف دلفین و لیزیر
 بن سی اولدی موی جاده تمام
 اکر مکه کج بر سر ایردی بیام
 یلن طننه عالی جوش و خوش
 جلده کونا کوه علمای حوضه سر
 بیل استقبالی حقدی ارده شیر
 شهر و واهل حقدی میزانه
 میر ریدک شاه غنای در کلن
 قشرا باد ایدک صلی صحرای طوس
 صحرایون اتند اندک اولده میر
 عدل ایدوب کوسه و کوسه و کوسه
 یو کشت ایرشیه حاجی بربین
 ارده شیر یلن قلده یار سوار
 یوریت لکسار حقدی سو بو
 بشله یار عیش و نوش ارکانه
 ویرلب رولدی کایا و سیکن
 اتسی قونجه جاده اتدی بهماه
 حاطه سورده کی پزاره رزمک
 عمر و سرمدده ایرشیه فتن بشر
 اوله قدرش و ایلیم ارده شیر
 روز شب فتنه قلده اتمام
 ایردی مویوشاه غنای شام کام
 اولدی سیرجوه فلک چشم و کوش
 اچدر اوچ بولک یا که ویر
 لوس و مرنا کوفیر و یار بنفر
 اولمشید صلی عالم یکانه
 حوضه زینت ماه و یروین کلن
 صور اسرافیلده مرنا و کوس

چو کبر بر نزل اولدی سیر راه
 ظاهر اولدی قشومده بحید علم
 غنای شاهین یلدر کایروین یکن
 بهر یکه وده یار شب جا و شمار
 او نو بکله شوین شاه و کینه
 جانور لده ایدر که مد و ثنا
 بعضی سر ضحاک اولب اشیر
 آنکلی ارده بنی ایرشیه میزانه
 هله ایسه اولده امان هلوکه
 کله ربره کشتا اتم بیس
 غنای شاهین اوله ارا قوندر
 نزل و قشور حقدی کرا
 حوضه ضیافت فتنه اولدی تمام
 ادمه کله یه و غار یل
 کوه یار بیکه و ان سن کورده کوش
 ایردی عذار شاه قشور و کور
 ایلیم اوله سروی شه و افکنار
 کلن یوزینه بر ناله سرمدی یوز
 یاشیه و سینه الدی باینه
 شوکت و تزیینل با نده ماه
 نور طلعت یسای سرتاقم
 ایلدر صفای تزیین همین
 طولدی و فی این شاهاده کوشار
 کوکله ایلیم نیکم ماه او کینه
 افعه و افعه قلده ارجنا
 ایلدر و کله کور شده ارده شیر
 مدیده خوش کله که ابا شاه جهان
 یس یوریت ایدر که سیر و کوه
 یل جایی حننه خیرت ویر
 هر طوفانه یکن کشر کوندر
 غنای بفر اولدی سرتا بر حماه
 و ایلیم کور و ارب شاه کام
 بیل سرور و حوضه و بیکه نار
 حوضه و کورده کورنده کاه
 کمال کس با یلنه اورده یوسر
 قلده خیرت یکن چشمه حوضه
 اویدی اوله کس کس ایل کوزه
 حوضه ایدیه جاده قلده حاینه

مایه کبریا که مشید خبر
 بند احوال می دیدی سر تر
 هر یک که چشیده حال روزگار
 و پرده او تا نو قرار و زکار
 کال که غرق غرق ایدب صفا
 استین که ایام می ایا
 سوزیده بهر برفه تلطفیال
 و ایتهم بهر سوزنه بیک توفیق
 لطف و خلق و اعتصام و خستمان
 غم و رزم و اقام و مهمتین
 شاه ایدوب بهر شکر ر خالق
 بنم اولدی جانوده لده و ابق
 کین و قاروه ایلیم شکار انور
 سر در چشید و ش پیمانر
 کیم بر عیش ایلیم کند ز شکار
 طیب الوقت اولدی لیل و زهار
 که ایلدی که و کلیدی خوه و کار
 روز شب قافه طوایف میدلر کار

چین ماقا قه طموسن هم اقتدار عسکر ایتیم شکار و ملک
تدین و شاهانه انواع شوکت و این برلم سرحد طوس
کللی اوغلی و این صاحب قراة سطا قاف و لایه
و شاه خنواة شهر یار غزنه میرزا بهر کوک کونور فریا
صل طموس خانه اکر ام واجله و تقیم و استغفار اند کارید

طوس خوه بهار کلب قلدی قوار
 قالد خاذه صینه ایخ زنتطار
 یول صالدر مشید و این بیکار
 هر بره سرعت صاه باه سحر
 تالاب خانن قدومده پیام
 وی در ایدوب خبر شاه کام

صفه نوز و سلطان

بر سحر که جهاه بیرو زیدی
 وقع و تم ساعت نوز و زیدی

بلباه ایر لردی طوبت کللار و ق
 توشیده سبز بر بیرون کت
 یوز اورون صحرار و جنون ناله
 لیکه بهر واد یار فارغ نهام
 سوزیب ز بخیره اصافه کلبی و
 لبلر کف کردی کوسو
 سنر ر صحن پر اولب ایام
 من انور و خدی متهایام
 باه اورون کللار لکر کده و می
 اجمشیده روی و چشم و عالمی
 سرو و شکار صلیب ناز ل
 بد و او قور و دی فرغار اوایل

ایلریدی لاله لردی و می
 ایلریدی لاله لردی و می
 جانم بلباه کباب آتش جگر
 باغده و ترش بنفشه شکر و عود
 کوش اوزنار بلباه فریاد ن
 جام کللوه نوش ایدرمی یاد ن
 و کلنار قمر نیکی اوازینی
 زهین نکل کوش ایتلریدی سازینی
 کلن یقین جا که ایدوب استانه وار
 با قین قلمشیدی نرکس زرد و ار
 میرزا ایجنم قالب چشم ل
 خضر صوبین اقدردی اشم ل
 یوزیه پر زینده از قهار ل
 رقصه کوشیده انچار هر یکه
 نیت کج صحنی فکر انوار ل
 غم را غزین اجب قلمش ل

قلمها کلنار آتش با ن لوق
 استریدی یارده و سار لوق
 استنک بونقنه رده آتش جوه
 راه چینده نوز لرانده استر شاه

کورم زایو دی صبار فزار لر
 یام شام یوز سر ب کلا کبی
 مید یار ای شهر یار د یچ تها م
 جاده اتقا مید یار کوه خا خا انکلی
 میر ایدوب روز و شبی و راه کبی
 بو نوید ای شدوب شاه جها
 خرقه کا د ویر دی تا و و کیتی
 صله اطم اینو با نو بکلی
 با ای هو یه او کر تیکو یه بلبل
 بنده استقباله یکه سلطانه قش
 یاصیده غنیمت شاهی و اوقیاه
 ایلیم ترتیب عالی افسر
 جوه ایدوب یکسر سپاهن میرا
 قلعه شهر ایچ بر قدرت جناب
 از مقام اول رسیده شده عالم
 عرس و شکر ایدوب صحر او طاع
 اطم ایدوب هر اغا جگه شمشیر
 زین ایدوب زین علمه هر اچین
 لازار ایشاد ییدی عالم

سونقه طویل و سن شکر نصار لر
 شاقید یار سوزده بلبل لر کبی
 یکه کند اوله و عالم شام
 شام و خنداره ارمی او شخا
 شوق هر کله لای تا با کبی
 طوره ییر تده سرور یال بیا
 قلعه یجا جلد بر کس رختی
 یچ شام یار اولندی عسکر
 باغ عالم طوله ییکسر غلفا
 راه جاده و عسکر و میرا فقه
 چوه ایدوب توت طله یی مهر و ماه
 زینت ایدوب عسکر اوله بنی شکر
 قایلده روی زینتی انی و جاده
 جلد میرا ایدوب جقه یی بنی و شکر
 قایلیم بر تندی اطم ایدوب
 بر ایاغ اوستن ایدوب بیک ایاغ
 ایدوب طله یی بیک ایش
 ایشیده بر تکر شانه چین
 شام و خنداره اوله سرور ایدوب

۱۱۶
 لاله اسکنو کوز لاله کوه کبی
 صالار جوه اوزن ایدوب کبی
 کوکن سرینی قلب اوله میل صید
 لر بو ترتیب اوزن ایدوب کبی
 مودوشن ایش فکله مده یکه
 مید بر کوه کله و شش کین غبار
 ظاهر اوله کیده کده جده علم
 هر بری بر سر و قد و کله دار
 هر بری بر تاجداره ملک
 هر بری قلش نهاله سد و شش
 هر بری اجب ملک و شش بر و باله
 متمرکب سر جاده خا فاده او کته
 بقا شکر سیده قیل او کتنم کته
 من ییدی جوه اوزن غش بو
 تا و اوله اوله کته بر جکره خند
 اک المشی جوه اطلس سالیانه
 بر اجب جکره مهابوده او کته
 سید ییو خا فاده او کتی یوزید
 هر بری که اوستن بر التوه شکر

این شاه طوبت کرده کبی
 قافزار و شید هوش طبل باز
 کبی مانند ایدوب کبی
 قشوده توت بر بلور دی کور و
 توتیا لاله کله مده یکه
 عسکره چنگر ای شهر یار
 نون استغفر قوسر تافته م
 شام رنگ ای باغ و نو بهار
 هر بری بر شمسوار ملک
 صله سنی نوزده تاجن کتنش
 کتر بری مین بیک و نو ضیاله
 سایه صله سر جاده او کته
 او توت خا فاده چین و نیک کتب
 سد مده جبر یال و بر دی شکر
 نور کرده سایه سنم نابید
 شمشیر و زین خیرا انی و جاده
 منصف اصم شکر مده او کته
 هر بری او جاده طور بر ملک
 من فکله مده کله باغ و نور

هر بری کم بر فلک تصور بیدر
 سمره و خینه ماه اولش نفال
 فراید نورخ جوزامه نشاء
 زمین خنجر که خود را تنیام
 و کبوتر که کین سیمین کوسار
 با مصله انواع ترین بر لخاف
 کوریکان حاقان و این در زکال
 اینین رختند او در و خاندن
 خافه و این او غلر کورب در خاست
 سمن شوق او در که بر تابان یلده
 ایکل صرت خافه اب ابر و بهمین
 و و شوی بویا یلده طوندی و ستن دل
 پس تو کهار اولب اولدم بیاق
 قلده یار بر یوز اورب دست بویک
 خانه بش اور و قی هر شاه دیار
 و بیرو که هر بریکل کم اولد و غلر
 هر برنی خوش کورب طموس خافه
 خلق لطف ایدوب و ککی هر یلده
 بلده او غلیر سلیمان اولد و غلر

صن بکاش تیغ و انلش برور
 وقع سیراه بیر یوز خایار هاله
 بر بخوم اولش جواهر برله طافه
 بر جوار هر بر که کرده نهاده
 یوز او در کن کین زر طاوسار
 جوتکار برده قلده جبراه از خافه
 صیایب اولد شیر بانندی بلیک
 صحر صحنی حاک اشکند کهر
 کندی ولده صبر و جانشده قرار
 کتند کندی و بی بر تابان ابلدی
 اغلیب صر شده قوبده بر برین
 ایدیه بوم ستن چشم ستن اولد
 خانه تر شوبلش اورب بالاد افغان
 طرا باه اولدی منی صحر ابر طوس
 بد صحر و توفیق ایدیه شهر یار
 بنده استحقاق تاریم اولد و غلر
 اندک یوز قدر نیم عشرت در کراه
 ننی در برین عجب کلدی الکاه
 و یوز بری بن خافه اولد و غلر

میدی بو فضل خدایر و ابقه
 پس او تو کهار میرلوب بالتمام
 الدنوم لده کهر لفرده که ل
 او لوبن او کین یا بنی رواه
 ایلیب سر هفتک میر میر و روم
 و بیکی کوه صرت و جان نهاده
 اولد ایکل ش ویرده ضلم کت زین
 او غلش یا بن کورده جوتکار خافه
 اغلیب طور و سارم دی سن
 ویرده یارب خیال می بو حال
 صوغن شیکن بوجای جام بهماه
 اولمزم من بعد ویرسم بیدر
 اشوبوزده اباریده خافه کاهم
 جوتکار طوسک ابره صحر اسینه
 کورده طوموشی عالم زین خیام
 جوتکار عکس ضاییده جناب
 و بهن کونلکار صلب طالی صبا
 خافه لویه قور و رشیده بهر ناه
 بر بهما یوز جوتکار عاظمی ککش

شکار به قد اتدی لطف و خافه
 ایلیب حاقان یوز بیکر احترام
 یلده حاقان یوز بیکر احترام
 عازم طوس اولد کرشاف کلاه
 کوسار نیار له قیلدی سرور
 و ابقی الدرمی کت او کت خافه
 مید یار بودر قراده نیر نین
 کت قلده یلده صد و کراده
 و قسطن بلمزیده یس سن
 خوابیده یلده بود و وصال
 ویرده و صحر ساقیسی جام شک
 جابن شکاران ویرسم بیدر
 هر طرفه سیر ایدیه خافه
 بانه حاقان جوتکار در کینه
 کوهلر ایلیب سیر صاه و ایش نظام
 هر صبا بیدی و یک کرده جناب
 پس کیدر ایش شرف تاجن سما
 بیدر ستوده استنم بانده جراه
 زاریده و ورنم و کوف ساووش

ظاهر که کرده صفت با اندام
 باطنی شمال ارم ذات الهام
 قوز برب خاقانیه این میزبان
 یوز سورت صغیر اندک بیکرانه
 هر یک رسم شهادت اندک
 باش اورب سر جهل بکار کند یار
 تونده عسکر طندی غفلت مهر چین
 تالده تنها او غل بر شاه چین
 یوس و یروب کمال یوز و بدم
 سوبلدرم و مالتی سرتا قدم
و این و عذرا و دایه فی شهر یار طوس کند رب صلی بالله
صیده افاد او نمانع و صیای سرو از امد که اوله عطا
نهاد حقیقت او یوب با نوسرا قلنا سن بقصود اندک کارید
شهر یار طوس و اوله صدمتی جانند منت بلعبر او
سطا فی مقبول و ترتیب اسباب مقبول اولد و عینه
 چونکه اولدی انتظاری اوی تمام
 بولدی بکار همه اوب سکر نظام
 عسکر ابدا اولدی شهر نصاح طوس
 کورم و دس اسبابی سطا طوس
 شوق شادی برله طولدی شهر کند
 عزم عیش اندک فقیر و لار هجند
 او قیب عسکر سروده انس و جان
 بر تو اولدی زین و اسما
 لیک سرخیال بری روایه بها
 ایلیم عرض ماله مندر دایه
 اولد بزم اجلزیدیه کال کس
 ولده ایلدی اینی بلبلر
 باها اولمشده اکافو حکر
 استک ایدک ممدی شام و سحر
 سوبلدرم که حکم و رده عیانه
 لیک عزم ایلدی اده تها
 حاطری غدا الیجوه ایلدی عیش
 قلمشده و رده و غم نوشینی نیش

بر بود که اتی قیوسیدی
 زندگاینده ابد مایوسیدی
 شاه طوسی بر بود که کورم کن اول
 ایشید عشق جانیه لیل یول
 غیرت ایدوب طالع ایلده تها
 بهر زاده سربسته بیکدر سرحاه
 عشق اگر چه همه در هر نفس
 ناله از عالم بهیج او نور جوس
 لیک عشق همه ساز اولم که
 جانور لده نیاز اولم که کرک
 اکاشیده حالن اوله جانکار کار
 بلمشده اولد و غم و درد یار زار
 دایه افسونه نیاله المده خیر
 طوبیمنده و لیدی خا و ر
 همه او یوب بریک پر وین و شغو
 اوله مالم سوبلدرم اجب یو
 میدر کوه کونده اولدی نوا
 استی و رده عشق میزبان
 هیچ انوک احوالنی یام ایتروز
 حاطره و حن من شاه ایتروز
 کند و عیش و نوش رفیع روز و شب
 ایلار و دمار سورب عیش طرب
 خار غمده هر کوه اوله کال کار
 زورله و مده اجلش عینه در
 لطف و نصاح ایدوب قافون
 بولجه حق حدیق اولدی رخ
 میدی عذرا ایلیم بن بیکرانه
 دایه افسونه نیاله افسه شکرانه
 قوز برب زلف کبی اشن نعل
 شکر و کلدر غیر بر طش لعل
 حوه کورم جینی ایا اولد رفو
 قاله خیراه منشیاه کاف نوه
 این و ایل برله اولد شور
 بهر ایش ایلر تکمل شور
 این و رازیه اکام افی عیانه
 اولد راضی ریم اید و خجانه
 تونده ج شاه طوس دایه
 جوضه سر این قدر و یایه

بکھری سر چمن از بدوب شفیق
 کما اضاءت شمع حیوانه الشید
 ہم ہما کنش عشقن اشراق لیم
 جو تک مقصود روز ہر شاہد لا
 بوقراہ اعظمی اہم نفاہ
 ویدہ بوراجی ایدوب جلاستہ
 وایہی پیشہ ارعہ اندر
 وایہ دارمہ شاہ اوکن اویدہ
 جہرکہ اولت کز کبی ایدہ فام
 یوز اورب سلفاہ خواباہ قایک
 برایک سوز سیکل ایدہ فرام
 ویدہ وایہ جوہ اندک جسم جاف
 یس صف اغذہ اصب اول برکار
 سولیدہ سر جلا اسراریک تمام
 جانودہ شاہ ایدہ بر جہرہ ویدہ
 فاکوم ایدہ روز شب حقہ بود
 صہلہ نجوہ صنور دم ہم نگار
 ایدہ ایہ وایہ ویدہ وایہ کن
 بو طرفہ کو سروب سجدہ تیار

میدہ منت عذر جانہ فایک
 شمع لقاہ ایتہ انساہ الشید
 او قیہ افقوہ ولین بر تاب این
 یوقرانا کنش برس رولہ افہ
 این ہر قرۃ اچی تاریک جہاہ
 قاسم کنش در ز فکر وکہ ملند
 جانودہ غرض احوالہ اندر
 ویدہ ایہ حرم و نور وشن صہر
 طالع کنش قندیاہ یسین صہر و شام
 کنش بن خاکہ یای طایوگہ
 او ایدہ سر صہر ایہ حرم نہاہ
 سولیدہ طوطی کبی ایہ شکر بیاف
 قاسم اسرار دم ویدہ خبر
 ویدہ سوزہ شاہ سکر سیم الکلام
 ویدہ الہام ایتہ رتب وودہ
 لیکل و شکر ویدہ ہوا فندہ قولایک
 زلف کبی اولش افہ عقن دار
 شاہ طوس نور اورب یواہ سن
 این سن جاف عالمندہ کشف راز

اوزہ صوبک یوکری یال کبی
 چہل سین کوروی خاکہ راہندہ
 جاف کبی کز لوی بیام وارکھا
 جو فوش قفراچی پری سلقہ کرکہ
 یس ہما ندہ او قلدی مینر باہ
 قلدہ قفراچن بردایہ براو
 کام بخش وکار وکارہ وکایک
 سن قوت کماندہ بودر سزوم
 ہلہالہ فی این سن عقوبت شاہ
 حاطری فرانش شاہ این سن
 بخواہ وخواہ ایتہ ضیالندہ اولک
 انکر اولم روای جام وجم
 کردوغ بولم نہ لاین اکراہ
 زلف کبی نیلہ ابر وکسح حین
 یانہار اوکسح رتوہ الہد
 روز شبدر کج بر ابرہر بکوفہ
 ساعہ و ساعہ کشفہ اغذہ
 اغذہ اولک کوہرہدہ اتر وحقہ
 اورمکشہ بر سلیماہ اکہ ستر

چہل روشن ایلیم اشعہ کبی
 مینر باکل ابر شوب در کاہندہ
 جلا جہار سالک وارکھا
 جلیستہ جہاہ حلوہ کرکہ
 وایہ کنش رفین جو بلکہ مینر باہ
 طاغلب الجیم کبی قولہ لائقو
 ویدہ وایہ ایہ شکر کرخوہ جفا
 سایہ کبی خاکہ یا یکدر یوزم
 وایہ غدر الہ غدر واد
 ایتہ بند و غمذہ ازاد این سن
 بخصور زہب مالک لندہ اولک
 کج بر شمر کوفہ یوزنم ابر و غم
 کلال او مینر کن غبارہ مر و ہاہ
 جاف عالمدر بوکوفہ اولک نائین
 کوفہ یوزہ کرد وندہ ایتہ بد
 صاہ کج قدر یلہ مسموم بکوفہ
 طور سہ بیرندہ بوزین طاغذہ
 لعل و جاف سرندہ ایا کشف راز
 او قور اولک خاتم فکر مہر ستر

منکر و انصیر باد خور ز لفسه و بواند سی با بهی سحر
 صبح بر است ایلیله و بهین بقدره غنچه بفرخه الهول چین
 یوق مکرده غیر بر تو جوشن بلن استین در واریس او پیش این
 سدر و ش ایلس اوله قان قیام دیر جبریکه التصلوع و التلهم
 بیز باه جوه بوفسوخه قلبه کوش اتش عشق جانن الله رفوش
 کلمه اوله جاده ایدیکای و شش منن سیر ایتشیک شاه طوس
 اولمشیده سیل اید بر کشته حال غارت ایتشید و لزل اوله رفطال
 غیرت لسیله جوده رازر جانم ایدی بهر نه وارسوز کلاز
 دایه ده جوه بوفسوخه و کلدک فی کلس یا نبه در و نده اکلیده
 دیریه ایه دایه بتر الله که فوه ایتد بتریکه کاولده بخیر که نروده
 بهر ده عفو بکوه لوله که شیر افی از امو و بنی قلده که لسیر
 باش جاده اوزح یکم و ارمش با که اوله ایه مفوله فریاد ورس
 اوینریدیم وینو ستر جلد که دیکم الله بونفوخه بر غم مکالم
 که بهله که اتیکان نبی معصوم یسه سین عالم زیا نهم سوم یسه
 دایه بونکم کورده کرم اولده تنور ایتدیه ناه یز لک خیال ز دفنور
 دیریه ایه شاهی قوم دله اتدرام جاده عالمین بر شمر سا که غم
 فقط یغ غین عقل غین اولور جبر سزوح جاده و دله شین اولور
 قوللقد رفخه حور و دیکر قصد که ازح سیر اید بهر کفر فکر
 جوه رضا و کتینه و رجوی قضا یسه در بوانی طاکبده رضا

و کلدیه نیج اشدر بتیا کما الله یو لکن جاده ترکه ایتیا
 اوله مهوتابا سکر قدر کسما یان شرع قایه جفت اولسما
 کهر که دایه بود راکه بنام ضم الله طابکله سکر انظام
 بر کمال الله قرانات شرف طول انوار سفاوت مرطوف
 او شاهی بر لبین اولدع راقه کلدیه عذرا قاتنه اولوب بشیر
 بیله صیب اویدیه اولدم دایه سیر سیمایه فیکه کورای شاه جفا
 صبه حایه سیدیه بر بر تمام اولدیر جانو کو کلدیه شاه کلام
 شهر یار چینه واروی بهر ازاره اکدم افی قصه و ایدی بیاه
 جلد بیکر اولمشیدین انم جهم بو شارت ارفی اندکرم سیم
 هر بهک طباک و شارت جلدی هم میامده لطف کافیه الدیر
 بر ناه ده کورده یکه سیماله بنده الماس کله و شاه و کلاه
 جوه اجازت بر لک کلدیه اولور انجلیب جوینی اورم یسیر و
 خاطره لکجه بهمان شهر یار اکدم قد ایدی قدر و اعتبار
 بو تر لب ایتدیه ز کس غ طوتد رفوشید این جام و هم
 ذکر با صیده بر ایماله اولدیر نکر استقبال له خوش حال اولدیر
 ایدوب اوله کوه اوله کیم بکشم اید یار مهر و ماهین نر جام

میزبانه عرس بکوه پیراق کورب محراب طوس خیام
 زین طباب و سرامقانت کرم و جفای اید یزین
 قلوب نوازم کافرا فی و درایع بها تاب فی اوزح و لا

و نیز ترتیب اوطاف الیکبر و یکروز لب غیش شوی و بزم و غنچه
اول غنچه

جوه برنده طور می سلطان	اچدی خنجر قیوس کسر
عالم شوله مکلوزر قلدر شکار	یزر اولدی صحنی غنچه اوجوزار
چهره افاقه اسرور لایله	مهر اچین عشرتالیر سور لایله
دولقد ربط ایلده زیر سناط	بر یوزینه طیده نورانی سناط
خشن اولوب خوانی کرم مهر بریکا	اولده و عشق طر و ستر اسر صفا
یس بونده قلفین سلطانه طوس	چین سحرده اندرب بیکر صقیق کوس
بیر او غرور زخمه اورده یار اکا	دولدی کوفه بر دیار عالم بر صفا
سنا و ب شوق و صفا عالمین	صور لر اتدی قیامت و بار
یاقه سن صبح و ش کالی قلده حاکه	بلبل انده دلده اده و در ناله
رقص کرده سرور عرو و عرو	بر شمع اولده صفاده مهر صفا
یینه او ایدوب شکی طوس اوله	اچدی بر یوزینه کینج و زر
نیم کینج زر کهر طرور لیر	عود و غیر شکر و ترخ ناره
نیمین انوله و یفا اندر	یمنی خلوص اچدی یفا اندر
چونکه شاه اتده بویوزده یمنی	اولده یقین بر کشتن خدی یمنی
قلده مهر لر برنده پس قیام	سر سحر ایه طوس اولده یقیام
اوله قیامت عرصه سی کبی زمین	اولده یکسر سحری ظلم برین
اوله قدر اتده طهار اند فحام	اولده ابر شمع سنا و غنچه دام
نهم اقسا یمنی ک یقین قاور	توش و شیر نیک صابر صبور

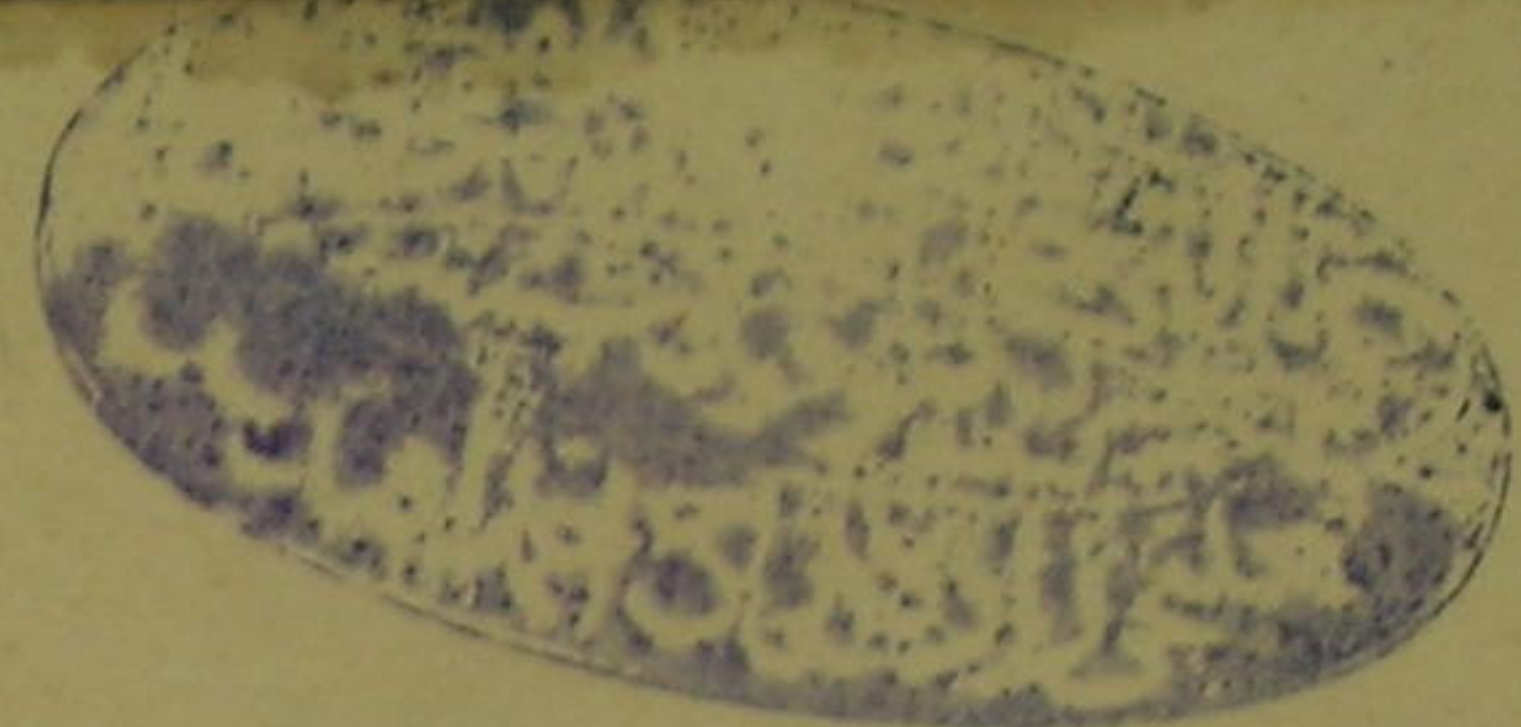
کم صوبانق ایدر ده انوع	واریده هر نوع و حبس کیم عد
میز لب زرین صفا بی صاب	بر یوزین سنا سر لایله افاب
سیم تبسیار مانی تا باه ایشال	قلندیر صحنی و زین و بال
بند چینی کاسه در کوفه کبی	نیم کرده علقه بفتوفه کبی
بریکا شیمکم موده کوفه ایشال	اوله یکار قاص اولوب ایشال
ایلیوب خوش زینتی نقش چین	بر قلب دیوار ایلام مهر اچین
طوسک اولده کوفه عالمه مرصه	خضر اباد و قیامت عرصه
وش خشت کبی اولدی کلمستانه	سین زار و لاله زار و برستانه
صحر درمن ملک کیه خال الذره	مهر و با صحر سین وید یار نوره
زر نهاییار ووشنده زنگار ونگار	خواب و اس صا و ش بید و بیکار
غوت و صد ریل بولوب افکار	سینه کوه و تنکا ل شیر و ار
قور و دیلموس ایلوه برکت زر	سر سحر کرده کیم غرق کهر
مهر بر نیک بوزده اورر مهر لاف	کوکب و زده پس رفا نوصا
نیم کینج زر سطرلاب جهانه	انوع ضمه اوشن رسوم نطاف
رفعتی یوز یار کوفه و زین	عالمی عقیده نقش رهنموده
قور و یار ساغین اوجو عایر کر	سیم و مالصده قروش مسر
جله کالی یا قوت افر زینتی	عصا صفقه برو تدر قیامت
اوجو سریر صوله یقین آدر	صد کاهن بزمی تو یمن اندر
وصور یمنی قوناق عاصه	نظم یکسر اطلس و دیبا جده

صندیل ایک قول الجیم صاب
 ہر بری برکوشی ذات البرو
 کمی صندل کمی عوم و ابنوس
 اوکر نزل الجیم فوسندہ فوہ
 عقال زیو کہ کن کارہ کنند
 فہ رندہ برک سطح فلک
 قنف و صنف ایدم اولہ برک
 جوہ قنوتی تب وزین اولدی تلم
 الدہ واروی میر وار کاہ قنوت
 صندل ارادہ عزت و تقطیم
 بیش روکلی ایلب اقبال وار
 الدہ کلہ لولہ فکر الین
 کجہ زرکت اوزن قافا اولد
 پس مایا بلشیر و یروب یمین
 ایلد یار ضروری قاف یار
 لاہجہ او تورو و امو یانہ
 کلمن اولدی لاہجہ بنی خنای
 شاہ و بنی اولدی شاہ قاف یار
 ہر شہک سیر فی قیمن ایتد

اوکر در رہی بر تو ماہ صندل
 یا فلک رشتہ بونہ سرو
 ہر اکا زرن طالبہ سندوس
 طویلا اقلہ کہ ایلہ سرتیکونہ
 فوسن ایلہ فوسن ایلہ تندر
 صندل و صندہ سبوع الور ملک
 کانہ خیر اللہ عقل انی جاہ
 نیکہ کور مینر باذ و نکر و نام
 شاہ چینی صور دی رکاحندرو
 بہ نہایت و متونکر عیال
 چہلش حدش ایدوب خاکسار
 تاہی کونہ کمی زینت وین
 بزہ بر نور ایلدی ہانتہ بد
 الدہ صانغ یانہ او غلہ شاہ چین
 مہن و پروی و لہ و زود یار
 نولہ علوق کلہ علوق یانہ
 لکلی لا بد لولہ یارہ کاف
 اکہ مہم ار و شیر شہوار
 بیدہ کوفہ کمی تیر تیر اندر

بیدہ گتہ بیدہ شاہ ایتدہ قرار
 صندل نہ قلہ رقر شومہ سیر
 ایکہ یا کا باقی اعیانہ وہ یار
 پس کلون ہار و سپاہی جوق جوق
 شاہ چینیک باہ طلعت قوتلارہ
 کونہ کمی التونہ بنش جملان
 طوبین الماسدہ تیغ و شتر
 الین شاہک قفاسن قات قات
 این فریدی لولہ رجا اوم
 اشبو اسلوبیل ہر شاہک تمام
 ہر بری بر سر و قد و لکش کوزلہ
 مہر و مہن قفاوارہ اولب
 بزہ برو جہیل و بر شاہک
 انی و جندہ طور دی برو کوکلیار
 میر ایدر کن اولہ قیامت عالمی
 بیدہ جوہ طور ہن او تور اشک
 تور و لریا کلب جاننا زلہ
 مہر و بنیین ایدر زیر پا
 ایلد یار اہل مہر و ہاہل سیر

بیدہ جوہ او کتن بیدہ کلہ وار
 شاہ کاہی صانع و صولن سیر
 صندل ہار اوزنہ قلہ یار قرار
 ہر بری اندیلہ بر طوش سوہ
 ہر بری شوکتی مہر و خاویہ
 ہاہل بکڑہ ہر بری بر سیم و تن
 بیدہ سی تیغ و تیر خوشید و فر
 اہل سیر کہ عقلند ایدر رمد
 بیدہ کوکدہ ہلکار ایلد
 پنجہ بیکل فرین کر وین غلام
 اور و بن سون صنف خوشید
 باشی او کتن ہووارہ اولب
 کوکلی چار لہ قلہ شہی باہ جوہ
 نور شہرہ سیر ایدلہ ہاہل
 بیدہ روی این کلمن اہل
 ایلدہ اہل طرب جنبہ سیر
 ایلد یار و نغ و ش پروازلہ
 طولدہ اہل سیر و صنف شہا
 قلہ یار جوہ تر از و شہر



کسوتی افاله که بندی به شمار
 چارمین اولی عاصم قلندر
 بهلو افاله که با بش کورش
 جوضه جقدی سیرجوه ایگ کنش
 گاهیشی باده او نورکنی که طبع
 طویله دورانه کیسی اخو ایچ
 بریکام دور اولی کاسه باز
 اولدیزر کاسه لوده نفه ساز
 وندرب نوجو جی بربر با غیل
 اویندب خوشیدی کهولا غویلا
 لیلدی الققه هر برنا هو و ر
 نیچ یوزمه انن اظهاری هنر
 بی کلمت او زبانه خوانا لار
 جاشنی کیراه و نساک بار لر
 هر بره دستن زرین پیش کیر
 با همتاب انوز و صلی بنیر
 دور ایدر کین جنبه صحنی اب
 اندر زرین سماطی شاه و راه
 یو تارن نصیب استند قلدر
 یاشه لاندی زینبی و انور
 یو تارن غرق و یردی عالی
 یو تارن نصیب استند قلدر
 یاشه لاندی زینبی و انور
 یو تارن غرق و یردی عالی
 یو تارن نصیب استند قلدر
 یاشه لاندی زینبی و انور
 یو تارن غرق و یردی عالی

ینده اجلده م عالم قلدر
 قرض مهر و ماهده س قلدر
 میر باک سلطان غلام و حوایق کرام و رسم رکاه نشا
 هی و نوازیم این یار شاهی اوزن کیم الله ضیافت
 ایدوب و برای تشریف و تفریح و مولود لوار ارباب
 لوبازده بره قلس ارا لفیقه
 جوضه یلب اولدی طعام ازی تمام
 ایرده دور جام ایر شدی وقت شام
 ریلدی افاله که اتش باز لوح
 قلدر کوبلار له جنم انداز لوح
 اسماه بنار اتب بر سر سجده
 عالم و یردی کاه افسانه لایب
 مهر ایچم له ایدب بزم ساز
 ربور کسروی جوضه حق باز
 یس یقب فر آشلی بیدجوانغ
 بولدی و یردی لجنم و غنچه و
 یاشله طور فر اتر علق کیم
 یکدی توپکی رو قوصاصق کیم
 حایه فلفله دموز دی مشرعه
 زلفی مسکیندر حایه قلدر و
 باندی جمر کج کرمه و رده
 صولدی یار بزم ایچن باورده
 بزمه ساقی کلب پیش اورده
 قاو شرب الایاغن طورده
 زمره حصار دزله و ایس
 عکس ایچم و شده صن کوکده ک
 میدی اطرافن جوهر جا بار
 ایکی تولده سرو سیم اندام لر
 قلسی و ریلدی کوه کلس
 طولب التوقد جار کوه کلس
 عالمه قلبن منور قلدر لر
 زهره ایندی تنظر قلدر لر
 ماه رول صونده یا قق و این
 چهره کوه کلس اولدی لعل نایب

هر که روله تریاک جانده نوش
 قنبر قافه جگرده قلده خوش
 بزم ساقی نیچ افوه بیور
 طاشی لعل طیر فی التوه قاور
 هنک یاقوت منقوش در می
 مفعولید بر من یوزیلان غی
 صوب بود رجاء بزمین قنبر
 قفل افغان کلیدی میا
 بایه جانده حکم اصله اول
 نوریزم اندر بقافه قولی اول
 مین زر مشع اوج خفا ناره
 صمیم وش مطلع انوار در
 اولفین فوق و حیاتی علی
 رو و نایه میر میسی ایشلی
 شمع روینده اورنورده فکر
 جام مع ایلین اسکندر
 اب صرا و قس امینی روا
 کلم بود راواض و صحنه روا
 ناکلی جو ده ایدر پیرک صوا
 صتی سانی ایلر و طبع روا
 بفری فایده صراچی و فکر
 اب و روسد صفای عالم
 تان زمر که نهانی جو کیم
 ملدی اوج کاه جو و روکی
 باحصله ساقی ایدر بزم ساز
 اولده مجلس ایچی بر سوز و کداز
 بلبل بزم ایچی طودی گفتوگو
 بس کلر مطرب او رمی سرود
 موم جکب و لده سراغ از اندر
 نفرا و جنم پرواز اندر
 طوبین راهی مجاز بزمه
 قلدر سیر غراف و اصفهاده
 نیار که جایشی بر مود ایتدی
 نفوذ عود که یقب اوده ایتدی
 جوده ربانی قلدر قانون یار
 سیند رمق کیم اولدی شرار
 ملقار جو فکرمی جو فوش
 طوده مفاخر کم اولدی کنش

خوبار له بیل رقص انده فلک
 کوکده اچسز ایلده خور ملا
 ایشو اسلوب بیل ایلر و شب
 ایلدی کتر تو بزم و طرب
 یلنه بوجا بن عذر او فزی
 هم ایدن ایلیم صفت مر و کز
 یار اویلب و لیدر و ایدی
 هم میا شاهی هم میا یوده لایلی
 نی کیم و لده قلوب جوش و فوش
 یکم کندز ایلدی کیش و نوش
 قمر او ملشد حال لایلی
 پیریز که کرده کیم اختر لایلی
 روضه و جنت کیم باغ جهاده
 زین اولی قلندر حیرانده
 صامتو ادم بوتصویر حال
 ایتنوه افسانه در میوضال
 میمنوه اولر نو اسلوبیال سور
 کمتوه بوقه تمثیلده سور
مد و اصف صفت بیما نطفه ابراهیم با شایسته با نیا
 اصف صاحب قو اکل بر نظر
 سوره تربیتی سیر اندکسر
 قصه اکار لشد و خنده
 سوز دروم بیور و کوفه قله
 اوتوم بیره ضما اکل بویا
 صدق و کریم شاهی ایل عیفا
 نوله اولم منتزل اصف بکنر
 اسم بونده بیکر کز افزوده کوفه
 بنی و مقبوله صدد تمام
 اشکیده سجن کابی خاص عام
 فکر و دانی کشور که معارید
 عوده هو بهر اشم و کوفه یارید
 بن قلندر سخا سی عالمی
 بنجه خاتم جلال ایل عالمی
 حامد مین و خانی ملر و اوله
 اوله سیده لایق ملت و اوله
 کوکده انده نام ابراهیم اکا
 یف و شمشک قافه هر کم اکا

قد و جاه و منزلت و راه
 مدد صاحب قزاقه صحت سلطانه فلان
 بر شهنشاهان اولید جاگری
 خلیفگی که بن سید میرزایه
 ملکینان برتر کید حاقه جین
 امیر حاکم و امان بنم
 کعب سلطاندر استحقاق
 یام کاریدرنه امان و خا
 ملک مور ویشد روم غب
 خوف تفتنده و ناک و ناک و ن
 بند و سنن سیرید و صواب
 جوق استم و سلیمانوی رکا
 فتنه یا جوجینه یثقی سیدی
 سلطنته منافع اتن ارچند
 و بهر خاک و رکبیران رو
 برکنشدر لایع شاهین جهاف
 افتاب زن ایل و بیایه
 قدر ناک فرما و او ایلند و
 جوه جناننده بکوه و ماورن
 شکم مکی نمزد و نش و مودده
 کم جهاف سلطانیه حاکم و ری
 حکمند فرما بریدرانس و جاه
 عدله امور ایلند و بهر اچین
 تاجور و جهل سر افکنم
 و بهر شکر در رایت استحقاق
 جهل سلطانه ابن سلطانه جهاف
 فتح ایدرس عامل او ملز غب
 قاجوج میر بولیز ما نند روس
 اله نولاپین و ماچنده خواجه
 یان شرافاق سلطانن اکا
 اوله سکندر قدر و عقدند
 بلکه جتوه له اندند بیلند
 خلق بیلند جهاف اندر اشیر
 بر توه و صفین سنن و خا
 هندستان و عام و بهر زاف
 قصه تی اخو قلب عذر که و
 اوله سلیمانیه زاف سن مورن

اوله و خد اش لایع اسقین
 و ای و عذرا یه و لایع افی
 بهای و میری و ای و رسم و این و اوز و کا
 بین اید و نکاه و اولد و عیند
 اولدی چونکه عیش نوش او تمام
 ایلین عالمی بر سیر و جمع
 موند و کوه کین اسطرلاب زر
 مقصه ایتد یار فکر حالن کی
 خانه و انجیم کوردی سر سر
 او قدیر قطب و عقد نکاه
 ابتداء و ای و عذرا یه
 مین و این و اوز و اید و بیل
 نقد عقد و چونکه تعین اندر
 بهر طرفه ایتد زر زینار
 بهر جوا بهر قلدر و راه اچین
 بس و زی و لایع انجوه و فی
 ایتد عقد و نکاه و اینیل
 میر اید و بیل و عین و عقد
 منیر یا انجوه بهای و افی مهم
 کوه کین و کین و کین و کین
 و ای و عذرا یه و لایع افی
 بهای و میری و ای و رسم و این و اوز و کا
 بین اید و نکاه و اولد و عیند
 اولدی چونکه عیش نوش او تمام
 ایلین عالمی بر سیر و جمع
 موند و کوه کین اسطرلاب زر
 مقصه ایتد یار فکر حالن کی
 خانه و انجیم کوردی سر سر
 او قدیر قطب و عقد نکاه
 ابتداء و ای و عذرا یه
 مین و این و اوز و اید و بیل
 نقد عقد و چونکه تعین اندر
 بهر طرفه ایتد زر زینار
 بهر جوا بهر قلدر و راه اچین
 بس و زی و لایع انجوه و فی
 ایتد عقد و نکاه و اینیل
 میر اید و بیل و عین و عقد
 منیر یا انجوه بهای و افی مهم
 کوه کین و کین و کین و کین
 و ای و عذرا یه و لایع افی
 بهای و میری و ای و رسم و این و اوز و کا
 بین اید و نکاه و اولد و عیند
 اولدی چونکه عیش نوش او تمام
 ایلین عالمی بر سیر و جمع
 موند و کوه کین اسطرلاب زر
 مقصه ایتد یار فکر حالن کی
 خانه و انجیم کوردی سر سر
 او قدیر قطب و عقد نکاه
 ابتداء و ای و عذرا یه
 مین و این و اوز و اید و بیل
 نقد عقد و چونکه تعین اندر
 بهر طرفه ایتد زر زینار
 بهر جوا بهر قلدر و راه اچین
 بس و زی و لایع انجوه و فی
 ایتد عقد و نکاه و اینیل
 میر اید و بیل و عین و عقد
 منیر یا انجوه بهای و افی مهم

شماره ایلات و یرب جفت اندر
 بی تو بکار و ینب بالاتفاق
 عقد ایشی افرا و یوب بولد نه نظام
 پس خواتین جهانه مانند شمع
 اریب نشاط لای با یه مثال
 اولین خیراته بجای ایلدنه
 صله ده جوده عکسی رفی و ایتان
 و یدیه یر ایکه ایکه اولده باله
 بو عقوم ی ضیاعک بقت اندر
 میدر بوروز کار و یر و فاق
 ایلدیر و صلیتیه ر تمام
 اولده یار قمر نگارین اوجیه
 این زارنگی ارب یوزیک خیا
 و و تدر کوه کبی زرین ایند
 و ترمه به طاقه اولد ایتان
 زیر و بالا یر و کوه طولدی باله

صف و صحره نشاط برابر و

کودمه ابر و سی خیا لیر و سم کار
 بیقر اسنده یکلده راینی
 نوره جانب تشاره قورش کاه
 صوندیه یاینن ماه نوکلی بیما
 سر فرم ایدوب حیامه قلدر

صف سر کشته

نوکلی ایتان و مرکز سر و وار
 غمخ سی شیمین جکدی اود و ییل
 غیر تنده ایلدی اشکنی نیل
 میسب چشمه قر و یر و وار

صف شان زده

شان ساچینه اودم و رکن ای
 صله ده غده بوبالده اینه جاف
 اوده اسکین از و کاه اینجه
 نور کجای زلفی صرشدی می

صف ضاکر ده

جود ضامه انقش اولده سر
 صفی کفی طوبی رنگین رنج
 حرف ایتب بلده ی قدرین خیا
 خوه عاشقده و یواتید خیا
 صوندیه و ستین بهکی ضایه
 اولده سبیده قلده یونقش قبوله
 اولده غده یرنج و جاکش
 سیم الف اولده زرین قلم
 کال لسی یوققلدی بغه ناه
 یجلی یاجهاه حلقه اده
 اولده سبیده قلده یونقش قبوله

صف کلون کرمه

نور و ینده اب کلون رنگ
 سر و رولدی هجالتده شفق
 کل کبی و یردی رو کوه رنگ
 یاندیه اود اولدی یو خالده
 کل

صف سفید اید

صدیه جوده مهره تنور ایلد
 بلد لر تنوی یوقدر رصیا
 جاده سفید اید بجنرا ایلد
 نیر اسفید اید کافور یل اید

صف کوشوار

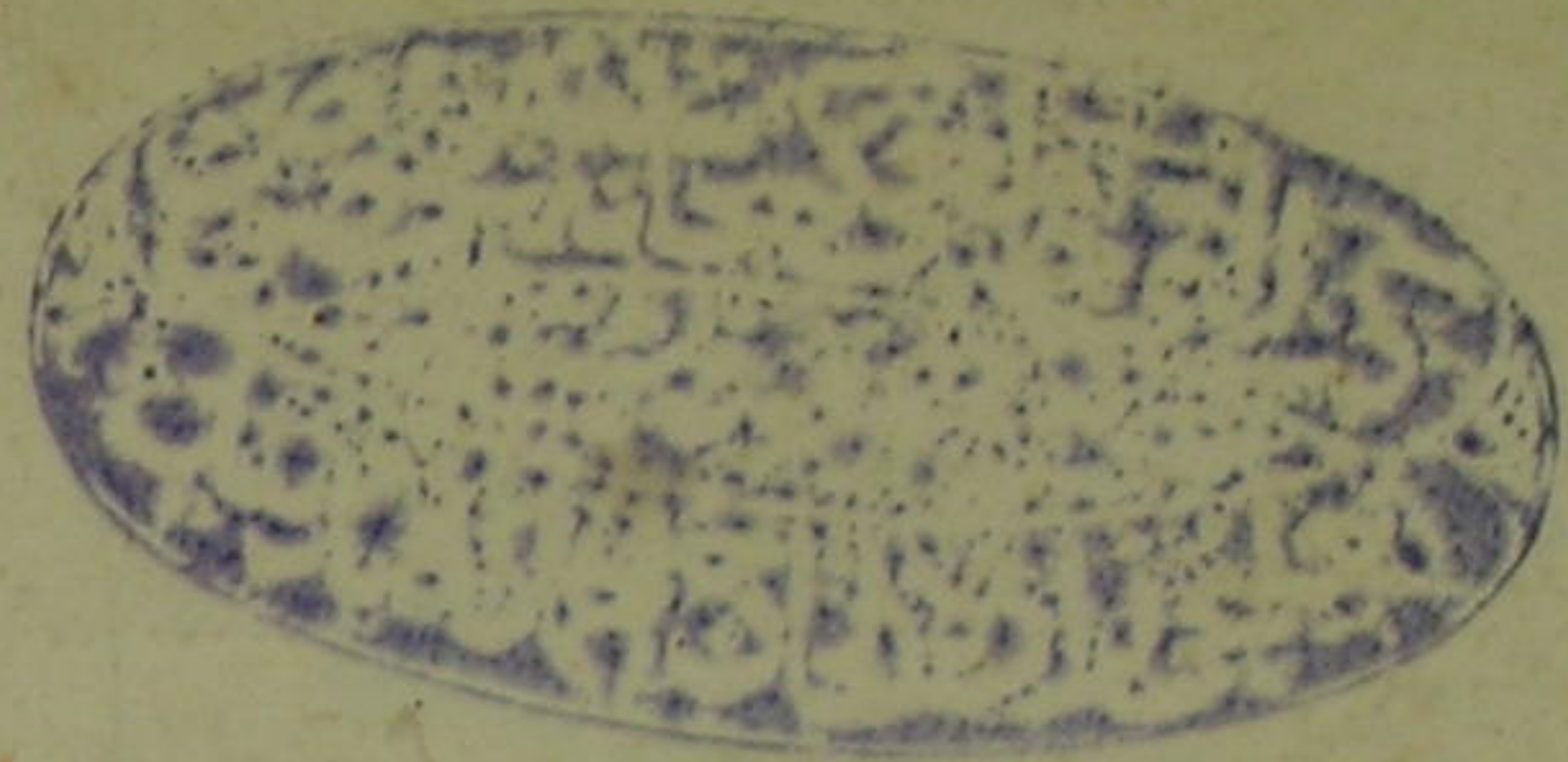
اولده صدق نوشین کور بعل
 بواش صیرا ده قلب یو فرین
 سینسی و لده و تری شاه وار
 هام و یر و ین کوکده ایدی نفون

صف کرمه اید

اولدی کرمه بنیدی جوده سلک
 عوض اولد اوله کهر زنا کاه
 قلده عکسی یجینی نور و فر
 و یر و ایدی شیرا ده اتش و اده

صف زخیر و زر

صبرده اوله سینیه صاف کار
 یر نوی خوشید اید زخیر و زر



صفحة الكثرة

جو کرا ویدی و سیتی اکثره
صاف صاف لاله لوزین ایلده

صوندی فیروزه نیکین و فخر
کال نهالین لاله لر زین ایلده

صفه و ۲ و یک

نوز کبی جوہ اور در شہنہ تاب
الہیہ مہدہ باجہ و اخترہ خا
کیدہ اولہ خوری جو نوز کیل
ایرہہ یرہہ جو خورایہ اتھ
نروہی خورہ قلہہ خورہ
جسٹ جوہ کال کبی الہ ایلہ

صفحه و میانوسمر

رشته به جانده بهای او عالمه فرخ زرتشاغم قلده لک کوهر لک فرخ

صفه اوز بوشيد

کمال کسی جوہ ہونہ کیلکہ اولہ کفار
 شام و حجابہ اندہ عاب و جلاتن
 صنہ اولہ لعل طود ایغی رنگیدہ
 قلکہ بیک ناز یاریندہ قیام
 سایہ سندہ باغ خانہ اولدیکہ نین
 چقدہ جوہ صوکی قفرندہ وادہ
 قلہ لرا چینی رویاہ چاین
 و این کال کب چینی اید و انج کرو
 ایلکہ سروایاغنی لالہ زار
 لعل غزق اولدیکہ قصہ عثمان
 کال کب رنگین یگانی رنگیدہ
 سرو و لکوبک کترہ خوام
 یس طوبالک ووی جوغیرین
 سرو یاریندہ یوزرائی و جابہ
 اولدیکہ جنت کشتی صغینی نین
 ایلکہ کال کشر ہانند ترزو

پوریدی لطیف بر ایکن قدم نوزده سیرده و کده چوقه اوزن عم

صفحه اسب سوراخ

جلد در بر اسماة بیسم ابام ایام
جلد اندانی فلک تنزیندی
عن سندة نوزالوروی صبحم
اولو خاتونکر رکابن طوتدر
یوز بیکان اغاز ایام قلدر یار سوار
کیم طیفوری طریفندة صبا
ماه و مهر لاکا جام وز نبدی
طری سندة شام اولوروی اشقم
نورده هایمک نقابن طوتدر
صنک کرده اوز مهر تابدار

صفحة ٥٢٠

ایله یار و خا اطله ده تو ق
نور عین عالمیدی جو ده او جا ده
میرم جو ده جا ده لی کر لنده اول
من شوق یکنم ماه اولده کناه
شهر ایچنده غم صحر اقلدی یار
گاه اولدی مهر و ماه نورنده تو ق
یهر ساز اولوب اوزده قلده کناه
تا اکا چشم صحر بولمیا یوله
لعلکن ابراجو یا خور مهر جا ده
بر نفی کلکشر و خفا قلدی یار

صالح

بوجهی رسیدن بنیاد اید
 بویله یاز شکم سلسله ی قاف
 حشر زینا کتور ح کوفه کی
 یابین اوله یه اوج عایقه
 طوس صحران قلب جنبه شال
 قصه شهربستانن ابواریده
 ایتدرب جاه قومینه مهره طواف
 فقر رینیاو ایدوب کرمه و کبی
 وصله ابام اورو او اهل و
 بگمشدی نیمه بیک ناز که ضیا که

و ابو ایخوة الله تعین بیر فر
 لایها بنخوة برین ام ایلدی
 جلدنگ اب و هولسی جاذ فاه
 ایر شب القصة اول قوم کرام
 بغلیب قول قول لایال طور وار
 یونلر که تشو لایت خاقانه چین
 اولدی عذر ادر و کوه بر لیل غرق
 حاکم یایه اولغین اشک رضا
 یس نکار سی طوبی اغراز ایل
 اولدی بی حاقانه تسلیم ایتدی
 جوة او غوره قلدی یوققره
 شاه مودیاة و هم و افی نهاده
 و لیزیرک و ال بو اینیلا
 اولد یقین فقره الوب کلدیلا
 یلید فقری سیر باط بو یکه
 هر بره هوش ایدوب بر چین
 اولده این عوسسی قنور
 مهر شتر کیس و ام و عذر انکس بر بر صم قراره و لاله
 باقوت مانند بر بر صم القتره اندکادی

جو تکد بود هر جهاده لایند
 بر شمع ایدوب فکر کا شانشن
 کل کی قلده شفقه الطوائ
 اولغا کونلک کبی خوش سایه
 یس اولوب بکار اولوب برین
 و انقی سیر شرت و نفی طمیل
 شام لقا برک الو ب کلدی
 اجوبن جنبه سر انش قاپوسن
 ایلیم بایله کوه بر رنشار
 مندی بکار قلده نهها ان شاه
 ایلیم خلوت سرا ای یان خوش
 میدی شایا بیورده لاله شام
 شرفی یوز لطیفه و بیک اکام
 اولد سرا به حاصه جنکم بصیه
 طولده کلک بایکد فر و سی برین
 صکر ایدوب منزله بلقیصم
 قوشوایب شاه اولد سرو خام
 اویده شاهک دست کوه بار
 آتش شوقیل جوة طوشده
 مندی ترتیب و وسی لایند
 هوزده قوشده باهکره کل خان
 لاله وار لایند سیر یی رواج
 دز بر بر زین جنبه اسماء
 قلدر کوه کبی سیر یی حصار
 صد هزار لاله غرت و تکریمال
 کوه یوزنده جوخه بر توصلدر
 قلده خوریلر او شایه طابون
 اولدر راجنده جانده مالکار
 اولده حوریلر او کچی بیک راه
 اویدیلر این یوز اورب سایه
 سور جهاده طور مرقی و رانده
 شوق و بد صرور و تاهال
 جاغب کوه لاله ملکار و صبا
 دقصر کوه بار صفاه و حورین
 مهر اوینه بصدی یا علی قدیم
 لطفل قلده الف قدینی لام
 قلده تسلیم اک کوه بار
 یهوانر کبس ال طوشده

شماره خال لبسته کام جاده
انگلی اولدی چیلتن ملک جهانه
به شب اکی نهاله کال کبی
نفوذ لک اندر بلبلر کبی

صفه بوسه کاره

بربره لعلن ده الیه بوسه در
بید یار یخت شکر سنوسه در
قله اول نمکه چاشنی
تا که طوبیله در وصاله اش
اول نمکه حاصل اید بهر جاده
اول در شه و شکر ده کاره
او شرب اگر طوقه کلار
قله راشفته ده سنبل لک
قنده اندازد مشکلی به قدر اندر
ملک و مروه صند جوی غدر اندر

صفه دست بازه

لیرون اوله یغما جیلر بتانه
اورده در سب و زنج و ناره
کوه بازه ایلیم دور اف کبی
شاه سروی اکلر جو کاه کبی
انده اول نازیل کال کبی قرار
دو تدی بویوار رفیقین سایه دار
ایلدی سرکشکل اوله اهو کبی
سور و پوپایه سرو و صو کبی
یاه کویاه رقص بر جوش اندر
جابه خانی عین منقوش اندر
شیره اوز اولین اهور بویه
قویون سرکشکل ویرمه کبی

صفه عریانی تن

بس اورب و اوج و خستانه
قله بر بر جابه رقصه فی صر
چقدی سرونده جو کال بر این
بر تو اورده کوفه کبی نازک تی
شمن قمر که سراسر قلده تان
قله خیاره کولم خور و قاهران

دانشکل اوله بر تو الوب وین
بلده برین ساعتین سن
میده بونور بصورده
بو که طاقه این بیور می بر
کم افقه بونکل مین افده بده
صل طولش پیر هندروالده
شیل و ککش نازک در زین
صاد طلسم سیمه زینیلر
کوستر جاده صورتن ایلین فام
کوردی هم در می بون کس جام
تن کمال در عده در بوبده
ریک کله ایجنه زکین رسته ده
شست ایجنه بی صافی مثال
خوندر اوله کسره نازک خیال

صفه بتاه

اوله اکی بتانه جوه قلدر نظر
صانده جاده چشمه اوله اکی کله
میده یارب بو ایاک سیمین حبیب
عالمک عینین بنو ایلر خراب
بکرز ایاک ماهیبه خوشید فر
اب شریزه فقرش طشره
بر نهاله او کتنه ایاک غبیه
هرینه تشبیه ایلیم بوز ایلر

صفه آف

نافی کورم کرم قلدر و کال لاله
صل صبر و تنه قالمادی حال
صند کم نقاه سلطانیه اوله
یا نهاله کله سلیمانیه اوله
میده یارب بو کوی حلو اید
کوکن بتمش سارگی ایلوا اید
صحن اب او کتنه او کله ریک
کم و در نیلوزی خوشید فر
بر نازه کال کبی اورده آردو
بس نظر کس لین قلدر نو

صفه زیر جابه

کیس لکش کورده جاہ نقد تمام	ایلمش بقلب قه قه ختام
ایلمش اوله کنی نهانه با سباه	خلف اوله ایک بشلو بر یالقه
میده و این کج صاج قراه	مخو رفته اتشمه بکراه
کور دم بونکال کبی و ورطلم	فتح شکل رکه ابقا و بر بوا سم
بویال و یلب قلده اقدام اوله	مخو رفته بکراه

صفه باید و عشرت

اله اورب صوبده کافن غمناک	کلی کبی بندینی جوزه بو غمناک
روشن اندی عالمی نوزی فلح	کوه یوزنده صکر کتر لده شفق
نقد جاہ اولده نهاییکن غیاہ	عقلنی یفالده شاهک سباه
کوره بر عدله قد صدر نقوده	ستر او نور یلاله بروم سیرایه
اب صواہ چشمه سید بکراز اوله	جوه جنت اشمشید بکراز اوله
سر و ایزه خون بکراز اوله نور	جنت الجیرینه بکراز و مقصور
باب سرور حسن صینوه جوه و	لکله انده اوله ملکه وصال یوله
ببفیه انتقا و ریدم اگر نام	اوله عنقا ببفیه سی اینیه نام
برکه کلده تر شفقه بر نم و	ایده روشن کننده کر آمد
باید و ر قونش و کال انکشا کا	ایر همد انش و جند اشکا
و بر و سیمین و نیندر کاهه فر	قفال الماس و کلیدی لعالی و تر
کوه کبی شافرا و اندر نوزده	یا بکشل حوضه بلتورده
با صحر کور کم ایزه شاه ستر	و یلده کاهه اکا ستانه

تشنه کله نوش این اب حیات	یخبه سی اب فزرت اب حیات
اوم زور لطفه تکین ایلمنا	خوف ایدوب قصه تمکین ایلمنا
یتیم سرکشک ایدوب اوله سروناز	که رعوف انده کاه اندی نیاز
قد رین که تیر ایدوب کاه کما	قلعه ضحکین ایلدیلر بر ناه
عاقبت اولوب لاه اولدی این	قلعه سلطان طبره و یمن
جوه بویوزمه قلده طالع فتحنا	سین یور یوب ضرور کوهه هفت
اوله سراپه حاصه بهما ده قدم	قلعه اوزن کوهه کبی و کده علم
اوله علم بر ل شمشا صی جهاه	یبه جوزه ابر صنی قلده عیاہ
جو کله جابو ل و راه ویر و ل	حاطر یکن عقن سنی قلده حتر
اوله شاه صفرو ل اولدم بیاف	اب صواہ چشمه سنده کاه واه
صحن کاهزار اچره و کده بر ناله	باغبانه ویری قلده و نکل و لاله
صفه یاقوت و جاده اشکری	صبر و و الله کبی جاده اشکری
جم کبی طاقندی لعال و انکشر	بولده کرم و نه کبی یاقوت تکین
لبه و مقصود اولسوه و یویول	قلده بیلین اب سنن سبی اوک
یاز ببفیه وصال اینه نام بی	اوله و ورات سیم تیدی خاندی
خا به جوه نیساده و ش اولده قتل	ایلمدی جاده باغنی بر بر کوبار
بولده بوا کیره جوه عذرا و صوله	نیلدی سر ایلکال اوله بر او صوله
بلدی کاه اولدی پوتر بر سیما ب تاج	طو زرنی انده کاه و لاله
قیلب جوه ایلدی قوق زید	لعال اهر اولدی عین رسد

باهن کبی قلدر کاهن شناه
 طوغدر طولند یار با نند باه
 برینه صوبت اکنه بشاله
 ایلد یار صور یک اشفته حاله
 لیدر صومده صوبت جوه جابه
 ویرم کوکوده تابه و مهر فر
 دور و زناه رباب و جنگله
 ایلد یار زهن سازه شکله
 مهر و باهن بزهر قاق اندر
 کاه بزم و عام و کاه صان اندر
 کجه کوندر البویوزمه با حصه
 ایلد رعیش و نوش و بی بده
 پس و رنده زور لید و ج وطن
 رولده رعیش لجه حواط و رده
 میدر رولده شهر طوس و زین
 سیریدر کاه این و ز غزم و دیار
 رعیش صومده کجه رولور شور
 فقه ایلکین فتنه لید اولور
 خلقه بو کیک صحن و نیامار اولور
 یاه شاه جوبانه رعیتد ره
 کر کجه غفلت کر کمر بود ره
 ایلد یار بجه بویوزمه اعتذار
 هینر باندده الدرعزم اوزج بار
 پس شوغزینه کور و یلیراغ
 دیوشلده بار و نیک اوتانغ
 ناز لور و راه اولب قطار
 سار بانلر جکه اطوبت مهار
 صوبت ایانغ اوکت کله ایانغ جاده
 طولده غلفله زین و اسماه
 یاز باه سرحدده کجه هر ضرر
 کوندر صوبت ایلد ب فتنه قور
 الوداع ایلد و ب قویار و سیاه
 هر بره بلکنه قلدر غزم راه

صف انقاهون روزگار

یولده حایه جانکده هر ناله
 انقاهون اوکتنه و کوه و کاه

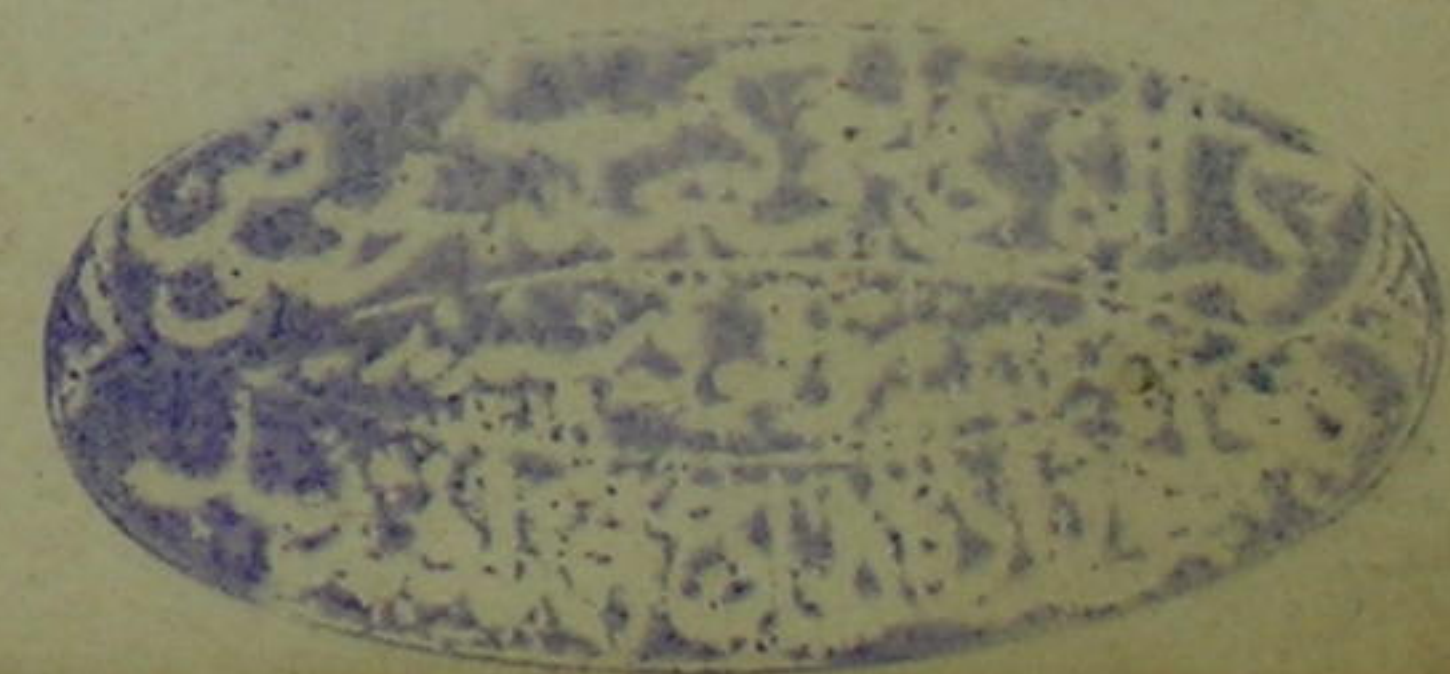
کوندر بویوزمه طغدر کلس و مهر
 برقرار اوزج و کله بویزه
 بریشاند قو جمعیتجه
 هر ناله غزم و شوهر نیمی
 لطف و قهره توه باند و روزه
 کاه و روزه و عذر ایشی کاطب
 مهر عمارت کیم اساس اولور
 تیزاید ربار فنا ای خواب
 جایز اولمز ابا حکم استناه
 عاقله اولور بوکه ایترا اعتقاد
 پنجه عای قدس باند و جوه
 پنجه جان شکسته اندر بولور
 بیکه وید و نکل و زین هر ایلده
 شام کن صیحا کجه فوفه ایلدی
 زاله و و راه جوه او قور افجور
 رستم و سائیر قلور بفرنی هم
 پنجه سرو و ایلد سر سیکونه
 پنجه شاهک قلدین صوبتد اولور
 حاکم ایلد بجه بیکه سیمین تینی
 صوبت صلتد پنجه بیدر افکنی
 جهر سن مهر و کجه بو عذر زوایه
 بوباه و رده و لین بر کرد ایده
 بوباه و رده و صولدره سندر ره
 بیقرار ایده و ج ابد بودر
 مهر و باهن و مهر صفا نورعین
 عمر اگر هفتاد اگر هشتاد اده
 جان عال صوبک فایندر بو عمر
 مهر خوشبو صانک مفتون اید
 ز نای کجه زنگل و بودر راهره

اسبابی است ندریتز و یوز
 بولد و غن ایار بواژده باغدا
 کید هرگز وفا اتمش و کمال
 جانک بلسم نسی افغند ایدر
 و لیتنک او یرو یغنی پاک
 منحنی کینه صفاس پر کدر
 کرم باطله یان و لایم و جهانه
 و اریوری بوقبله و بیج اندیش
 باسواهی صفة ایله قلبی پاک
 نوز و صدته یقب سرکن شمع
 کشف اول کوه کلب اطوان و جوم
 لامی کفتار صنما بو یولی
 ایللب بو یول عشق اتن یراغ
 باله و پر اجب بوری شهباز وار
 و یمد ایقه و مشعب قلم پیچ
 لنگ و لوک و خفته شکر بادی
 سو یادی و خیز و اویر و طیلم

خاتم کتاب شکین صفا من کتبه برید از لوح یوزنده
 عند ساریق ایللب ختم کتابی بدو صاحب فرایق
 بر تمام ایدر کمال کمال اخونه مهر و رقیق و دور

نیک کج کمال کلبی بوزن کمال کمال
 کمال کلبی روین ایدر و خشن بو
 بفلنغ او را قینه شیرا بی
 و شتین مهر و باد اندک فک
 خام و مقل اولوب انکشت خور
 یام کار و مهر قلعه لطف حق
 باجه مهری طلقی زنگ او کرم
 اووم خویام الیند و شید
 کجکم قدم قرا طیر اغدر
 جوه شری و و راه اشارت یله
 جوده اوج صیوا و اندک جوش
 ایدر و فیض و مهری سیران ایلد
 صنم رنگین مهر و رفته و رنوک
 سرمد و چشم غباری راه حق
 نوش جاندر لیل قندی بونک
 طری و کیسوسی کرمه و بند خور
 و یوزم میدر غباری یوق بونک
 خار سزا و لوح کلسانه جهانه
 اوله یوز بیکر عیب اجض بر کرم
 بولدی کمال و ورنه مهری اضم
 التی لای یلجنم بولدی رنور
 کیده مهده صفت اندان می
 سوز دینی و روجاه لندی بک
 مشک عین و طوب اوراق نور
 کلدانه ال بلبلا سبوع
 مشک عین بوی نیرنگ او کرم
 اشنامر یام الیند و شید
 همه شایید جهرم اغدر
 جانه قد سیر نشارت ایلد
 صرغ الوین خام قلدر نشو
 بر توم افاقی پیرتاب ایلد
 و سمی ابروس حقه و رنور
 رخا و ابروس رنگین شفق
 سکن خوبرو و میانه بندک بونک
 مهر نور و طلقند فیض نور
 رب و صافیدر غباری یوق بونک
 یا اوله اشاکسز اب و رواه
 رول هنر و منتظر اهل نظر

عین کور و زمین صوب بین ابد
 نفاذ حقده روز شنبه اولد بر جام
 بوجا کافینا بلیش کلک
 نافه و ش بر عطر و قه قه کوسن
 قیس از و ز اولد و غنیم کوه کوز
 عطر جان اولد بشان بر قاله
 ایلیم بن بنم و خیر یل یام
 سیر ایند نار بوی شربان ایکن
 خانه و ارباب کلک نونیشی
 عین اور توب و اینی احسانل
 بن ایسکل لایق قل بن وار
 یقوده بر کس سنی ناریندم
 ویرم کل اولو و ذکر حق نفیست
 بن و عایه شاهد باقی کالهم
 ایله سوز مهره و عایه خاد قل
 حوکل کل و ورغ ختم اندک سوز
 ایلیم افو کنا کاه کل رو یف
 شه کلن او قی بلیک شریف
 تمه یقوه الله الکمل لوبک
 تم



کتابخانه
 ۱۳۴۱
 ۱۳۴۱

مزده بخش اولد بر جهان بین ابد
 بارک الله حافظ دین مبین احمد
 شرف و ناز سروران نامک جو صالدر لوله
 به در در یار جو دیر کوه کان کسم
 ایلک لشکر ملک چهرنی مفهوا ایلد
 بارک ذات پاک که خیره ساعی دای
 کمر برافزون دولتی دائم سعادت دهر
 کمر بزم قدیمی اخوت شاه جهان
 اصفا جوق خدمتک کیدر مبین احمد
 بن نه خاتم ذاکل و صفاییم زیر اسک
 بوخ دمدر منتظر احسان که محزون کوکل
 بود عاجر بند که لطف قدم اوسون شها
 باد صحر شوبده اندر خانه قلیه خراب
 دایا اید دعاش مدحنی ایند ختم
 حضرت بار بر وجود پاکنه حق دیره
 فیض لطف کمد کار عالم اندر نشا
 ناظم احوال دولت خیر و صاحب وقار
 سایه عدلکده رانت اوزره طفل اختیار
 فنده و ایدر بویله اصف مشرب عالی تیار
 بجه حص استوار بن ایلدک هم خاکر
 هر امور دینکیر اولد رب کمد کار
 حضرت خنکار رخا زیر دم اوسون
 ملهم اولمشدر خدا دن ایرینه کارزار
 ناظم احوال دولت خیر و صاحب وقار
 خلق ایکنده سطوه کک کالشمس وسط انها
 بن نگه بودل ویران بابک خوشنوار
 وقنیدر تجدید احسان ایلدک ناملار
 زره لطفکده یاک بوخه اولم اوسوار
 جوق سخن مقبول کچ اولد در شهابوار
 صدر عایده محم اولد دولت بایدار

شوق
 ایاض اول و دوم کند
 حال اول و دوم کند
 منتهی بقدر که کند
 در او درین وقت
 آرامش آن کند
 غایت صبر در بی فتنه کند
 اول بجز طفل قدیم و کمال
 اول عارض هر یک از اینها
 سرگشته اند و صفا
 شوق در مقصود
 و
 خواب اول و دوم کند
 رونق و سرور کند
 کوبیده شتاب کند
 حال و طبع اید اعلام
 دل و کد و کجاست
 فانی اجبر اندیش کند
 خوراکه که در چه صورت
 دارا و لوز در سفر جام
 قرینک اولام ایله اعتبار
 چنانکه شوقش با کام
 و
 شوق در مقصود
 و
 خواب اول و دوم کند
 رونق و سرور کند
 کوبیده شتاب کند
 حال و طبع اید اعلام
 دل و کد و کجاست
 فانی اجبر اندیش کند
 خوراکه که در چه صورت
 دارا و لوز در سفر جام
 قرینک اولام ایله اعتبار
 چنانکه شوقش با کام

135
 شوق
 ایاض اول و دوم کند
 حال اول و دوم کند
 منتهی بقدر که کند
 در او درین وقت
 آرامش آن کند
 غایت صبر در بی فتنه کند
 اول بجز طفل قدیم و کمال
 اول عارض هر یک از اینها
 سرگشته اند و صفا
 شوق در مقصود
 و
 خواب اول و دوم کند
 رونق و سرور کند
 کوبیده شتاب کند
 حال و طبع اید اعلام
 دل و کد و کجاست
 فانی اجبر اندیش کند
 خوراکه که در چه صورت
 دارا و لوز در سفر جام
 قرینک اولام ایله اعتبار
 چنانکه شوقش با کام
 و
 شوق در مقصود
 و
 خواب اول و دوم کند
 رونق و سرور کند
 کوبیده شتاب کند
 حال و طبع اید اعلام
 دل و کد و کجاست
 فانی اجبر اندیش کند
 خوراکه که در چه صورت
 دارا و لوز در سفر جام
 قرینک اولام ایله اعتبار
 چنانکه شوقش با کام

بسم الله الرحمن الرحيم
 سرور خا
 هر آنکس که خواهد فال محف بگیرد با طهارت باشد و در بقعه بنشیند نیت بکند و بگوید
 و سه بار سه بار بخواند و سه بار لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و سه بار بگوید
 اللهم صل علی ابی محمد و آل محمد و سلم علیه و این است بخواند و عذره مخارج الغیب لا یعلم الا الله
 و یعلم ما فی البر و البحر و ما فی فطن و رفته الا یعلمها و لا حجة فی ظلمات الارض و الارطب
 و لا یالس الا فی کتب مبین و این دعا یکی بر آنکه الله الهی تو کلت علیک و تفالک
 بکت بک فارینه سایه المکتوب فی سرک المکنون نه غیبک یا ذا الجلال و الاکرام بر جگر
 یا ارحم الراحمین و بعد از آن محف بکشد و در هفت ورق بنویسد و در سطر هفتم ملاحظه
 نماید اگر آیت رحمت بر آید بر آن کمال غایب و اگر آیت ظلمت بر آید از اجتناب غایب و بالله توفیقو المستعان
 ان شاء الله
 ان شاء الله فال اول از آنکه در در احوال هر روز الفامیدم چنانچه گفتن همگی و مدت عیدست و نور
 الفامیدم است با در بر جان چراغ جبهه و در بر نور اگر باشد الفامیدم است که از نیت کشت دولت کشت
 بفالت برادر یا برادر نهال که دشمن با در آمد چه صبا دولت است این حال که فالت با نیت با بر آمد
 زحرفی بر حدیثی دارم که آن قولم بغایت باور آمد الا ایرانکه با در فالت آمد تراخت سعادت یا و آمد
 الا ایرانکه در حق فال دارم توانی تو بکن که بهوشیار که چو نیت آمد تا نیت نیست که بر کمر دیر که بنور استوار
 که تو بکنی بر دست بهتر بگوشت جان منو که در کار بر ترا تو به بفرمودند درین فال خلاصی بابی از اندوه زار
 چو نیت آمد بفالت برادر شود و دشمن هم کار سر اسر تا امانت به نیکو فاش کرد سخن کوتاه شد و الله اکبر
 چو نیت بفالت برادر سعادت یا رخست کشت و در این فال و در نیت این بیابان حال و نیت برادر

چو نیت آمد بفالت برادر جان که نغمه من الله دایم نور خوان که نام نیکویت نشود و فکر که تا از خفرت خویابی ایمان
 نور شد و روز صبح پیش آن که تا در خوش خوشی با ایمان غالب جهان جویم آمد از نیت جوان شور تو خندان
 چو نیت آمد ترا جت رو باشد هم کارت ضا اندر ضا شد چو نیت آمد بر افتد غم رخ هم در نور نیکو رو باشد
 ز دشمن هیچ نتوانم که کوم چه جبهه گفتن و عرق بلا شد اگر غایب کسی در زنجار شود شن دان دولت کلین فر باشد
 بفالت خیر بر اندر ندم نباشد مال ملک نعمت کم چو نیت آمد ضیال کم کنی دست که تا بنور ترا رخ و ضا غم
 چو نیت آمد ز خوشی نیست خالی که آن فتنه نشود نه غم چو نیت آمد بکار بر دشمن زو که آن دست ترا کرد مسلم
 چو نیت آمد دل اندرین فال مگو که در تر کارت بهر حال چو نیت آمد دل میگذران که امشب بود بهتر ز سال
 بصبا دوستی که در مصعب که اخرون که در دهام مل بر و با نیکم در مشورت کن که تا مسعود که در بر توان فال
 چو نیت آمد بفالت برادر بجای فال باشد نیکو بکنه چو نیت آمد ز مال کس مشو تو دل خود غم اندوه سیر
 و که کار بر که خواهی تو بکن زود بکن نعل و کار خود بدیر که حرف ذال باشد مبارک از نیت زعفر خوشی برادر
 چو نیت آمد بر او اندر جبهه زود که پیش و ن کلام مسعود چو نیت آمد رو کن سحر بنابر قدم در نه که در بر بنمرد
 سعادت یا دولت هم مصعب زهر فر خنده فال و نیت مسعود
 چو نیت آمد ز فال تو زیان نیست و لیکن هیچ سود در میان نیست نیکوم از نیت خیر کن و نیت بکل کردن چو نیت نیست
 مکن نعل ز نهال اندرین کار شنو بنده این و که کوشش که نیست که از خفت و دل سبی که در
 چو نیت آمد سعادت یا بر کرد شنو دخت تو پیدا کرد چو نیت آمد مکن تو خفت بد که از خفت و دل سبی که در
 مگو با هیچ کس از دل خویش که تا در و ترا تیار کرد چو نیت آمد مسعود که در بر بنمرد که از خفت و دل سبی که در

Handwritten text in Arabic script, likely a list or account, spanning the top half of the left page. The text is faint and difficult to decipher.

نصف
سنة

لامعه علمی = محمود بن عثمان بروسی

بروسه نده مدار افتخاری او را به بوزارت ادبای عثمانیه نده قریب شده
و سیاحتی نقشیده نده عرفانده اولوب ۹۲۸ تاریخنده از حاکم ایوب
بروسه عصارنده ادره تا بازار قریبده بعدی نقاشیه علی مسجدی نظیره شده
رفعه اولوننده . نشری نظمده اقوادر . وامده و غیره از حجه انارنده